



مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



اسلام پژوهش های روان شناختی

اسلام و پژوهش های روان شناختی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹

مدیر مسئول: دکتر محمد جواد زارعان
مدیر اجرایی: هادی ارشاد حسینی

صاحب امتیاز: دکتر محمد جواد زارعان
سردبیر: دکتر محمدرضا احمدی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

پست الکترونیکی: pajooresh.ueae@gmail.com

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: ipr.ueae.ir

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳ کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا)

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

آیت الله سید محمد غروی راد

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارعان

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة السلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

حجة السلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری

دانشگاه بقیة الله عجل الله فرجه

دکتر علی فتحی آشتیانی

دانشگاه تهران

دکتر هادی بهرامی احسان

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۱۲۱۲۴ به تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹ درجه علمی دوفصلنامه از علمی - ترویجی به علمی - پژوهشی ارتقا یافت.

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع رسانی SID, Noormags و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارایه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و ... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسأله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعداد اعشار از نقطه (.) استفاده شود.
نکته: تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به

صورت جداگانه بارگذاری شود.

• بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آن‌ها؛

• منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و

نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال/دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

• ضمایم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و به وسیله ایمیل، برای فصل‌نامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

• فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.

• اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.

• مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

فهرست مطالب

تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان مدارس متوسطه اول

شهرستان قم در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵..... ۷

محمدهادی صالحی بهابادی / امین رحمتی / مجتبی فرهوش

رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین..... ۲۵

سعیدزارع بنادکوکوی / محمدرضا جهانگیرزاده / مسعود نورعلیزاده میانجی

طلاق عاطفی: نقش ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا..... ۴۱

عباس خلیلی / رضا مهکام / حسین رضائیان بیلندی

رابطه خوش بینی اسلامی و آخرت‌نگری با رضایت زناشویی اسلامی..... ۶۳

مهدی نورپناه / جعفر جدیری / محمدرضا بنیانی

رابطه جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی با مکانیسم‌های دفاعی..... ۸۵

محمدحسین کفیل / حسن تقیان / دکتر صفورایی

رابطه دین‌داری، نگرش و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در جامعه ایران (مطالعه مروری)..... ۱۰۷

احمد فرشادفر

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ (ص ۷-۲۳)

تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر آسیب های اجتماعی و روانی دانش آموزان مدارس متوسطه اول شهرستان قم در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

The Effect of Life Skills Training on Social and Mental Damage of First High School Students in Qom City in the Academic Year of 1395 – 1396

دکتر محمد هادی صالحی بهابادی / کارشناسی ارشد روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع) قم، ایران
امین رحمتی / دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
مجتبی فرحوش / دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Mohammad Hadi Salehi Bahabadi / Master of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. nasirana26@yahoo.com

Amin Rahmati / PhD student in Quran and Psychology, Mustafa International Society, Qom, Iran.

Mojtaba Farhoush / PhD student in Quran and Psychology, Al-Mustafa International Society, Qom, Iran.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of life skills training on social and mental damage of first grade high school students in Qom in the academic year of 1395 – 1396. The research was quasi-experimental and pre-test and post-test design with two groups of control and experiment with random arrangement of peer subjects. The statistical population of the present study was 7791 male and female students of Qom. 100 individuals were selected as the sample. A simple random sampling method was used. The method of collecting library and field information and data collection tools was a researcher-made questionnaire on attitude of violence and cigarette addiction and stress and excitement assessment whose reliability

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر آسیب های اجتماعی و روانی دانش آموزان مدارس متوسطه اول شهرستان قم در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ به اجرا درآمد. پژوهش به روش شبه آزمایشی و اجرای طرح پیش آزمون-پس آزمون با دو گروه کنترل و آزمایش و با آرایش تصادفی در مورد آزمودنی های همتا انجام گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر، ۷۷۹۱ نفر از دانش آموزان دختر و پسر شهرستان قم بودند که تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه گیری تصادفی ساده بود. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته نگرش سنج خشونت و اعتیاد به سیگار و سنجش استرس و هیجان بوده که پایایی آن به روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۷۸ تعیین گردید و به صورت پیش آزمون و پس آزمون در بین گروه های آزمایش و کنترل

was The Cronbach's alpha method was 0.78 and was carried out in the pre-test and post-test in the experimental and control groups. The collected data were analyzed using descriptive and inferential statistics and analyzed by independent covariance and t-test. Findings show that life skills training with 99% confidence has been effective in reducing violence, addiction, stress, and excitement among high school students and decreasing the amount of each of these components in the experimental group. Life skills training are effective in reducing the social and mental damage of students and conducting life skills training by school counseling is required.

Keywords: life skills, social damage, violence, cigarette addiction, mental damage, stress, excitement.

اجرا گردید. داده‌های گردآوری شده از طریق آزمون‌های کوواریانس و تی مستقل تحلیل گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های زندگی با اطمینان ۹۹٪ بر میزان خشونت، اعتیاد به سیگار، استرس و هیجان دانش‌آموزان متوسطه اول مؤثر بوده و سبب کاهش میزان هر یک از مؤلفه‌های فوق در گروه آزمایش گردیده است. آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان مؤثر می‌باشد و برگزاری آموزش مهارت‌های زندگی توسط مشاوره مدرسه امری الزامی می‌باشد. بنابراین نتایج حاکی از تأثیر مثبت آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی و روانی در دانش‌آموزان مدارس متوسطه قم بوده است.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های زندگی، آسیب‌های اجتماعی، خشونت، اعتیاد به سیگار، آسیب‌های روانی، استرس، هیجان.

مقدمه

در دنیای امروز از یک سو، روند تحولات سریع اجتماعی، قدرت سازگاری و انطباق افراد و گروه‌های اجتماعی را کاهش داده و از سوی دیگر پیشرفت صنعتی و تحولات عظیم در فناوری اطلاعات و رسانه‌ها، زندگی بشر امروزی را به وضعیت سردرگم و پیچیده‌ای تبدیل کرده است (بدنار، ۲۰۱۶). در چنین شرایطی بسیاری از انسان‌ها در مسیر بهنجار رشد روانی و اجتماعی خود قرار نمی‌گیرند و توان ایجاد توازن بین محرک‌های بیرونی و نیازهای درونی خود را ندارند و رشد موزون و همه‌جانبه تحقق نمی‌یابد. علاوه بر این زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی و روانی می‌شوند که مشکلات عمده‌ای در جوامع کنونی ایجاد کرده‌اند (کراچی و مهرابی، ۱۳۹۶).

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنش‌گران قرار نمی‌گیرد و

در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد (کریس^۱، ۲۰۱۵). به همین دلیل، کجروان سعی دارند، کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند، زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی، طرد اجتماعی مواجه می‌شوند. آسیب اجتماعی شامل اموری چون پرخاشگری، جنایت، خودکشی، اعتیاد، قاچاق مواد مخدر، روسپیگری و جرائم مالی می‌شود و برخی اقشار و گروه‌ها همچون جوانان آسیب‌پذیری بیشتری دارند (نجفی، بیگدلی، دهشیری، و بوگر، ۱۳۹۲).

مهارت‌های زندگی می‌توانند اعمال شخصی و اعمال مربوط به محیط اطراف را طوری هدایت کنند که به سلامت بیشتر جسمانی، روانی و اجتماعی منجر شود (حسنی، ۱۳۹۸، ص ۴). مقابله با استرس، خودآگاهی، تفکر انتقادی و حل مسأله از جمله مهارت‌های زندگی می‌باشند که در سیستم آموزشی متوسطه، مورد توجه ویژه قرار گرفته است (سرچشمه و همکاران، ۲۰۱۷).

امروزه خشونت و اعتیاد به مواد مخدر از آسیب‌های اجتماعی مهم و درخور توجه جوامع تبدیل شده است. بسیاری از افراد و گروه‌ها با درگیر شدن در فرآیندهای خشونت‌آمیز، آسیب‌های فراوانی را به خود و سایرین وارد می‌کنند. آنان و همکاران^۲ (۲۰۱۸) خشونت را شکل افراطی پرخاش پنداشته، آن را اقدام عمدی به منظور ایجاد آزار جسمی یا روانی شدید در دیگران تعریف کرده‌اند. اعتیاد یا را از مرزهای بهداشت و درمان فراتر نهاده و به یک بحران اجتماعی تبدیل شده است. اعتیاد دیگر تنها جنبه فردی ندارد بلکه یک آسیب اجتماعی نیز محسوب می‌شود و علاوه بر تهدید سلامت جسم و روان افراد بر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز اثرات زیان‌آور غیرقابل جبران وارد می‌سازد (نامدارپور و قربانی محمدآبادی، ۱۳۹۵).

پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد، خشونت خانگی و اجتماعی از عوامل زمینه ساز اختلالات روانی هستند (مارک^۳، ۲۰۰۸). آسیب روانی، یک سندرم یا الگوی رفتاری یا روان‌شناختی مهم بالینی است که در یک فرد روی می‌دهد و با رنج خود یا دیگران، کاهش عملکرد، احتمال جدی آسیب به خود یا دیگران، همراه است

1. Chris, M.

2. Anand et al.

3. Mark.

(اسپیتزر و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

تحولات سریع اجتماعی موجب افزایش استرس به خصوص در جوانان و نوجوانان، شده است که می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های روانی باشد. استرس به عنوان یک واکنش در مقابل محرک‌های تنش‌زای خارجی، موجب کاهش عملکرد اجتماعی، روان‌شناختی، جسمانی و تحصیلی می‌شود و نارضایتی تحصیلی، حرفه‌ای، کاهش تولید، افزایش خطا، تنزل در سطح قضاوت و کندی زمان واکنش را به دنبال خواهد داشت (براسچت و همکاران^۲، ۲۰۱۸). البته استرس در سطح قابل قبول آن، نقش حیاتی و اساسی در حرکت، همچنین پیشرفت فرد دارد و جز ضروری زندگی انسان محسوب می‌شود اما استرس بیش از حد قابل قبول، مانع پیشرفت و عامل بازدارنده محسوب شده و ریشه بسیاری از مشکلات و بیماری‌های جسمی روحی می‌باشد (آسایش و دیگران، ۱۳۹۵).

روان‌شناسان در دهه‌های اخیر، در بررسی اختلالات رفتاری و انحرافات اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از اختلالات و آسیب‌ها در ناتوانی افراد نسبت به تحلیل صحیح مسائل شخصی، عدم احساس کنترل، کفایت برای رویارویی با موقعیت‌های دشوار و عدم آمادگی برای حل مشکلات و مسائل زندگی به شیوه مناسب، ریشه دارد (تانجی و همکاران^۳، ۲۰۱۸). برخی اقشار و گروه‌های اجتماعی همچون نوجوانان در معرض آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایرین قرار دارند (نجفی و دیگران، ۱۳۹۲).

نوجوانی، دوره بلوغ، دوره آشکار شدن گزینه جنسی، علائق شغلی و اجتماعی، میل به آزادی و استقلال است. سال‌های نوجوانی مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می‌رود. آلیس وایتزمن^۴ (۱۹۹۰) بعد از ساخت آزمون رشد اجتماعی به این باور رسید که رشد اجتماعی روند تدریجی داشته و با افزایش سن فزونی می‌یابد. هرچند که اجتماعی شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی از دوران کودکی آغاز می‌شود، اما نوجوانی مرحله مهم و برجسته‌ای از رشد اجتماعی به شمار می‌رود. (احمدی، ۱۳۹۳) تغییر و تحول جسمی، روانی و شخصیتی در این دوران، خواسته‌های جدیدی را مطرح می‌سازد. از یک سو فشار گرایز، نیازها و میل به تبعیت از ارزش‌های نوجوانی، همچنین پذیرفته شدن و جذب

1. Spitzer et al.

2. Brosschot et al.

3. Tangney et al.

4. Ellis Witsman.

در گروه‌های همسال، فشارهای گروهی، میل به ابراز وجود، پی‌ریزی زندگی مستقل و از طرف دیگر فقدان امکانات، روابط نامناسب عاطفی، عدم توجه به خواسته‌ها، ارزش‌ها و نظرات جوان و نیز بی‌تجربگی و عدم شناخت کافی، او را در یک بحران فکری و آشفتگی روانی قرار می‌دهد و عوارضی چون بی‌ثمری، پوچی و بی‌کفایتی به بار می‌آورد. چنین شرایطی زمینه‌ی گرایش به انحرافات اجتماعی را فراهم می‌کند (فتحی و فدوی، ۱۳۹۱). همچنین بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و روحی دوران بزرگ‌سالی، ریشه در دوران نوجوانی دارد (کراچی و مهرابی، ۱۳۹۶).

آسیب‌پذیری نوجوانان به دلیل فقدان توانایی‌ها و مهارت‌های زندگی و اجتماعی لازم است. به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های زندگی موجب برخورد بهتر با مشکلات دوران جوانی و کاهش فشارهاست (پیرس و همکاران، ۲۰۱۸) همچنین باعث می‌شود که افراد مسئولیت‌های مربوط به نقش‌های اجتماعی خود را پذیرفته و بدون صدمه زدن به خود و دیگران با چالش‌ها و مشکلات زندگی روبه‌رو شوند رود (احمدی، ۱۳۹۳). مهارت زندگی به گروه بزرگی از مهارت‌های روانی- اجتماعی و میان‌فردی گفته می‌شود که می‌توانند به افراد کمک کنند تا تصمیماتشان را با آگاهی اتخاذ کنند، به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند و زندگی سالم و بارور داشته باشند (کلایی، ۱۳۹۶). مهارت‌های زندگی دربرگیرنده مهارت‌های شناختی، هیجانی، بین‌فردی و اجتماعی است (حصاری ذبیحی، ۱۳۹۶).

هدف اصلی سازمان بهداشت جهانی از ایجاد طرح مهارت‌های زندگی در زمینه بهداشت روانی این است که جوامع مختلف در سطح جهان نسبت به گسترش به‌کارگیری و ارزیابی برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی که متمرکز بر رشد توانایی‌های روانی مانند سازگاری اجتماعی و کنترل استرس نوجوانان است، اقدام نماید (فتحی و همکاران، ۴۱۳۹، ص ۲). برخی مطالعات حاکی از آن‌اند که نوجوانان بزهکار در مقایسه با جوانان غیر بزهکار، نقص‌های مهارتی بیشتری را نشان می‌دهند نقص در رشد کامل مهارت‌های زندگی در یک یا بیش از یک جنبه از رشد انسان می‌تواند در نتیجه عوامل مختلفی روی دهد، از جمله می‌تواند ناشی از مشکلات یادگیری مانند ناتوانی‌های یادگیری، اختلال کمبود توجه و یا

محیط‌های یادگیری مشکل‌زا مانند فقدان الگوهای مناسب باشد (نیومن و نیومن^۱، ۲۰۱۷). آموزش مهارت‌های زندگی موجب ارتقای توانایی‌های روانی، اجتماعی می‌گردد، این توانایی‌ها فرد را برای برخورد مؤثر با کشمکش‌ها و موقعیت‌های زندگی یاری می‌بخشند و به او کمک می‌کنند تا با سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و محیط خود مثبت و سازگار عمل کند و سلامت روانی خود را تأمین نماید. بدین ترتیب، تمرین مهارت‌های زندگی موجب تقویت یا تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتار انسان می‌گردد. در نتیجه با پدید آمدن رفتارهای مثبت و سالم بسیاری از مشکلات روانی قابل پیشگیری خواهند بود (پیرس و همکاران، ۲۰۱۸).

شناسایی منابع استرس و نحوه تأثیر آن بر انسان، فرد را قادر می‌سازد تا با اعمال و موضع‌گیری‌های مناسب فشار و استرس را کاهش دهد. مهارت‌های زندگی به افراد کمک می‌کند تا ضمن شناسایی هیجان‌ها و تأثیر آنها بر تفکر و رفتارهایشان، بتوانند در مقابله با آنها واکنش مناسب نشان دهند (مودکی و همکاران^۲، ۲۰۱۷).

پژوهش‌هایی نشان دادند که بین آگاهی از مهارت‌های زندگی و آسیب‌های اجتماعی رابطه منفی معنادار وجود دارد و مهارت خودآگاهی، تفکر خلاق، ارتباط بین‌فردی به ترتیب نقش مهم و معناداری در پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی دارند (نجفی، بیگدلی، دهشیری و رحیمیان بوگر^۳، ۱۳۹۲).

پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که آموزش مدیریت استرس و ارتباط مؤثر بر کاهش تمایل به مواد مخدر مؤثر است (نهارودی، ۱۳۹۰، ونزل و همکاران^۴، ۲۰۰۹، اسپات و همکاران^۵، ۲۰۱۰، بوتوین^۶ و گریفین^۶، ۲۰۱۴). بسیاری از این پژوهش‌ها بر پیشگیری از اعتیاد متمرکز بوده است همچنین بسیاری از این پژوهش‌ها تنها بر یک جنسیت دختر یا پسر متمرکز بوده است. همچنین بسیاری از این پژوهش‌ها در محیط‌های غیرمذهبی انجام شده است. بنابراین شواهد سؤال این است که آیا آموزش مهارت‌های زندگی در محیط‌های مذهبی، بر کاهش آسیب‌های روان‌شناختی و اجتماعی تأثیر معناداری دارد؟ آیا آموزش مهارت‌های زندگی علاوه بر کاهش تمایل به اعتیاد بر آسیب‌های دیگر نیز مؤثر است؟ آیا آموزش‌های

1. Newman, B. M., & Newman, P. R.

2. Modecki et al.

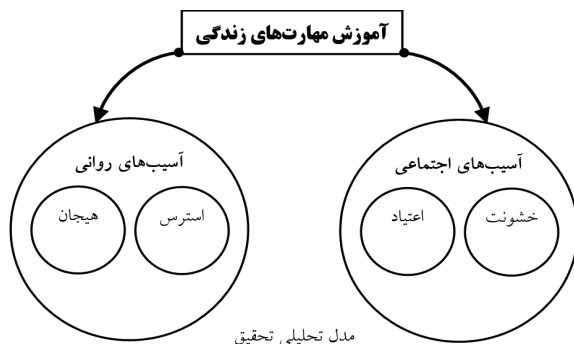
3. Wenzel et al.

4. expat et al.

5. Botvin.

6. Griffin.

مهارت‌های زندگی بر دختر و پسر، تأثیر یکسانی دارد؟ با توجه به این سؤالات، هدف این تحقیق بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه اول شهرستان مذهبیه قم در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ می‌باشد. با توجه به این هدف، فرضیه‌ها عبارت‌اند از: ۱. آموزش مهارت‌های زندگی بر خشونت در بین دانش‌آموزان مؤثر است. ۲. آموزش مهارت‌های زندگی بر مصرف دخانیات در دانش‌آموزان مؤثر است. ۳. آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان استرس دانش‌آموزان مؤثر است. ۴. آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان هیجان دانش‌آموزان مؤثر است.



روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت آزمایشی و از نظر روش اجرا با توجه به میزان و شدت کنترل و چگونگی تعیین گروه‌های نمونه شبه آزمایشی می‌باشد. بدین منظور یک کلاس دخترانه با حضور ۲۵ دختر از دبیرستان دوره اول متوسطه و یک کلاس پسرانه به تعداد ۲۵ پسر از دبیرستان دوره اول متوسطه به عنوان گروه آزمایش و همین تعداد نیز به عنوان گروه کنترل به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ابتدا از بین مدارس و سپس از میان دانش‌آموزان این دو مدرسه انتخاب شدند. به طوری که در هر گروه ۱۲ دانش‌آموز ۱۳ ساله از پایه هفتم و ۱۳ دانش‌آموز ۱۴ ساله از پایه هشتم جای داده شدند.

گروه آزمایش تحقیق را ۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر تشکیل می‌دهند که در کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی با شیوه متفاوتی که توضیح آن بیان شده، شرکت کردند و گروه کنترل، همین تعداد دانش‌آموزانی هستند که در کارگاه‌های مزبور شرکت نکرده و به طور

معمول مورد آموزش همگانی قرار گرفتند.

جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته نگرش سنج خشونت و اعتیاد به دخانیات و سنجش میزان استرس و هیجان استفاده شد. گویه‌های پرسشنامه مورد استفاده با اقتباس از پرسشنامه‌های پرخاشگری باس و پری، بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد در خصوص پیشگیری از مصرف سیگار، مقیاس ۱۶ عاملی شخصیت کتل و تست هیجان خواهی زاگرن، با اعمال برخی تغییرات در جهت سازگاری با سن، سطح آگاهی و فرهنگ بومی جامعه آماری در دو بخش تنظیم گردید؛ که بخش اول، اطلاعات عمومی، شامل جنس، سن، پایه تحصیلی و نوع مدرسه دانش‌آموزان و بخش دوم شامل ۴۰ سؤال بسته پاسخ می‌باشد که برای سنجش هر یک از متغیرهای خشونت، اعتیاد، استرس و هیجان ۱۰ پرسش منظور گردیده و با طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) تنظیم شده است.

روایی و سنخیت انطباق محتوای پرسشنامه با سؤالات پژوهش و داده‌های مورد نیاز با نظر اساتید راهنما و مشاور مورد تأیید قرار گرفت. پایایی نیز بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰٫۷۸، به دست آمده است که این مقدار برای انجام پژوهش قابل قبول می‌باشد.

ابتدا از هر دو گروه گواه و آزمایش، پیش‌آزمون به عمل آمد. بعد از بررسی پیش‌آزمون‌ها، گروه کنترل تحت آموزش‌های معمولی و کلی مدرسه قرار گرفتند. ولی برای گروه آزمایش، برنامه‌ای تهیه و اجرا گردید که شرح جلسات مربوط به آن در جدول (۱) آمده است. ضمناً موضوع جلسات آموزشی و تمرینات عملی آن در چهارده جلسه ۶۰ دقیقه‌ای تنظیم گردید، به طوری که با استفاده از روش یادگیری مشارکتی و فنونی چون سخنرانی، بحث و گفتگو، پرسش و پاسخ به صورت گروهی، بر روی گروه آزمایش مورد بحث و بررسی قرار گرفت، و در پایان هر جلسه تمریناتی ارائه می‌شد، تا بدین وسیله همه آزمودنی‌ها مباحث آموزشی را خارج از موقعیت آموزش به صورت تجربی تمرین کنند.

جدول ۱- برنامه آموزش مهارت‌های زندگی

مدرس	مدت آموزش	موضوع
مددکار اجتماعی نیروی انتظامی	۲ ساعت	انواع آسیب‌های اجتماعی و شدت پراکندگی آنها در جامعه
روان‌شناس تربیتی (دکتر)	۶ ساعت	مهارت‌های همدلی، حل مسأله و تفکر انتقادی
مشاور تربیتی (دکتر)	۴ ساعت	رابطه با مهارت‌های مقابله با استرس و هیجان
مشاور تربیتی (دکتر)	۲ ساعت	تقویت مهارت نه گفتن در دانش‌آموزان

به موازات این برنامه، کارگاه‌هایی هم با موضوع توانمندسازی والدین، سبک‌های فرزندپروری و راه‌های پیشگیری اولیه از اعتیاد توسط همین اساتید به مدت ۱۰ ساعت برای والدین این دانش‌آموزان اجرا گردید.

در پایان، یک بار دیگر سؤالات پرسشنامه در اختیار گروه‌های آزمایش و کنترل داده شد و از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد و نتایج مورد بررسی قرار گرفت.

روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی طبقه‌بندی می‌شود. در بخش آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد داده‌های مربوط به متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش و در بخش آمار استنباطی از آزمون کوواریانس استفاده شده است.

یافته‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از مقایسه میانگین و انحراف معیار داده‌ها، آزمون T مستقل و آزمون کوواریانس استفاده شد.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آمار استنباطی و آزمون کوواریانس به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه ۱: آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان خشونت دانش‌آموزان متوسطه اول مؤثر می‌باشد.

جدول ۲- آزمون اثرات هم‌تغییری میزان خشونت دانش‌آموزان

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
Corrected Model	۴۶۸٫۲ (a)	۲	۲۳۴٫۱	۱٫۴۰	۰٫۰۰۰	۰٫۱۷۷
Intercept	۲۳۷٫۵	۱	۲۳۷٫۵	۱۰٫۵۵	۰٫۰۰۲	۰٫۰۹۸
پیش‌آزمون	۴۲۰٫۱	۱	۴۲۰٫۱	۴٫۴۲	۰٫۰۳۸	۰٫۰۴۴
بین‌گروهی	۹۹٫۵۷	۱	۹۹٫۵۷	۱۸٫۶۶	۰٫۰۰۰	۰٫۱۶۱
درون‌گروهی	۲۱۸۳٫۲	۹۷	۲۲٫۵۰			
کل	۴۳۲۹۴٫۰	۱۰۰				
Corrected Total	۲۶۵۱٫۴	۹۹				

a R Squared=۰٫۱۷۷ (Adjusted R Squared=۰٫۱۶۰)

جدول ۳- نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه گیری

درجه آزادی df_2, df_1	سطح معناداری α	عدد F محاسبه شده	عدد F جدول بحرانی
۱ و ۹۷	۰,۰۱	۱۸,۶۶	۷,۰۷

F محاسبه شده با سطح معناداری $0,01 < 0,000 < 18,66$ برابر $18,66$ و ضریب تعیین آن برابر با $0,16$ می باشد در نتیجه می توان گفت متغیر مستقل آموزش مهارت های زندگی، 16 درصد از تغییرات واریانس خشونت را تبیین می نماید و همچنین F محاسبه شده با درجه آزادی های $df_1 = 1$ و $df_2 = 97$ و $\alpha = 1\%$ بیشتر از F بحرانی جدول $7,07 < 18,66$ می باشد. لذا می توان گفت بین میزان خشونت دانش آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه صفر رد شده و فرضیه اصلی پژوهش تأیید می گردد. پس با اطمینان 99% آموزش مهارت های زندگی بر میزان خشونت دانش آموزان مقطع متوسطه اول مؤثر می باشد.

فرضیه ۲: آموزش مهارت های زندگی بر میزان اعتیاد به سیگار دانش آموزان متوسطه اول مؤثر می باشد.

جدول ۴- آزمون اثرات هم تغییری میزان اعتیاد به سیگار دانش آموزان پس آزمون

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتای جزئی
Corrected Model	۴۱۷,۴ (a)	۲	۲۰۸,۷	۹,۹۸	۰,۰۰۰	۰,۱۷۱
Intercept	۲۸۵۰,۵	۱	۲۸۵۰,۵	۱۳۶,۴	۰,۰۰۰	۰,۵۸۴
پیش آزمون	۴۰۹,۹	۱	۴۰۹,۹	۰,۲۵۵	۰,۶۱۵	۰,۰۰۳
بین گروهی	۵,۳۱	۱	۵,۳۱	۱۹,۶۱	۰,۰۰۰	۰,۱۶۸
درون گروهی	۲۲۷,۱	۹۷	۲,۰۸۹			
کل	۴۲۱۶,۵	۱۰۰				
Corrected Total	۲۴۴۴,۵	۹۹				

a R Squared=۰,۱۷۷ (Adjusted R Squared=۰,۱۵۴)

جدول ۵- نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه گیری

درجه آزادی df_2, df_1	سطح معناداری α	عدد F محاسبه شده	عدد F جدول بحرانی
۱ و ۹۷	۰,۰۱	۱۹,۶	۷,۰۷

F محاسبه شده با سطح معناداری $0,01 < 0,000$ برابر $19,6$ و ضریب تعیین آن برابر با $0,154$ می‌باشد در نتیجه می‌توان گفت متغیر مستقل آموزش مهارت‌های زندگی، 15 درصد از تغییرات واریانس اعتیاد به سیگار را تبیین می‌نماید و همچنین F محاسبه شده با درجه آزادی‌های $df=1$ و $df2=97$ و $\alpha=1\%$ بیشتر از F بحرانی جدول $7,07 > 19,6$ می‌باشد لذا می‌توان گفت بین میزان تمایل به مصرف سیگار دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه صفر رد شده و فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌گردد. پس با اطمینان 99% آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان اعتیاد به سیگار دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول مؤثر می‌باشد.

فرضیه ۳: آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان استرس دانش‌آموزان متوسطه اول مؤثر می‌باشد.

جدول ۶- آزمون اثرات هم‌تغییری میزان استرس دانش‌آموزان

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتای جزئی
Corrected Model	(a) ۳۵۴,۲	۲	۱۷۷,۱	۷,۵۶	۰,۰۱	۰,۱۳۵
Intercept	۵۹۰,۸	۱	۵۹۰,۸	۲۵,۲۴	۰,۰۰۰	۰,۲۰۷
پیش‌آزمون	۳۵۱,۹	۱	۳۵۱,۹	۰,۵۱۱	۰,۴۷۶	۰,۰۰۵
بین‌گروهی	۱۱,۹۵	۱	۱۱,۹۵	۱۵,۰۴	۰,۰۰۰	۰,۱۳۴
درون‌گروهی	۲۲۶۹,۹	۹۷	۲۳,۴			
کل	۴۳۹۵,۵	۱۰۰				
Corrected Total	۲۶۲۴,۱	۹۹				

$0,135 = a$ R Squared ($0,117 = \text{Adjusted R Squared}$)

جدول ۷- نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه‌گیری

درجه آزادی $df1, df2$	سطح معناداری α	عدد F محاسبه شده	عدد F جدول بحرانی
۱ و ۹۷	۰,۰۱	۱۵,۰۴	۷,۰۷

F محاسبه شده با سطح معناداری $0,01 < 0,000$ برابر $15,04$ و ضریب تعیین آن برابر با $0,117$ می‌باشد در نتیجه می‌توان گفت متغیر مستقل آموزش مهارت‌های زندگی، 11 درصد از تغییرات واریانس استرس را تبیین می‌نماید و همچنین F محاسبه شده با درجه آزادی‌های $df=1$ و $df2=97$ و $\alpha=1\%$ بیشتر از F بحرانی جدول $7,07 > 15,04$ می‌باشد لذا می‌توان

گفت بین میزان استرس دانش آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه صفر رد شده و فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌گردد. پس با اطمینان ۹۹٪ آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان استرس دانش آموزان مقطع متوسطه اول مؤثر می‌باشد.

فرضیه ۴: آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان هیجانات دانش آموزان مقطع متوسطه اول مؤثر می‌باشد.

جدول ۸- آزمون اثرات هم‌تغییری میزان هیجانات دانش آموزان پس آزمون

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتای جزئی
Corrected Model	۳۷۱,۳ (a)	۲	۱۸۵,۶	۹,۵۶	۰,۰۰۰	۰,۱۶۵
Intercept	۳۳۰۲,۲	۱	۳۳۰۲,۲	۱۶۹,۹	۰,۰۰۰	۰,۶۳۷
پیش آزمون	۳۶۲,۶	۱	۳۶۲,۶	۰,۳۳۵	۰,۵۶۴	۰,۰۰۳
بین گروهی	۶,۵۱	۱	۶,۵۱	۱۸,۶۶	۰,۰۰۰	۰,۱۶۱
درون گروهی	۱۸۸۴,۴	۹۷	۱۹,۴۲			
کل	۷۵۷۵,۱	۱۰۰				
Corrected Total	۲۲۵۵,۷	۹۹				

$R^2 = ۰,۱۶۵$ ($Adjusted\ R^2 = ۰,۱۴۷$)

جدول ۲- نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه‌گیری

درجه آزادی (df), df۲	سطح معناداری α	عدد F محاسبه شده	عدد F جدول بحرانی
۱ و ۹۷	۰,۰۱	۱۸,۶۶	۷,۰۷

F محاسبه شده با سطح معناداری $۰,۰۱ < ۰,۰۰۰ < ۱۸,۶۶$ و ضریب تعیین آن برابر با ۰,۱۴۷ می‌باشد در نتیجه می‌توان گفت متغیر مستقل آموزش مهارت‌های زندگی، ۱۴ درصد از تغییرات واریانس هیجان را تبیین می‌نماید و همچنین F محاسبه شده با درجه آزادی های $df=۱$ و $df۲=۹۷$ و $\alpha=۱\%$ بیشتر از F بحرانی جدول $۷,۰۷ < ۱۸,۶۶$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت بین میزان هیجان دانش آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه صفر رد شده و فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌گردد. پس با اطمینان ۹۹٪ آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان هیجان دانش آموزان

مقطع متوسطه اول مؤثر می‌باشد.

فرضیه اصلی: آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول مؤثر می‌باشد.

جدول ۱۰- آزمون اثرات هم‌تغییری میزان آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتای جزئی
Corrected Model	۶۷۹۷,۲۹ (a)	۲	۳۳۹۸	۱۵,۷	۰,۰۰۰	۰,۲۴۵
Intercept	۹۹۴۲,۳	۱	۹۹۴۲,۳	۴۶,۱۱	۰,۰۰۰	۰,۳۲۲
پیش‌آزمون	۶۱۰۳	۱	۶۱۰۳	۳,۹۵	۰,۰۵۰	۰,۰۳۹
بین‌گروهی	۸۵۲,۸	۱	۸۵۲,۸	۲۸,۳۰	۰,۰۰۰	۰,۲۲۶
درون‌گروهی	۲۰۹۱۳	۹۷	۲۱۵,۶			
کل	۷۹۳۸۶۱	۱۰۰				
Corrected Total	۲۷۷۱۰	۹۹				

(Adjusted R Squared) = ۰,۲۳۰ = a R Squared

جدول ۱۰- نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه‌گیری

درجه آزادی df _۲ , df _۱	سطح معناداری α	عدد F محاسبه شده	عدد F جدول بحرانی
۱ و ۹۷	۰,۰۱	۲۸,۳۰	۷,۰۷

F محاسبه شده با سطح معناداری $۰,۰۱ < ۰,۰۰۰$ برابر $۲۸,۳۰$ و ضریب تعیین آن برابر با $۰,۲۳$ می‌باشد در نتیجه می‌توان گفت متغیر مستقل آموزش مهارت‌های زندگی، ۲۳ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نماید و همچنین F محاسبه شده با درجه آزادی‌های $df_۱=۱$ و $df_۲=۹۷$ بیشتر از F بحرانی جدول $۲۸,۳۰ > ۷,۰۷$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت بین میزان آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه صفر رد شده و فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌گردد. پس با اطمینان ۹۹% آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول مؤثر می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف اصلی، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر آسیب‌های اجتماعی و روانی انجام شده است. این طرح که مبتنی بر فعالیت‌های حل مسأله و تفکر انتقادی است، با برنامه درسی ملی دوره متوسطه و امکانات مدارس هماهنگی دارد و در نظام آموزشی ایران قابل اجراست. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مقایسه میانگین و انحراف معیار نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل و آزمون‌های کوواریانس استفاده شده است که نتایج پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

در بررسی فرضیه اول مشخص گردید که آموزش مهارت‌های زندگی سبب کاهش میزان خشونت در چهار عامل خصومت، پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری کلامی و خشم در دانش‌آموزان می‌گردد. نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات صف‌آرا و معظم‌آبادی (۱۳۹۷)، خدابخشی کولایی و همکاران (۱۳۹۷) همسو بوده است.

در بررسی فرضیه دوم مشخص گردید که آموزش مهارت‌های زندگی سبب کاهش میزان تمایل به مصرف دخانیات در هر ۵ حیطة، علاقه به مصرف، نگرش به خطرات، نگرش به اثرات فیزیولوژیکی، نگرش به اثرات روانی و نگرش به اثرات اجتماعی سیگار در دانش‌آموزان می‌گردد. نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات نهاوندی (۱۳۹۰)، اسپات، ویچهودل و سیلبرسن (۲۰۱۰)، همسو بوده است. بررسی فرضیه سوم نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی سبب کاهش میزان استرس در حیطة مربوط به ناآرامیدگی و اضطراب در دانش‌آموزان می‌گردد که با پژوهش اقبال و همکاران (۲۰۱۷) همسوست.

در بررسی فرضیه چهارم مشخص گردید که آموزش مهارت‌های زندگی سبب کاهش میزان هیجان در هر شش عامل هیجان‌خواهی، تجربه‌طلبی، ماجراجویی، ملال‌پذیری، تنوع‌طلبی و گریز از بازداری در دانش‌آموزان می‌گردد. نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات محمدزاده و همکاران (۲۰۱۷) همسو بوده است.

در نتیجه آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول مؤثر بوده و سبب کاهش آنها می‌گردد لذا مجموعه مهارت‌های زندگی هم اهداف پیشگیرانه دارد و هم قادر به کنترل و مدیریت مشکلات می‌باشد و هم برای مداخلات گروهی و فردی مناسب است. نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات بوتوین و گریفین (۲۰۱۴) همسو است.

پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌شود در خصوص عوامل مختلفی که بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر است از قبیل زمینه‌های خانوادگی، کتب درسی، معلمان، همسالان و نقش فرهنگ اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی تحقیقات بیشتری صورت گیرد.
۲. با توجه با این‌که دوره آموزش متوسطه اول برای دانش‌آموزان پسر مقارن با دوره بلوغ است و این دوره در پرورش شخصیت اجتماعی شاگردان نقش حساسی دارد، تحقیقات بیشتری بر روی دانش‌آموزان در این دوره‌های تحصیلی صورت گیرد.
۳. پیشنهاد می‌گردد با توجه به ارتباط متقابل و تعامل سازنده مدرسه با اجتماع و نقش مهم آن در پرورش اجتماعی شاگردان، در خصوص فضای فرهنگی - اجتماعی مدارس و شیوه‌های انطباق محتوی، هدف‌ها و روش‌های تربیت اجتماعی مدرسه با واقعیت‌های جامعه تحقیقات بیشتری صورت گیرد.

منابع

- آسایش، حمید؛ شریفی فرد، فاطمه؛ موسوی، مجتبی؛ طاهری خرامه، زهرا؛ علی اکبرزاده آرانی، زهرا و شعوری بیدگلی، علیرضا (۱۳۹۵)، همبستگی تنیدگی، فرسودگی و عملکرد تحصیلی دانش‌جویان پرستاری و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۰(۷)، ۷۴-۸۳.
- احمدی، سارا (۱۳۹۳)، *اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- باقری کراچی، امین و مهرابی، امیرحسین (۱۳۹۶)، مقایسه نگرش به آسیب اجتماعی در دانش‌آموزان بر حسب زمینه‌های خانوادگی، *دانشگاه علوم انتظامی امین*، ۹(۴)، ۷۱-۹۶.
- حسینی، حسین (۱۳۹۸)، *بررسی اثربخشی آموزش مهارت زندگی بر بهبود کیفیت زندگی دانش‌جویان جدیدالورود*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد شاهرود، دانشکده علوم انسانی.
- حصاری ذبیحی، نرجس خاتون (۱۳۹۶)، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر حرمت خود و سلامت روان نوجوانان آهسته گام، *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۸(۲۲)، ۸۸-۹۵.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ فتحی می‌آبادی، مجتبی و مجرب، مرجان (۱۳۹۷)، اثر آموزش مهارت‌های خودیاری لباس پوشیدن بر اضطراب و پرخاشگری پسران نوجوان کم‌توان ذهنی، *نشریه علمی پرستاری گروه‌های آسیب‌پذیر*، ۴(۱۳)، ۱۹-۳۱.
- زارعی مته کلایی، الهه (۱۳۹۶)، مهارت‌های زندگی و پیشگیری از اعتیاد، *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۴(۱۴)، ۶۹-۹۶.
- زالی، محمدرضا؛ رضوی، سید مصطفی و رستمی، رضا (۱۳۹۰)، نقش حیرت‌آور قلب در درک شهودی

- کارآفرینان سریالی یافته‌های مبتنی بر یافته‌های الکتروفیزیولوژیکی، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*.
- صف‌آرا، مریم و معظم‌آبادی، محبوبه (۱۳۹۷)، اثربخشی آموزش مثبت اندیشی بر کاهش زورگویی و افزایش استقلال عاطفی نوجوانان شهر طبس، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۸(۲۹)، ۱۶۳-۱۸۱.
 - فتحی، سروش و فدوی، جمیله (۱۳۹۱)، تحلیلی بر آسیب‌های اجتماعی جوانان طی سال‌های ۸۷-۱۳۷۸ و عوامل مؤثر بر آن. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان (SOCIOLOGICAL STUDIES OF YOUTH)*، ۳(۸)، ۱۲۱-۱۴۴.
 - فتحی، نبی؛ شاه‌مرادی، مراد و شیخی، سعید (۱۳۹۴)، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری فردی- اجتماعی دانش‌آموزان پسر سال اول متوسطه شهرستان شوش، *مطالعات آموزشی نما*، شماره ۷، سال چهارم، ۱-۱۰.
 - نامداری‌پور، قدرت‌اله و قربانی‌محمدآبادی، محمدرضا (۱۳۹۵)، علت تمایل و گرایش به مواد مخدر در جوانان شهرستان فاروج- خراسان شمالی آذرماه ۱۳۹۵، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱۴(۲)، ۸۵-۱۰۰.
 - نجفی، محمود؛ بیگدلی، ایمان‌اله؛ دهشیری، غلامرضا؛ و رحیمیان بوگر، اسحق (۱۳۹۲)، پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی بر اساس مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان، *دانشگاه محقق اردبیلی*، ۲(۳)، ۱۴۴-۱۶۳.
 - Anand, T., Kishore, J., Grover, S., Bhawe, S., & Yadav, S. (2018), Beliefs supporting violence, attitudes and aggressive behavior among school adolescents in rural Delhi. *Community mental health journal*, 1-9.
 - Bednar, J. (2016), What Makes Some Institutions More Adaptable and Resilient to Changes in Their Environment Than Others?, *Complexity and Evolution: Toward a New Synthesis for Economics*, 19, 167.
 - Behroz-Sarcheshmeh S, Karimi M, Mahmoudi F, Shaghaghi P, Jalil-Abkenar S S. (2017), Effect of Training of Life Skills on Social Skills of High School Students With Intellectual Disabilities, *PCP*, 5 (3):177-186
 - Botvin, G. J. & Griffin, K. W (2014), Life skill training: preventing substance misuse by enhancing individual and social competence. *New Dir Youth Dev. Spring*, (141):57-65, 11. doi: 10.1002/yd. 20086.
 - Brosschot, J. F., Verkuil, B., & Thayer, J. F. (2018), Generalized Unsafety Theory of Stress: Unsafe Environments and Conditions, and the Default Stress Response, *International journal of environmental research and public health*, 15(3), 464.
 - Chris, M. (2015), *Conclusion: The Politics of Self-Harm: Social Setting and Self-Regulation: A Genealogy of Cutting and Overdosing*.

- Iqbal, N., Rahimi, H., Rezai, F., & Alvi, S. (2017), Effect of life skill training on mental health of Iranian high school students, *Indian Journal of Health and Wellbeing*, 8(3), 191.
- Mark, D., Kadden, M., Kabela, C., Elise, P. Nancy, M. (2008), Coping skills training and contingency management treatments for marijuana dependence: exploring mechanisms of behavior change, *Addiction*, 103(4), 638–648.
- Modecki, K. L., Zimmer-Gembeck, M. J., & Guerra, N. (2017), Emotion regulation, coping, and decision making: three linked skills for preventing externalizing problems in adolescence, *Child development*, 88(2), 417–426.
- Mohammadzadeh, M., Awang, H., Hayati, K. S., & Ismail, S. (2017), The effects of a life skills-based intervention on emotional health, self-esteem and coping mechanisms in Malaysian institutionalised adolescents: Protocol of a multi-centre randomized controlled trial, *International Journal of Educational Research*, 83, 32–42.
- Newman, B. M., & Newman, P. R. (2017). Development through life: A psychosocial approach, *Cengage Learning*.
- Pierce, S., Kendellen, K., Camiré, M., & Gould, D. (2018), Strategies for coaching for life skills transfer, *Journal of Sport Psychology in Action*, 9(1), 11–20.
- Rickelman, B. L. & Houfek, J. F, Toward an interactional model of suicidal behaviors, cognitive rigidity, attributional style, stress, hopelessness and depression. *Archives of Psychiatric Nursing*, IX
- Ruchiwit, Manyat, *Developing resiliency in children through a life skills training: Randomized trial effects of a family-based intervention*. dean & Assoc. professor. Faculty of nursing, thammasat university. Rangsit compus, klong laung. Pathum thani, Thailand, cvvb.
- Spitzer, R. L., Endicott, J., & Franchi, J. A. M. (2018), Medical and mental disorder: Proposed definition and criteria. *In Annales Médico-psychologiques, revue psychiatrique* (Vol. 176, No. 7, pp. 656–665). Elsevier Masson.
- Tangney, J. P., BOONE, A. L., & BAUMEISTER, R. F. (2018), *High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success*, In Self-Regulation and Self-Control (pp. 181–220), Routledge.

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ (ص ۲۵-۴۰)

رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین

The relationship between family performance and children's self-concept according to parents' religious attitudes

دکتر سعید زارع بنادکوکوی / کارشناسی ارشد مؤسسه اخلاق تربیت، قم، ایران.
محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار روان شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.
مسعود نورعلیزاده میانجی / استادیار روان شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Saeed Zare Banadkouki / M.A in Positive Psychology, Institute of Educational Ethics, Qom, iran.

zare.negah@gmail.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, iran.

Masoud Noor Alizadeh Mediator / Assistant Professor, Department of Psychology, Shahed University, Tehran, iran.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between family function and children's self-concept with regard to parents' religious attitude. The method of this study was descriptive-correlational and regression equations were used to investigate the moderating model. The statistical population includes all male and female students of fourth, fifth and sixth grades of Yazd city and their parents who are educated in public and non-public schools. The statistical population of the study was 37000 people. Using Morgan table, 380 people were selected by stratified random sampling. To measure the variables, the Family Functioning Assessment (FAD) scale, the Pierce and Harris Child Self-Concept Scale (CSCS), and the Religious Attitude Questionnaire (RS) were used to collect data. Correlation analysis and regression were used to

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین صورت گرفته است. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده که برای بررسی مدل تعدیلی از معادلات رگرسیونی استفاده گردید. جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر و دختر پایه های چهارم، پنجم و ششم مقطع ابتدایی شهر یزد و والدین آنها می باشند که در مدارس دولتی و غیر دولتی مشغول به تحصیل بودند. ۳۸۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب گردیدند. به منظور سنجش متغیرها از مقیاس سنجش عملکرد خانواده (FAD)، مقیاس خودپنداره کودکان پیرز و هریس (CSCS) و پرسشنامه نگرش مذهبی (RS) برای جمع آوری اطلاعات استفاده گردید. تحلیل

analyze the results. The results showed that parents' religious attitude had a moderating role on the relationship between family function and children's self-concept and the interaction effect of family function with parents' religious attitude on children's self-concept was significant. Also, the sum of family performance variables, parents' religious attitudes and their interactive effects predict 30% of children's self-concept changes. The results also indicated that the correlation matrix and simple and paired variables were significant and each of the variables of family functioning and parents' religious attitude alone could significantly predict children's self-concept. In general, the results of the present study imply the role of family functioning and parents' religious attitudes on the quality of children's self-concept and reinforce (positive moderate) the family's religious attitude toward enhancing children's self-concept.

Keywords: Family functioning, Religious attitude, Self-concept, Moderating role

همبستگی و رگرسیون برای تحلیل نتایج مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین سه متغیر خودپنداره کودکان، نگرش مذهبی والدین و عملکرد خانواده همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که مجموع متغیرهای عملکرد خانواده، نگرش مذهبی والدین و اثر تعاملی آنها ۳۰ درصد تغییرات خودپنداره کودکان را پیش بینی می کنند. نگرش مذهبی والدین در رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان نقش تعدیل کنندگی دارد و اثر تعاملی عملکرد خانواده با نگرش مذهبی والدین در خودپنداره کودکان معنادار می باشد. به طور کلی نتایج پژوهش حاضر دلالت بر نقش عملکرد خانواده و نگرش مذهبی والدین در کیفیت خودپنداره کودکان داشته و نگرش مذهبی، عملکرد خانواده را در جهت افزایش خودپنداره کودکان تقویت (تعدیل مثبت) می کند.

کلیدواژه ها: عملکرد خانواده، نگرش مذهبی، خودپنداره، نقش تعدیل کننده

مقدمه

خودپنداره^۱ نظام پویایی است که با اعتقادات^۲، ارزش ها، رغبت ها، استعدادها و توانایی های فرد ارتباط دارد. این عوامل از تعیین کننده های مسیر زندگی فرد هستند. خودپنداره ارزیابی کلی فرد از خودش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی های ذهنی فرد از ویژگی های خود است که ممکن است مثبت یا منفی باشد. خودپنداره مثبت^۳ نشان دهنده این است که فرد

1. self concept.

2. beliefs.

3. values.

خودش را در مقام شخصی با نقاط قوت و ضعف می‌پذیرد و این امر موجب بالارفتن اعتماد به نفس او در روابط اجتماعی می‌شود. خودپنداره منفی^۱ منعکس‌کننده احساس بی‌ارزشی و بی‌لیاقتی و نیز ناتوانی خود است (بونگ و اسکالویک^۲، ۲۰۰۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خودپنداره با متغیرهای متعدد همچون عملکرد و پیشرفت تحصیلی، خلاقیت، بهداشت روانی، پذیرش همسالان و حمایت اجتماعی، رضایت از خود و شادکامی ارتباط دارد (شعاع کاظمی و مؤمنی جاوید، ۱۳۸۷).

در سال‌های اخیر روان‌شناسان به عواملی که مربوط به تشکیل و تکامل خودپنداره می‌شود، توجه زیادی داشته‌اند. این موضوع حتی برای متخصصان بهداشت روان نیز اهمیت خاصی دارد، زیرا برداشت فرد از شخصیت خود تا اندازه زیادی تصور او را درباره محیطش تعیین می‌کند. اگر تصور از خود مثبت و متعادل باشد، شخص دارای سلامت روان است. برعکس اگر خودپنداره شخص منفی و نامتعادل باشد، از لحاظ بهداشت روان شخصی ناسالم تلقی می‌شود. خودپنداره اکتسابی است و این نکته برای کسانی که مسئول پرورش فرد یا کودک در اوان زندگی هستند، به ویژه خانواده و والدین اهمیت دارد. واکنش دیگران، مقایسه با دیگران، نقش‌های اجتماعی و همانندسازی از عوامل مؤثر دیگر در رشد خودپنداره به حساب می‌آید (حسن‌زاده، حسینی، مرادی ۱۳۸۴).

بدون شک خانواده یکی از متغیرهای اصلی در ایجاد خودپنداره در کودکان می‌باشد. خانواده مهم‌ترین رکن تشکیل‌دهنده جامعه است که خصوصیات فردی، اجتماعی، اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، توانمندی و اعتماد در آن رشد و پرورش می‌یابد. کارکرد خانواده نقش مهمی در ارتباط بین زوجین و همچنین شکل‌گیری خودپنداره کودکان دارد. عملکرد خانواده به توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اطلاق می‌شود (مجرد کاهانی و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۰). مارکوس بولوس، ماریا لیکاتا، بورخارد غنیوز، بیت سودیان^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان می‌دهند که خودپنداره تحصیلی کودکان با

1. negative self concept.

2. Bong, m & skalvik, e.m.

3. Markus, p & Maria, l & Burkhard, g & Beate, s.

عملکرد شناختی آنها پیش‌بینی می‌شود، در حالی که خودپنداره اجتماعی کودکان منحصر با حساسیت و عدم خصومت اولیه مادران پیش‌بینی می‌شود. ارزش کلی کودکان به افزایش حساسیت و ساختار مادرشان مربوط می‌شود.

پژوهش‌ها حاکی از ارتباط عملکرد خانواده و خودکارآمدی والدین با خودپنداره در نوجوانان می‌باشند (نجار، ۱۳۹۳). همچنین نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی و شادکامی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است (صالح زاده، فلاحی و رحیمی، ۱۳۹۵). بارانی، درخشان و اناری نژاد (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان می‌دهند که جو عاطفی خانواده از طریق خودپنداشت تحصیلی، پیش‌بینی‌کننده بی‌صداقتی تحصیلی است. در پژوهش دیگری بین عملکرد خانواده و خودپنداره نوجوانان سیگاری همبستگی معناداری وجود داشت و همبستگی بین خودپنداره و بعد پاسخ‌دهی عاطفی از سایر ابعاد عملکرد خانواده بیشتر بود (حسینی، بیات، یغمایی، حسین زاده و نصیری، ۱۳۹۲). با توجه به اهمیت نقش خودپنداره و عملکرد خانواده و از آنجایی که ارتباط عملکرد خانواده با خودپنداره کودکان مورد بررسی قرار نگرفته است، پژوهش حاضر در مرحله اول در صدد بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان می‌باشد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که رابطه نگرش مذهبی والدین و بهزیستی ذهنی، شادکامی و خودکارآمدی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است. خوشنویس و دژاکام (۱۳۹۷) رابطه معناداری بین جهت‌گیری مذهبی والدین و خودپنداره نوجوانان را نشان نمی‌دهند. اکبریان (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان می‌دهد که نگرش مذهبی با خودکارآمدی و شادکامی دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه معنادار دارد. توجه به اصول و اعتقادات دینی که در نگرش‌ها و رفتارهای والدین نمود پیدا می‌کند می‌تواند بر ایجاد یک خودپنداره مستحکم در کودکان که خلأ دینی و مذهبی در آن وجود ندارد، تأثیرگذار باشد. نوربخش و اویسی فردویی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار مذهبی نوجوانان در شهر تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که بین الگوهای عمل‌گرایانه و اقتدار منطقی با مذهب‌داری جوانان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد و بین الگوی آزادگذاری با مذهب‌داری جوانان رابطه معنادار اما معکوس مشاهده شده است در نهایت بین الگوی استبدادی با مذهب‌داری جوانان رابطه معناداری مشاهده نشده است.

از آنجایی که مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند و برای

تقویت اجتماعی شدن به هم وابسته اند، پژوهشگران رابطه نزدیک این دو رو پیش‌بینی می‌کنند. این جهت‌گیری منجر به بیان عباراتی گردیده است که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد (کال^۱ و هیتون^۲، ۱۹۹۷).

نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند. از سوی دیگر نگرش‌های افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزش‌ها و رفتارهای مذهبی به نسل‌های دیگر را شکل می‌دهد. از این رو رابطه مذهب و خانواده را می‌توان یک رابطه اثرگذار و اثرپذیر در نظر گرفت. برای مثال این که افراد به ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می‌نمایند، تأثیر پذیری روابط زناشویی را مذهب را نشان می‌دهد (ماهونی^۳، ۲۰۰۵).

ابوتس، ویلیام، سوئیتینگ و وست^۴ (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی رابطه مذهبی بودن با سلامت روان در میان کودکان اسکاتلندی پرداختند. در این پژوهش رابطه حضور هفتگی در مراسم مذهبی کلیسا با سلامت روان کودکان مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد، کودکانی که در مراسم‌های مذهبی حضور بیشتری داشتند، پرخاشگری کمتری از خود در موقعیت‌های خانه و مدرسه نشان می‌دادند، عزت نفس بالاتری داشتند و اضطراب و افسردگی کمتری در میان آنها گزارش شده بود. در پژوهش دیگری نشان داده شده است که روابط اعضای خانواده‌ها با میزان بزهکاری نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. هرچند بین نگرش‌های مذهبی نوجوانان با میزان بزهکاری آنان نیز رابطه معناداری یافت شد. این یافته‌ها نشان دهنده نقش نگرش‌های مذهبی خانواده در میزان بزهکاری نوجوانان است (طرفی، طرفی و کیا، ۱۳۹۶).

بر اساس مبانی نظری به نظر می‌رسد توجه به اصول و اعتقادات دینی که در نگرش‌ها و رفتارهای والدین نمود پیدا می‌کند، می‌تواند بر ایجاد یک خودپنداره مستحکم در کودک تأثیر گذار باشد. سؤال پژوهش حاضر این است که بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان

1. Call, v.r.a.

2. Heaton, t. b.

3. Mahoney.a.

4. Abbots, J.E. Williams, R.G. Sweeting, H.N. West, P.B.

با توجه به نگرش مذهبی والدین چه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا متغیر نگرش مذهبی اثر تعدیل‌کنندگی در رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان دارد؟

روش

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است که برای بررسی مدل تعدیلی از معادلات رگرسیون سلسله مراتبی استفاده گردید.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم، پنجم و ششم مقطع ابتدایی شهر یزد و والدین آنها می‌باشند که در مدارس دولتی و غیر دولتی مشغول به تحصیل هستند. به منظور اطلاع از جامعه آماری، به واحد آمار اداره کل آموزش و پرورش استان یزد مراجعه گردید. حجم جامعه آماری ۳۷۰۰۰ نفر بوده که با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به منظور نمونه‌گیری استفاده گردید با توجه به محدودیت‌های موجود و به منظور نمونه‌گیری از هر یک از نواحی یک و دو آموزش و پرورش شهر یزد، دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه از طرف آموزش و پرورش ناحیه یک و دو انتخاب و معرفی شدند. سپس به مدارس ابتدایی پسرانه و دخترانه نواحی یک و دو یزد مراجعه گردید و از پایه‌های مذکور، متناسب به حجم نمونه، تعداد نمونه به صورت تصادفی انتخاب شد. از پایه چهارم ۱۲۸ نفر و از پایه‌های پنجم و ششم، هر کدام ۱۲۶ نفر انتخاب شدند. نیمی از آزمودنی‌ها پسر و نیمی دیگر دختر بودند. به منظور گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده گردید:

الف: مقیاس سنجش عملکرد خانواده (FAD)

این پرسشنامه برای سنجش عملکرد خانواده، توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ^۱ (۱۹۸۳) براساس الگوی مک مستر تدوین شده که ۶۰ گویه دارد. حل مسأله، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار، خرده‌مقیاس‌های آزمون را تشکیل و یک ارزیابی از عملکرد کلی نیز به دست می‌دهند (کیت نر، میلر و ریان^۲، ۱۹۹۶). پاسخ‌گویه‌ها به صورت کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم در نظر گرفته شده‌اند. در مطالعه سالاری، شاملو، هومن و پور شهباز (۱۳۸۱) همسانی درونی این نسخه با استفاده از آلفای کرونباخ و اعتبار باز آزمایشی بین ۰/۵۸ تا ۰/۸۵ و اعتبار باز آزمایشی آن بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۸ است و

1. Epstein, N. B., Bishop, D. S. & Levin, S.

2. Keitner, G. I; Miller, I. W & Ryan, C. E.

همبستگی مقیاس‌ها با یکدیگر بین ۰/۴۰ تا ۰/۷۱ می‌باشد که تقریباً با نتایج مربوط به فرم اصلی آن همسان بوده است. بین خرده‌مقیاس‌های آزمون، آلفای ۰/۵۱ تا ۰/۹۴ و بین تمام خرده‌مقیاس‌ها و عملکرد کلی، همبستگی ۰/۴۷ تا ۰/۹۷ به‌دست آمد (زاده محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵). این پرسشنامه توسط والدین تکمیل شده است.

ب: مقیاس خودپنداره کودکان پیرز و هریس (CSCS)

این پرسشنامه توسط پیرز و هریس^۱ در سال ۱۹۶۳ تهیه شده است این مقیاس جهت سنجش میزان خودپنداره کودکان و نوجوانان طرح‌ریزی شده است و در جهت نگرش و احساس فرد نسبت به خودش، خلاصه می‌شود. به بیان دیگر، خودپنداره‌ای که در این مقیاس سنجش می‌شود، به عنوان مجموعه نسبتاً ثابت نگرش فرد نسبت به خود، تعریف شده است. این پرسشنامه شامل ۸۰ سؤال است که سؤالات پرسشنامه به صورت گزارش شخصی درباره اینکه کودکان و نوجوانان درباره خودشان چه احساسی دارند، طرح‌ریزی شده‌اند. هر عبارت پرسشنامه به صورت دو بخشی بلی یا خیر طرح‌ریزی شده است. این مقیاس ۶ بعد دارد که عبارت‌اند از: (۱) رفتار؛ (۲) وضعیت مدرسه و وضعیت شناختی و ذهنی؛ (۳) ظاهر و ویژگی فیزیکی؛ (۴) اضطراب؛ (۵) جامعه‌پسندی (محبوبیت)؛ (۶) شادی و رضایت‌مندی (پیرز و هریس، ۱۹۶۳)

میلین^۲ (۱۹۹۶) بین آزمون خودپنداره پیرز و هریس و مقیاس محبوبیت اجتماعی کودکان همبستگی‌هایی بین ۰/۲۵ تا ۰/۴۵ به‌دست آورده است (به نقل از احمدی حکمتی‌کار، ۱۳۷۲). احمدی حکمتی‌کار (۱۳۷۲) در پژوهش خود پایایی را به روش آلفای کرونباخ برای دانش‌آموزان دختر اول راهنمایی ۰/۹۱، دختر دوم راهنمایی ۰/۹۴، دختر سوم راهنمایی ۰/۹۲، پسر اول راهنمایی ۰/۸۸، پسر دوم راهنمایی ۰/۹۳ و پسر سوم راهنمایی ۰/۹۰ به‌دست آورد. این پرسشنامه توسط کودک تکمیل گردید.

ج: پرسشنامه نگرش مذهبی

پرسشنامه سنجش نگرش مذهبی (مقیاس دین‌داری) توسط خدایاری فرد و همکاران در سال ۱۳۸۸ طی اجرای طرحی در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

1. Piers, E., & Harris, D.

2. Miline, E.

تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال و ۴ خرده‌مقیاس (شناخت دینی، باور دینی، گرایش و عواطف دینی و التزام به وظایف دینی) است که نگرش مذهبی را مورد سنجش قرار می‌دهد. سؤالات این پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت شش درجه‌ای نمره گذاری می‌شود که نمرات آزمودنی به هر سؤال بر روی یک مقیاس شش درجه‌ای لیکرت از همیشه = ۵ تا هرگز = ۰ مشخص می‌شود. دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۴۰ تا ۲۰۰ در نوسان می‌باشد. شایان توضیح است که نمره بالا در هر یک از خرده‌مقیاس‌ها به معنای بالاتر بودن گرایش‌های دین‌داری گزارش شده است. به عبارتی هر چه نمره کل آزمودنی در این مقیاس بالاتر باشد، نشان‌دهنده میزان نگرش و باورهای بالای وی در خصوص اعتقادات دینی و مذهبی می‌باشد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸).

میزان آلفای کرونباخ برای فرم‌های موازی الف و ب به ترتیب ۰٫۹۷ و ۰٫۹۶ گزارش شده است. همچنین تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از وجود ۴ عامل اصلی بود. همچنین همبستگی بالای هر یک از سؤالات با عامل مربوطه حاکی از همسانی درونی مناسب آزمون بوده است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸). این پرسشنامه توسط والدین تکمیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده گردید. از آماره‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی، درصد و غیره برای گزارش توصیفی نتایج پژوهش استفاده شده است. در قسمت آمار استنباطی از آزمون تحلیل همبستگی پیرسون و به منظور بررسی سهم هر متغیر در پیش‌بینی خودپنداره کودکان و همچنین بررسی نقش تعدیل‌کنندگی نگرش مذهبی از تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. در این روش ابتدا عملکرد خانواده به عنوان پیش‌بین در تحلیل قرار گرفت. در مرتبه بعد نگرش مذهبی وارد معادله شد و در مرتبه سوم نمرات تعاملی (هر نمره تعاملی حاصل ضرب نمره متغیر پیش‌بین در متغیر تعدیل‌کننده است) وارد معادله شد بدین ترتیب در صورتی که نمره تعاملی یک متغیر پیش‌بین بتواند در تبیین پراکندگی نمرات متغیر ملاک نقشی داشته باشد، آشکار می‌شود که متغیر تعدیل‌کننده توانسته است رابطه آن پیش‌بین با ملاک را تعدیل کند.

یافته‌ها

نتایج توصیفی نشان داد که میانگین سن پدران، مادران و دانش‌آموزان به ترتیب ۴۳٫۱۲، ۳۹٫۳۸ و ۱۱٫۲۱ سال می‌باشد. همچنین ۴۷٫۶ درصد آزمودنی‌ها (۱۸۱ نفر) پسر و ۵۲٫۴

درصد آنها (۱۹۹ نفر) دختر می باشند.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد (SD)	میانگین (M)	گروه	
۳۵,۹۴	۱۳۲,۸۸	پدران	عملکرد خانواده
۳۷,۱۲	۱۳۵,۶۱	مادران	
۱۶,۸۲	۱۰۱,۵۸	پدران	نگرش مذهبی
۱۷,۲۶	۱۰۲,۰۲	مادران	
۱۰,۲۸	۳۴,۰۱	کودکان	خودپنداره
۶,۶۴	۴۳,۱۲	پدران	سن
۵,۷۴	۳۹,۳۸	مادران	
۰,۸۵	۱۱,۲۱	کودکان	

نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش نشان داد که بین خودپنداره کودکان و نگرش مذهبی والدین همبستگی متوسط ($r = 0,482$) مثبت و معنادار می باشد ($P > 0,01$). همچنین بین خودپنداره کودکان و عملکرد خانواده همبستگی قوی ($r = 0,522$) وجود دارد که نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار می باشد ($P > 0,01$). نهایتاً نتایج جدول فوق نشان می دهد که ضریب همبستگی بین عملکرد خانواده و نگرش مذهبی والدین ($r = 0,752$) بوده که مثبت و معنادار است ($P > 0,01$)

جدول ۲- نتایج مربوط به همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش در کل آزمودنی ها

متغیرها		۱	۲	۳
۱	خودپنداره کودکان	۱		
۲	نگرش مذهبی	۰,۴۸**	۱	
۳	عملکرد خانواده	۰,۵۲**	۰,۷۵**	۱

نتایج همبستگی خرده مقیاس های متغیرهای پژوهش (جدول شماره ۳) نشان داد که بین شناخت دینی، باور دینی، گرایش و عواطف دینی با ابعاد خودپنداره شامل رفتار، وضعیت مدرسه، ظاهر و ویژگی فیزیکی، اضطراب، جامعه پسندی و شادی و رضایتمندی همبستگی

مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.05$). بین بعد التزام به وظایف دینی با ابعاد رفتار، جامعه پسندی و شادی و رضایتمندی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.05$).
 بین بعد حل مسأله با تمامی ابعاد خودپنداره به جز جامعه پسندی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.05$). بعد ارتباط تنها با بعد وضعیت مدرسه و توانایی های ذهنی دانش آموزان رابطه معنادار دارد ($P < 0.05$). بعد نقش ها با هیچ یک از ابعاد خودپنداره رابطه معنادار ندارد. بعد همراهی عاطفی با همه ابعاد خودپنداره به جز رفتار و شادی و رضایتمندی رابطه معنادار دارد ($P < 0.05$). بعد آمیزش عاطفی با همه ابعاد خودپنداره و بعد کنترل رفتار با همه ابعاد خودپنداره به جز وضعیت مدرسه رابطه معنادار دارد ($P < 0.05$).
 بین ابعاد عملکرد خانواده با ابعاد نگرش مذهبی رابطه معنادار یافت شد که بیشترین میزان ارتباط مربوط به ابعاد عملکرد خانواده شامل حل مسأله، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار با بعد التزام به وظایف دینی بود ($P < 0.05$).

جدول ۳- نتایج مربوط به همبستگی بین متغیرهای فرعی پژوهش در کل آزمودنی ها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱ رفتار																
۲ وضعیت مدرسه	۰.۵۲**															
۳ ظاهر و ویژگی فیزیکی	۰.۴۲**	۰.۴۶**														
۴ اضطراب	۰.۳۶**	۰.۵۱**	۰.۵۵**													
۵ جامعه پسندی	۰.۱۲*	۰.۳۷**	۰.۵۱**	۰.۵۸**												
۶ شادی و رضایتمندی	۰.۴۳**	۰.۳۸**	۰.۴۵**	۰.۲۷**	۰.۳۵**											
۷ شناخت دینی	۰.۴۱**	۰.۳۴**	۰.۱۶**	۰.۱۵**	۰.۱۳*	۰.۱۸**										
۸ باوردینی	۰.۴۲**	۰.۱۱*	۰.۲۵**	۰.۱۸**	۰.۱۵**	۰.۱۶**	۰.۱۸**									
۹ گرایش و عواطف دینی	۰.۴۶**	۰.۲۴**	۰.۲۵**	۰.۲۱**	۰.۱۷**	۰.۱۱*	۰.۲۲**	۰.۲۳**								
۱۰ التزام به وظایف دینی	۰.۳۵**	۰.۴*	۰.۰۹	۰.۰۷	۰.۱*	۰.۱۱*	۰.۲*	۰.۲۷**	۰.۱۵**							
۱۱ حل مسأله	۰.۱۲*	۰.۱۳*	۰.۱۲*	۰.۱۱**	۰.۰۵	۰.۲۱**	۰.۱۹**	۰.۰۲	۰.۰۳	۰.۰۶**						
۱۲ ارتباط	۰.۰۳	۰.۱*	۰.۰۸	۰.۰۹	۰.۰۸	۰.۰۲	۰.۱۴**	۰.۱۸**	۰.۰۶	۰.۱۳**	۰.۳۱*					
۱۳ نقش ها	۰.۰۷	۰.۰۹	۰.۰۴	۰.۰۹	۰.۰۸	۰.۰۹	۰.۱۵**	۰.۱۷**	۰.۱۹**	۰.۴۳**	۰.۱۵*	۰.۴۲**				
۱۴ همراهی عاطفی	۰.۰۹	۰.۱۳**	۰.۱۵**	۰.۲۳**	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۱۳**	۰.۳۸**	۰.۲۴**	۰.۱۲**	۰.۲۳**	۰.۳۳**	۰.۲۶**			
۱۵ آمیزش عاطفی	۰.۲۲**	۰.۳۵**	۰.۴۳**	۰.۳۲**	۰.۳۶**	۰.۱۴**	۰.۱۲*	۰.۱۵*	۰.۱۲*	۰.۱۷**	۰.۱۳*	۰.۴۲**	۰.۱۳*	۰.۱۹**		
۱۶ کنترل رفتار	۰.۱۵*	۰.۰۸	۰.۱۴*	۰.۱۸**	۰.۱۵**	۰.۰۹	۰.۰۸	۰.۰۶	۰.۰۸	۰.۰۸	۰.۲۶**	۰.۴۲**	۰.۳۶	۰.۴۱**	۰.۴۸**	

جدول ۴- مشخصه‌های آماری مدل رگرسیون تأثیر عملکرد خانواده بر خودپنداره کودکان
با توجه به نقش تعدیل گر نگرش مذهبی والدین

تحلیل رگرسیون					تحلیل واریانس			نوع تحلیل	
P	t			r ²	r	P	F	متغیر	مرحله
۰,۰۰۱	۱۱,۹۲	۰,۵۲	۰,۰۱	۰,۱۸	۰,۲۷	۰,۵۲	۱۴۱,۹۹	عملکرد خانواده	اول
۰,۰۰۱	۵,۵۲	۰,۳۶	۰,۰۲	۰,۱۲	۰,۲۹	۰,۵۴	۷۷,۸۲	عملکرد خانواده	دوم
۰,۰۰۱	۳,۱۹	۰,۲۱	۰,۰۵	۰,۱۵				نگرش مذهبی	
۰,۰۰۱	۳,۸۹	۱,۱۳	۰,۱۰	۰,۳۹	۰,۳۰	۰,۵۵	۵۵,۲۰	عملکرد خانواده	سوم
۰,۰۰۱	۳,۷۷	۰,۶۱	۰,۱۲	۰,۴۴				نگرش مذهبی	
۰,۰۰۲	۲,۷۱	۱,۱۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۲				عملکرد خانواده* نگرش مذهبی	

B = ضریب رگرسیون استاندارد نشده، SEB: خطای انحراف استاندارد رگرسیون Beta؛ ضریب رگرسیون استاندارد شده، t: آزمون تی، R: ضریب رگرسیون، R² = ضریب تعیین، P = معناداری
گام اول: متغیر پیش بین: عملکرد خانواده. متغیر ملاک: خودپنداره کودکان
گام دوم: متغیر پیش بین: عملکرد خانواده، نگرش مذهبی. متغیر ملاک: خودپنداره کودکان
گام سوم: متغیر پیش بین: عملکرد خانواده، نگرش مذهبی، اثر تعاملی عملکرد خانواده* نگرش مذهبی. متغیر ملاک: خودپنداره کودکان

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان داد که در مرحله سوم، ضریب رگرسیون استاندارد شده بین عملکرد خانواده، نگرش مذهبی والدین و اثر تعاملی عملکرد خانواده و نگرش مذهبی والدین با خودپنداره کودکان به ترتیب ۱,۱۳، ۰,۶۱ و ۱,۱۱ می‌باشد (P > ۰,۰۱). همچنین در مرحله اول عملکرد خانواده ۲۷ درصد تغییرات خودپنداره کودکان را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله دوم با اضافه شدن متغیر نگرش مذهبی والدین، این مقدار با یک درصد افزایش به ۲۹ درصد رسیده است. نهایتاً در مرحله سوم با اضافه شدن اثر تعاملی عملکرد خانواده* نگرش مذهبی والدین، این مقدار به ۳۰ درصد رسیده است. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش

مبنی بر معنادار بودن اثر تعدیلی متغیر نگرش مذهبی والدین بر رابطه عملکرد خانواده با خودپنداره کودکان تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این بدان معناست که با افزایش بهبودی عملکرد خانواده، میزان خودپنداره کودکان افزایش می یابد. همچنین یافته ها نشان می دهد که ابعاد همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار به ترتیب بالاترین همبستگی را با ابعاد خودپنداره دارند. این یافته همسو با مطالعه نجار (۱۳۹۳) عامری و عمویی (۱۳۹۵) و دیباج نیا (۱۳۸۱)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲) می باشد. جامعه آماری پژوهش های صورت گرفته در این زمینه بیشتر نوجوانان و دانشجویان می باشند اما در این پژوهش کنونی به دلیل شرایط خاص روان شناختی کودکان، نقش عملکرد خانواده بر خودپنداره کودکان مورد بررسی قرار گرفت. بدون شک خودپنداره در سنین نوجوانی در مقایسه با سنین کودک دارای تغییر و تحولات سریعی می باشد که شاید بتوان این تغییرات را به شرایط سنی و روانی اجتماعی حاکم بر این دوره نسبت داد تا به تغییرات موجود در خانواده.

از آنجا که نمونه پژوهش حاضر در سنین بین ۱۰ سال تا ۱۱ سال قرار دارند، از این رو اثرات عملکرد خانواده بر خودپنداره کودکان باید با توجه به شرایط سنی این دوره تبیین گردد. مهم ترین ویژگی سنی این دوره از دیدگاه اریکسون، کودکان ۱۱ ساله در مرحله کوشایی در برابر احساس حقارت قرار دارند این مرحله تقریباً از ۵ سالگی تا ۱۱ سالگی را در برمی گیرد. کودکان از طریق تعاملات اجتماعی شروع به رشد حس غرور نسبت به دستاوردها و توانایی های خود می کنند. کودکانی که توسط والدین یا معلمان تشویق و هدایت می شوند، حس کفایت، صلاحیت و اعتقاد به توانایی های خود در آن ها به وجود می آید. آن هایی که از سوی والدین، معلمان یا هم سن و سال های خود به قدر کافی مورد تشویق قرار نمی گیرند به توانایی خود برای موفقیت، شک خواهند کرد. بدون شک در خانواده ای که حل مسأله، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و توجه بدون قید و شرط به کودک وجود داشته باشد، خودپنداره مثبت شکل خواهد گرفت. در خانواده دارای عملکرد مناسب، کنترل بیش از حد و یا سخت گیرانه و از طرف دیگر سهل گیرانه بر روی رفتار کودک وجود ندارد. در این خانواده

کنترل انعطاف پذیر و متناسب با موقعیت وجود دارد که باعث ایجاد رشد خودپنداره مناسب را فراهم می‌سازد. یافته‌های مربوط به همبستگی میان خرده‌مقیاس‌ها نشان می‌دهد که عوامل عاطفی همچون همراهی عاطفی والدین با کودکان، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار به شیوه مقتدرانه می‌تواند منجر به افزایش خودپنداره کودکان گردد. بنابراین می‌توان به نقش عوامل عاطفی در کنار حل مسأله بر خودپنداره کودکان اشاره کرد.

همچنین همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های نگرش‌های مذهبی والدین و خودپنداره کودکان نشان می‌دهد که بین ابعاد نگرش مذهبی به ترتیب گرایش و باورهای دینی، باور دینی، شناخت دینی و نهایتاً التزام به وظایف دینی با ابعاد خودپنداره همبستگی مثبت و معنادار دارند. اگر چه پژوهش به بررسی نقش نگرش مذهبی والدین و خودپنداره کودکان نپرداخته است با این حال یافته‌های پژوهش طرفی و همکاران (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که نگرش مذهبی و عملکرد خانواده مناسب منجر به کاهش رفتارهای بزهکارانه کودکان می‌شود. اکبریان (۱۳۹۵) در پژوهش خود در تبیین ارتباط مثبت بین نگرش مذهبی والدین و خودکارآمدی نوجوانان دختر بیان می‌کند که حضور و شرکت در امور مذهبی برای افراد حمایت اجتماعی ایجاد می‌کند و این خود بر خوشحالی و روحیه و خلق بالای افراد و موفقیت تحصیلی آنها اثر دارد. ضمن اینکه تجربه مذهبی و اعمال دینی موجب ایجاد احساس ارتباط اجتماعی فرد با خدا می‌شود. یافته‌های مربوط به خرده‌مقیاس‌ها نشان می‌دهد که عواطف دینی نقش پررنگ‌تری نسبت به التزام به وظایف دینی در خودپنداره کودکان دارد.

نهایتاً نتایج بررسی مدل تعدیلی نشان می‌دهد که عملکرد خانواده با داشتن نگرش مذهبی والدین نقش مثبتی بر خودپنداره کودکان دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تعامل عملکرد مناسب خانواده و همچنین نگرش مذهبی می‌تواند منجر به خودپنداره بالاتر در کودکان گردد. بنابراین این یافته را می‌توان از زوایای مختلف تبیین نمود. اول آنکه نگرش مذهبی مثبت والدین و به تبع آن نگرش مذهبی مثبت کودکان باعث ارتباط مناسب با «خدا» شده و در نتیجه خلأ روحی که در ابتدای نوجوانی و بلوغ نمایان می‌شود را پر کند. این امر می‌تواند نقش مهمی در ایجاد خودپنداره مثبت در کودکان داشته باشد. همچنین شرکت در مراسمات مذهبی و کسب حمایت اجتماعی نیز می‌تواند نقش مهمی در ایجاد خودپنداره اجتماعی مناسب در کودکان کمک کند.

در این راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نگرش مذهبی والدین نقش مهمی در تربیت

دینی فرزندان به دنبال خواهد داشت (آقا محمدی، ۱۳۹۲). تأثیر مذهبی بودن والدین در شکل‌گیری خودپنداره مناسب در فرزندان را می‌توان از دو نظر مورد بررسی قرار داد. اول آنکه نگرش‌ها و عقاید و باورهای مذهبی والدین می‌تواند بر جنبه‌های شخصیت فرزندان تأثیر بگذارد و دوم آنکه رفتارهای متناسب با عقاید مذهبی والدین نقش مهمی در شکل‌گیری خودپنداره کودکان دارد.

محدود بودن نمونه پژوهش به کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال، طولانی بودن پرسشنامه‌های پژوهش و محدودش بودن و باز نگشتن برخی پرسشنامه‌ها، عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر همچون وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده بر خودپنداره کودکان از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بوده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادات کاربردی همچون توجه به نقش عملکرد خانواده و نگرش‌های مذهبی خانواده در شکل‌گیری خودپنداره در کودکان در حیطه سلامت روانی کودکان، توجه به نقش نگرش مذهبی و عملکرد خانواده مادران در شکل‌گیری خودپنداره کودکان و توجه به ابعاد عملکرد خانواده همچون حل مسأله، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار در شکل‌گیری خودپنداره در کودکان پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- آقامحمدی، جواد (۱۳۹۲)، بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان، *پژوهشنامه تربیت تبلیغی*، شماره ۲: ۱۲۶-۱۰۵.
- اکبریان، فرامرز (۱۳۹۵)، رابطه‌ی نگرش مذهبی با شادکامی و خودکارآمدی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه. *روان‌شناسی مدرسه*، شماره ۵(۲)، ۷-۱۹.
- نوربخش، یونس و اوایی فردویی، قاسم (۱۳۹۶)، بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱): ۲۳-۳۶.
- بارانی، حمید؛ درخشان، معراج و اناری نژاد، عباس (۱۳۹۸)، جو عاطفی خانواده و بی‌صدافتی تحصیلی: نقش واسطه‌ای خودپنداشت تحصیلی، *روان‌شناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۱۶(۶۱): ۹۷-۱۰۸.
- حسینی، میمنت؛ بیات، رویا؛ یغمایی، فریده؛ حسین زاده، صفیه و نصیری، نویده (۱۳۹۲)، بررسی میزان همبستگی ابعاد عملکرد خانواده و خودپنداره نوجوانان پسر سیگاری شهر زنجان، *مدیریت ارتقای سلامت*، ۴(۴): ۶۸-۶۱.
- خوشنویس، الهه و دژاکام، فاطمه (۱۳۹۷)، رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری آنان با بهزیستی ذهنی فرزندان، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۲۲(۷۵)، ص ۲۶-۲۴۱.
- خدایاری فرد، محمد؛ سماواتی، سیما و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۸)، آماده‌سازی مقیاس دین‌داری برای

- جمعیت دانش آموزی، **اندیشه های نوین تربیتی**، شماره ۵، ص ۱۲۸-۱۰۷.
- دیباج نیا، پروین (۱۳۸۳)، بررسی رابطه کارآیی خانواده و خودپنداره در دانشجویان دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طی سال ۱۳۸۱، **پژوهنده**، شماره ۹ (۴)، ص ۹-۱۵.
 - زاده محمدی، علی و ملک خسروی، غفار (۱۳۸۵)، بررسی مقدماتی ویژگی های روان سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD)، **خانواده پژوهی**، ۲ (۵): ۶۹-۸۹.
 - سالاری، راضیه السادات؛ شاملو، سعید؛ هومن، حیدرعلی و پورشه‌باز، عباس (۱۳۸۱)، مقایسه کارکرد خانواده در نوجوانان افسرده و بهنجار، **کنگره روان شناسی ایران**، تهران
 - شعاع کاظمی، مهرانگیز و مؤمنی جاوید، مهرآور (۱۳۸۷)، مقایسه خودپنداره دانشجویان ایرانی و افغانی، **مجله مطالعات روان شناسی تربیتی**، شماره ۵ (۸)، ص ۵۷.
 - صالح زاده، مریم؛ فلاحی، معصومه و رحیمی، مهدی (۱۳۹۵)، نقش عملکرد خانواده، دل‌بستگی به همسالان و عملکرد تحصیلی در پیش بینی شادکامی دختران نوجوان، **پژوهش نامه روان شناسی مثبت**، شماره ۲ (۴)، ص ۷۸-۶۴.
 - طرفی، فاطمه؛ طرفی، سعید و کیا، پارسا (۱۳۹۶)، ارتباط نگرش های مذهبی و عملکرد خانواده در میزان بزهکاری نوجوانان، **دومین کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی**.
 - عامری، فریده و عمویی، ناهید (۱۳۹۵)، نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی نوجوانان، **فصلنامه خانواده و پژوهش**، شماره ۳، ص ۹۱-۷۷.
 - مجرد کاهانی، امیر حسین و قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی (۱۳۹۰)، ارزیابی اثر بخشی مداخلات آموزشی روانی گروهی بر عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلالات خلقی، **فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده**، شماره ۱ (۳)، ص ۴۱۲-۳۹۹.
 - نجار، زهرا (۱۳۹۳)، رابطه بین عملکرد خانواده و خودکارآمدی با خودپنداره دانش آموزان، **کنفرانس بین المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری**، تهران.
- Abbotts JE, Williams RG, Sweeting HN, West PB(2004), Is going to church good or bad for you? Denomination, attendance and mental health of children in West Scotland. **Social Science & Medicine**, 58(3):645-56
 - Bong, M., & Skaalvik, E.M. (2003), Academic self-concept and self-efficacy: how different are they really? **Educational Psychology Review**, 15(1):1-40
 - Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (1997), Religious influence on marital stability, **Journal for the Scientific Study of Religion**, 36, 382-392.
 - Epstein, N. B., Bishop, D. S. & Levin, S.,(1978),The McMaster Model of Family Functioning, **Journal of Marital and Family Therapy**, 4(4):19-31.
 - Keitner, G. I; Miller, I. W & Ryan, C. E. (1996), **Mood disorder and the family**: In F. W. Kaslow (Ed.) Handbook of relational diagnosis and dysfunction family patterns, New York:

Wiley. (overview. American Journal of Psychiatry. 435).

- Mahoney, A. (2005), Religion and conflict in marital and parent child relationship. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689–706.
- Piers, E., & Harris, D. (1963), *Children's Self Concept Scale. Recordings and Tests*.

اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ (ص ۴۱-۶۱)

طلاق عاطفی: نقش ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا

Emotional divorce: the role of personality traits and Attachment to God

عباس خلیلی / کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی با رویکرد اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
رضا مهکام / دکتری روان‌شناسی، هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (عج)، قم، ایران.
حسین رضائیان بیلندی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (عج)، قم، ایران.

Abbas Khalili / M.A in Counseling and Guidance with Islamic Approach, Institute of Ethics and Education, Qom, Iran. akhafa933@gmail.com

Reza Mahkam / PhD in Psychology, Imam Khomeini educational and Research Institute, Qom, Iran.

Hossein Rezaeian Bilondi / PH.D Student of Psychology, Imam Khomeini educational and Research Institute, Qom, Iran.

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between personality traits and attachment to God with emotional divorce. The research design was descriptive and correlational. For this purpose, 238 married male and female students in Qom in the academic year 1399-1399 were selected by convenience sampling method and answered the questionnaires of emotional divorce, attachment to God and personality traits. Data were analyzed using Pearson correlation and stepwise regression tests. Findings showed that there is a relationship between extraversion and agreeable personality traits, emotional distress and openness with emotional divorce. Also, the relationship between all components of the style of attachment to God with emotional divorce was negative and significant. The

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان پیش‌بین کنندگی ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا برای طلاق عاطفی انجام شد. طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. بدین منظور ۲۳۸ نفر از جامعه طلاب و دانشجویان مرد و زن متأهل شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های طلاق عاطفی، دلبستگی به خدا و ویژگی‌های شخصیتی پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن، روان‌آزردگی و گشودگی با طلاق عاطفی ارتباط وجود دارد. همچنین رابطه بین همه مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا با طلاق

results of stepwise multiple regression analysis showed that personality traits of extroversion and agreeing negatively and personality traits of being conscientious and psychologically positively predict a total of 12% of the variance of emotional divorce. Also, the component of positive view of God and seeking the components of attachment to God also explain a total of 15% of the variance of emotional divorce. These findings show the important role of personality traits and attachment to God in predicting emotional divorce between couples.

Keywords: Personality Traits, Emotional Divorce, Attachment to God.

عاطفی منفی و معنادار بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن به صورت منفی و ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن و روان‌آزردگی به صورت مثبت در مجموع ۱۲ درصد از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین مؤلفه دید مثبت از خدا و جوارجویی از مؤلفه‌های دلبستگی به خدا نیز در مجموع ۱۵ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها نقش مهم ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا در پیش‌بینی طلاق عاطفی بین زوجین را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های شخصیتی، طلاق عاطفی، دلبستگی به خدا.

مقدمه

صاحب‌نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت دارد روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (اعزاز، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است؛ اما آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست؛ زیرا در کنار آن آمار بزرگ‌تر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌هایی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند؛ ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند. در واقع برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و

زمان را سپری می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۳).

پل بوهانان^۱ (۱۹۷۰) طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیان‌گر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. دفراین^۲ (۲۰۰۶) معتقد است زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است (بخارایی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱).

با توجه به اینکه زناشویی پیوند دو شخصیت است و شخصیت با زیرساخت روانی روابط بادوام، رابطه دارد، بنابراین از پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی و اصلی موفقیت و شکست در ازدواج به شمار می‌رود. چنین به نظر می‌رسد که شخصیت، الگوهای تعاملی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت بسیاری از ناراضی‌تهای زناشویی و طلاق متأثر از ویژگی‌های شخصیتی افراد است (صائمی و صادق مزجی، ۱۳۹۶).

برای شخصیت، تعاریف مختلفی را آورده‌اند؛ اما از جمله مهم‌ترین و با نفوذترین مدل‌ها در بررسی صفات شخصیت در دهه‌های اخیر مدل پنج عاملی مک کری و کاستا^۳ (۲۰۰۴) بوده است که بیش از همه، پژوهش در حوزه شخصیت را به خود اختصاص داده است. به گفته مک کری و کاستا ویژگی‌ها و عوامل شخصیتی، مجموعه‌ای پایدار از ویژگی‌ها و گرایش‌های مشابه است و تفاوت‌های رفتار روان‌شناختی افراد (افکار، احساسات و اعمال) را که دارای تداوم زمانی بوده و ممکن است به واسطه فشارهای اجتماعی و خانوادگی موقعیت‌های بلاواسطه شناخته شوند یا به آسانی درک نشوند مشخص می‌کند (حق شناس، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

کِرک پاتریک^۴ (۱۹۹۹) یکی از نظریه پردازان در زمینه دلبستگی به خدا، این نوع دلبستگی را، دلبستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی که با گذشت زمان و در چارچوب نظام‌های دیگر همانند دلبستگی به خدا و وطن ادامه می‌یابد تعریف می‌کند. دلبستگی به خدا از عوامل مؤثر در تعاملات فردی است که در نتیجه روابط فرد با چهره‌های دلبستگی شکل می‌گیرد. بی‌شک دلبستگی به خدا در رابطه بین انسان و خدا را می‌توان به عنوان رابطه دلبستگی تجسم نمود. در این الگوی رابطه‌ای می‌توان گفت که خداوند خیلی از عملکردهای موضوع دلبستگی از قبیل پناهگاه امن بودن در مواقع تهدید که با اتکای به او بسیاری از افراد مؤمن جرئت مواجهه با چالش‌های مختلف زندگی را پیدا می‌کنند را دارا می‌باشد. افزون بر این،

1. Paul Bvhanan.

2. Dfrayn.

3. McCrae , Kasta.

4. Kirkpatrick.

افراد احتمال دارد رفتارهایی را در ارتباط با خدا نشان دهند که ویژگی های رابطه دلبستگی می باشد. این رفتارها را می توان جوارجویی از طریق دعا و نیایش یا مناسک، اضطراب جدایی، اعتراض به جدایی در صورت ادراک دوری خدا به حساب آورد (کرک پاتریک و شیورا، ۲۰۱۰). بنا بر اهمیت موضوع طلاق عاطفی و نقش ویژگی های شخصیتی و دلبستگی به خدا تاکنون تحقیقات وسیعی با محوریت این دو متغیر انجام شده است؛ اما تأثیر ویژگی های شخصیتی و دلبستگی به خدا بر طلاق عاطفی مورد بررسی قرار نگرفته است، از این رو در پژوهش حاضر نقش ویژگی های شخصیتی و دلبستگی به خدا در طلاق عاطفی مورد بررسی قرار گرفت.

فرضیه های پژوهش:

۱. بین ویژگی های شخصیتی و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. ویژگی های شخصیتی بخش معناداری از واریانس طلاق عاطفی را پیش بینی می کنند.
۴. سبک دلبستگی به خدا و مؤلفه های آن بخش معناداری از واریانس طلاق عاطفی را پیش بینی می کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ روش مقطعی- توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت اند از تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه سراسری قم شاغل به تحصیل در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ و همچنین طلاب متأهل شاغل به تحصیل در سطوح ۱، ۲ و ۳ مدارس حوزه علمیه قم در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸. با توجه به آمارهای غیررسمی اعلام شده از سوی این مراکز، جامعه آماری پژوهش در مجموع حدود ۲۰۰۰۰ نفر می باشند.

ابزار گردآوری داده ها

پرسشنامه طلاق عاطفی

پرسشنامه طلاق عاطفی پورحسین و بیدست (۱۳۹۳) یک آزمون خودگزارشی جهت سنجش و برآورد میزان رابطه عاطفی در طیفی از پیوند عاطفی تا طلاق عاطفی در روابط همسران می باشد. مقیاس طلاق عاطفی دارای ۳۲ گویه است که از افراد در مورد چگونگی

رابطه با همسرشان سؤال شده است. درستی آزمایی محتوایی و صوری آن توسط پنج تن از اساتید مجرب این حوزه ارزیابی و مورد تأیید قرار گرفته است. اعتبار محتوایی و صوری آزمون سنجیده شد و میانگین درصد توافق کارشناسان ۷۰/۱۴ به دست آمد. پورحسین و بیدست (۱۳۹۳) نشان دادند که آلفای کرونباخ این مقیاس ۸۸۴/۰ می‌باشد که بیانگر همسانی درونی آزمون است.

پرسشنامه دلبستگی به خدا

پرسشنامه دلبستگی معنوی مسلمانان یا پرسشنامه دلبستگی به خدا با هدف سنجش دلبستگی مسلمانان به خدا تهیه شده است (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰). فرم نهایی پرسشنامه پس از حذف سؤالات ناهمگن با کل پرسشنامه به صورت ۳۷ سؤالی ارائه شده است که هر گزاره آن در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از عدم توافق خیلی شدید (۱) تا توافق خیلی شدید (۷) نمره‌گذاری می‌شود. ابعاد دلبستگی به خدا عبارت‌اند از پایگاه ایمن، منبع آرامش، اعتراض به جدایی، جوارجویی، دید مثبت نسبت به خود، دید مثبت از خدا. شاخص آلفای کرونباخ برای هرکدام از ابعاد نشان دهنده همسانی درونی بالای هرکدام از ابعاد پرسشنامه است. آلفای کرونباخ برای بعد الگوی درونی از خدا ۰/۹ الگوی درونی از خود ۰/۸۵ شده است. همسانی درونی عامل پایگاه امن ۰/۸۸، عامل پناهگاه مطمئن ۰/۹۳، عامل اعتراض به جدایی ۰/۸۶ و عامل جوارجویی ۰/۹ گزارش شده است (غباری بناب، حدادی کوهسار، ۱۳۹۰).

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI)

بسیاری از روان‌شناسان از مدل پنج عاملی شخصیت مک‌کری و کاستا (۱۹۹۵) برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی استفاده کردند. این پنج عامل عبارتند از: ۱. ثبات عاطفی در برابر نوروژگرای، ۲. گشودگی به تجربه (دارای فطرت خوب، خوش‌خلق و با اعتماد)، ۳. وجدان‌گرایی (منظم، مسئول و قابل اعتماد)، ۴. برون‌گرایی (پرحرف، جسور و با انرژی)، ۵. توافق‌پذیری. ضرایب اعتبار این پرسشنامه بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس‌های روان‌آزردگی خویی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب‌های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش‌های شخصی و نیز در گزارش‌های زوج‌ها نشان داده است. ضریب

اعتبار دو عامل سازگاری و با وجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است (مک کری و کاستا، ۱۹۸۳ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰). در پژوهش آتش روز (۱۳۸۶) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ۵ صفت: روان آزردهگی خوبی، برون گرایی، گشودگی، سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۲۷، ۰/۳۸ و ۰/۷۷ به دست آمد.

یافته های پژوهش

از مجموع ۲۳۸ نفر گروه نمونه، ۱۴۹ نفر (۶۳ درصد) مرد و ۸۹ نفر (۳۷ درصد) زن می باشند. به لحاظ تحصیلی ۱۵۴ نفر (۶۵ درصد) طلبه و ۸۴ نفر (۳۵ درصد) دانشجو می باشند. ۶۵/۵ درصد ۲۰ تا ۳۰ ساله، ۲۹/۹ درصد ۳۱ تا ۴۵ ساله، ۴/۶ درصد ۴۶ تا ۶۰ ساله می باشند. به لحاظ سطح تحصیلات ۴۸ نفر (۲۰ درصد) از شرکت کنندگان لیسانس، ۱۵۲ نفر (۵۲ درصد) فوق لیسانس، ۶۶ نفر (۲۸ درصد) فوق لیسانس هستند. همانگونه که مشاهده می شود، بیشترین فراوانی را افراد در مقطع تحصیلی فوق لیسانس (۱۲۴ نفر) و کمترین فراوانی مربوط به مقطع دیپلم (۴۸ نفر) می باشد. به لحاظ مدت ازدواج ۴۱/۶ درصد یک تا پنج سال، ۴۶/۶ درصد شش تا پانزده سال و ۱۱/۸ درصد شانزده تا سی سال از زمان ازدواجشان می گذرد. در جدول ۱ ویژگی های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱- ویژگی های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
روان آزردهگی	۱۴/۲۹	۴/۷۱	پایگاه ایمن	۲۵/۸۷	۵/۱۶
برون گرایی	۳۲/۱۶	۴/۲۹	منبع آرامش	۳۷/۲۷	۶/۵۳
گشودگی	۲۹/۱۶	۳/۴۸	اعتراض به جدایی	۲۶/۰۶	۵/۰۵
موافق بودن	۳۳/۰۲	۴/۵۹	جوارجویی	۳۶/۹۳	۶/۳۹
با وجدان بودن	۳۴/۵۰	۵/۳۵	دید مثبت به خود	۲۶/۱۳	۵/۰۴
طلاق عاطفی	۴۲/۱۷	۱۵/۳۹	دید مثبت از خدا	۴۲/۱۰	۷/۶۵
			نمره کل	۱۹۴	۳۴

برای بررسی فرضیه اول پژوهش (بین ویژگی های شخصیتی و طلاق عاطفی رابطه

معناداری وجود دارد) در جدول ۲، ضرایب همبستگی ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی به همراه سطوح معناداری ارائه شده است.

جدول ۲- ضرایب همبستگی پیرسون بین ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی

۵	۴	۳	۲	۱	
				۱	۱. طلاق عاطفی
			۱	۰/۱۹**	۲. روان‌آزردگی
		۱	-۰/۲۷**	-۰/۲۵**	۳. برون‌گرایی
	۱	-۰/۱۴*	۰/۲۱**	۰/۱۲*	۴. گشودگی
۱	۰/۰۱	۰/۳۲**	-۰/۲۱**	-۰/۲۲**	۵. موافق بودن
۰/۲۶**	-۰/۱۳*	۰/۳۳**	-۰/۴۷**	۰/۰۱	۶. با وجدان بودن

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود: طبق ماتریس همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن با طلاق عاطفی در دامنه‌ای بین $r = -0/22$ تا $r = -0/25$ ارتباط معنادار ($P > 0/01$) معکوس و با شدت ضعیف وجود دارد. بیشترین ضریب همبستگی در این جهت بین ویژگی شخصیتی برون‌گرایی با طلاق عاطفی می‌باشد. این بدان معناست که با افزایش نمره ویژگی شخصیتی برون‌گرایی آزمودنی‌ها، نمره طلاق عاطفی آنها کاهش می‌یابد. همچنین ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌آزردگی و گشودگی با طلاق عاطفی در دامنه‌ای بین $r = 0/12$ تا $r = 0/19$ ارتباط معنادار ($P > 0/01$) مستقیم و با شدت ضعیف به دست آمده است؛ یعنی با افزایش نمره ویژگی‌های شخصیتی روان‌آزردگی و گشودگی آزمودنی‌ها، نمره طلاق عاطفی آنها افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، فرضیه اول پژوهش درباره چهار ویژگی شخصیتی از پنج بعد شخصیت، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی فرضیه دوم پژوهش (بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد)، در جدول ۳، ضرایب همبستگی مؤلفه‌های دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی به همراه سطوح معناداری ارائه شده است.

جدول ۳- ضرایب همبستگی پیرسون بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۱	۱. طلاق عاطفی
					۱	-۰/۳۰**	۲. پایگاه ایمن
				۱	۰/۸۸**	-۰/۳۳**	۳. منع آرامش
			۱	۰/۹۰**	۰/۸۱**	-۰/۳۴**	۴. اعتراض به جدایی
		۱	۰/۸۹**	۰/۹۴**	۰/۹۰**	-۰/۳۱**	۵. جوارجویی
	۱	۰/۹۱**	۰/۸۹**	۰/۹۲**	۰/۸۸**	-۰/۳۳**	۶. دید مثبت به خود
۱	۰/۹۲**	۰/۹۳**	۰/۹۰**	۰/۹۳*	۰/۸۸**	-۰/۳۸**	۷. دید مثبت از خدا
۰/۹۷**	۰/۹۶**	۰/۹۷**	۰/۹۳**	۰/۹۷**	۰/۹۳**	-۰/۳۵**	۸. نمره کل دلبستگی به خدا

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود: طبق ماتریس همبستگی میان نمره همه مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا با نمره کل طلاق عاطفی، رابطه معنادار، معکوس و با شدت متوسط در دامنه $r = -0/30$ تا $r = -0/38$ وجود دارد ($P > 0/01$). طبق جدول و به صورت جزئی‌تر از بین مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا، مؤلفه دید مثبت از خدا بالاترین همبستگی منفی را با طلاق عاطفی دارد که این بدان معناست که با افزایش نمره دید مثبت از خدا آزمون‌های، نمره طلاق عاطفی آنها کاهش می‌یابد. همچنین ارتباط بین همه مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا با یکدیگر در دامنه‌ای بین $r = 0/81$ تا $r = 0/97$ ارتباط معنادار مثبت و با شدت قوی به دست آمده است. برای نمره کل دلبستگی با خدا نیز با طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری ($r = -0/35$ ، $P > 0/01$) به دست آمد.

جهت بررسی فرضیه سوم (ویژگی‌های شخصیتی بخش معناداری از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند)، پس از بررسی مفروضه‌های تحلیل رگرسیون از جمله نرمال بودن توزیع نمرات بر اساس نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنوف ($P > 0/05$)، استقلال خطاها با توجه به مقدار عددی آزمون دوربین-واتسون، خطی بودن رابطه میان متغیرهای پیش‌بین با توجه به رسم نمودار پراکنش و عدم وجود هم‌خطی چندگانه، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

جدول ۴- ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به طلاق عاطفی

شاخص متغیر	ضریب غیراستاندارد بتا	ضریب خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۴۴,۸۵۹	۱۴,۲۱۸		۳,۱۵۵	۰,۰۰۲
برون‌گرایی	-۰,۸۰۸	۰,۲۴۱	-۰,۲۲۶	-۳,۳۵۱	۰,۰۰۱
موافق بودن	-۰,۵۵۵	۰,۲۲۰	-۰,۱۶۶	-۲,۵۲۷	۰,۰۱۲
با وجدان بودن	۰,۶۵۶	۰,۲۰۷	۰,۲۲۸	۳,۱۷۴	۰,۰۰۲
روان‌آزردگی	۰,۶۵۳	۰,۲۲۸	۰,۲۰۰	۲,۸۶۱	۰,۰۰۵

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی ($B=-۰,۲۲۶$ ، $P<۰,۰۰۰۱$) و موافق بودن ($B=-۰,۱۶۶$ ، $P<۰,۰۱۲$) به صورت منفی و ویژگی‌های شخصیتی با وجدان بودن ($B=۰,۲۲۸$ ، $P<۰,۰۰۲$) و روان‌آزردگی ($B=۰,۲۰$ ، $P<۰,۰۰۰۵$) به صورت مثبت عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

فرضیه چهارم: سبک دلبستگی به خدا و مؤلفه‌های آن بخش معناداری از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول ۵- ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به طلاق عاطفی شخصی

شاخص متغیر	ضریب غیراستاندارد بتا	ضریب خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۷۱,۱۰۱	۵,۴۰۳		۱۳,۱۵۹	۰,۰۰۰
دید مثبت از خدا	-۱,۴۱۳	۰,۳۴۸	-۰,۷۰۳	-۴,۰۶۳	۰,۰۰۰
جوارجویی	۰,۸۲۷	۰,۴۱۷	۰,۳۴۳	۱,۹۸۵	۰,۰۴۸

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد مؤلفه دید مثبت از خدا ($B=-۰,۷۰$ ، $P<۰,۰۰۰۰۱$) به صورت منفی و مؤلفه جوارجویی ($B=۰,۳۴$ ، $P<۰,۰۴$) به صورت مثبت طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. در مجموع و با توجه به جداول رگرسیون، خرده‌مقیاس‌های متغیر ویژگی‌های شخصیتی و متغیر دلبستگی به خدا به صورت معنادار حدود ۲۷ درصد از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند و بر این اساس فرضیه سوم و چهارم پژوهش نیز تأیید گردید.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن با طلاق عاطفی ارتباط معنادار ($P < 0.01$) معکوس و با شدت ضعیف وجود دارد. همچنین ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌آزردگی و گشودگی با طلاق عاطفی ارتباط معنادار ($P < 0.01$) مستقیم و با شدت ضعیف به دست آمده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش با مطالعه زمانی و دیگران (۱۳۹۶) نشان دادند که بین عامل روان‌آزرده خویی و طلاق عاطفی زوجین رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد و بین عامل برون‌گرایی، عامل پذیرا بودن و طلاق عاطفی زوجین رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد؛ هم‌سو و هماهنگ است. همچنین با یافته‌های پژوهش پور مرزدشتی و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۹۵) که نشان داد هرچه فرد برون‌گراتر و انعطاف‌پذیرتر باشد، احتمال وقوع طلاق عاطفی کمتر می‌باشد؛ زیرا افراد برون‌گرا به دلیل بروز احساسات و عواطف خود، بهتر می‌توانند با شریک خود رابطه برقرار کنند و نیز افرادی که انعطاف‌پذیری بیشتری دارند بهتر با شرایط سازگار می‌شوند و رابطه بهتری برقرار می‌کنند، هم‌سو و هماهنگ است.

در تحلیل یافته‌ها می‌توان گفت از یک طرف با توجه به ویژگی‌های افرادی که دارای شخصیت برون‌گرا هستند بر اساس نظریه‌ها، افرادی جامعه‌گراتر، دارای توانایی کلامی بیشتر، دارای توانایی اجتماعی بالاتر و ریسک‌پذیری بیشتر، تحرك و برانگیختگی جنسی بیشتری معرفی شده‌اند و در مقابل افراد درون‌گرا علاقه‌ای به نزدیکی و تعامل و ارتباط با دیگران ندارند و تلاشی برای ابراز محبت از خود نشان نمی‌دهند و همچنین دوستی، ارتباط عاطفی در این افراد تحت تأثیر بی‌تفاوتی است. این افراد در ایجاد ارتباط چه از طریق ابراز محبت و اهمیت دادن به احساس‌ها و چه از طریق دریافت علاقه و محبت و توجه دیگران، ناتوان هستند و نیز این افراد در پایین‌ترین سطح درجه احساسی قرار دارند. افرادی که دارای این ویژگی هستند، اگر به علت نیاز اجتماعی به ازدواج تن دهند، توانایی ابراز عشق و علاقه به همسر را ندارند و از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های اصلی طلاق عاطفی، کناره‌گیری عاطفی است، منطقی به نظر می‌رسد که افراد با ویژگی شخصیتی برون‌گرایی با طلاق عاطفی رابطه‌ای معکوس داشته باشند.

افراد دارای ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری، افرادی هستند که دارای قدرت انطباق‌پذیری بالا، به لحاظ ذهنی باز، تنوع طلب، احساس زیبایی‌پسندی، توجه به احساسات درونی و

تجربه‌گرا هستند. از طرف دیگر انعطاف‌پذیری به ویژگی شخصیتی هر فرد گفته می‌شود که در درون فرد نهادینه شده است. البته هر فرد به میزان و درجات متفاوتی از این فاکتور برخوردار است، می‌توان گفت انعطاف‌پذیری به نحوه رویارویی فرد با مسائل و تجربه‌های جدید ظاهر می‌گردد. به طور کلی نحوه برخورد با مسائل و تطبیق با شرایط و وضعیت موجود را انعطاف‌پذیری می‌نامند (حق شناس، ۱۳۹۳). در نتیجه هرچه فرد دارای انعطاف بیشتری باشد، امکان استفاده از مکانیسم‌سازش در جهت حل مسائل زناشویی را دارد و در نتیجه کمتر وارد مراحل طلاق عاطفی می‌شود. افراد با انعطاف‌پذیری کم به جای استفاده از مکانیسم مسئله‌محور برای حل تعارض زناشویی خود، به نوعی از مکانیسم دفاعی فرار یا رشد نیافته استفاده کرده و وارد مدار یا چرخه فرآیند طلاق عاطفی قرار می‌گیرند. بنابراین انعطاف‌پذیری کم همراه با ویژگی درون‌گرایی به عنوان دو ویژگی شخصیتی در پیش‌بینی طلاق عاطفی مؤثر بوده و توجیه‌کننده طلاق عاطفی می‌باشند.

بر اساس یافته‌ها بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. به صورت جزئی‌تر، از بین مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا، مؤلفه دید مثبت از خدا بالاترین همبستگی منفی را با طلاق عاطفی دارد که این بدان معناست که با افزایش نمره دید مثبت از خدا آزمودنی‌ها، نمره طلاق عاطفی آنها کاهش می‌یابد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که فرض صفر (عدم رابطه معنادار بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی) رد شده و فرض پژوهشی دوم یعنی «وجود رابطه معنادار میان دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی» تأیید می‌گردد.

اگرچه بررسی محقق در مورد رابطه دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی، یافته‌ای دربرداشت؛ ولی نتایج پژوهش حاضر با مباحث نظری در باب تأثیر دین‌داری و معنویت در روابط بین فردی و تحقیقاتی که نشان دادند بین دلبستگی به خدا با کیفیت زناشویی (امان‌الهی، ایزدی‌پناه و سودانی، ۱۳۹۴) و رضایت زناشویی (باقری، ۱۳۹۲؛ حیدریان، ۱۳۹۳) رابطه وجود دارد، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت «دلبستگی به خدا» به عنوان یکی از نمادهای دین‌داری مؤثر در بهبود زندگی افراد (سیمایی، ۱۳۸۸) تحت عنوان ارتباط و گرایش عاطفی فرد به خداوند تعریف می‌شود. در این تعلق خاطر، خداوند به عنوان پایگاه امنی شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جستجو کرد (گرنکوئیست، مایکولینسر و شیور، ۲۰۱۰).

بنابراین با اشاره به نظر کرک پاتریک (۱۹۹۹)، به نقل از اکازی^۱، (۲۰۱۰) که افراد در زمان گرفتاری یا تهدید، خدا را به عنوان یک پایگاه امن یا سرپناه ایمن جستجو می‌کنند، می‌توان گفت فرد دارای دلبستگی ایمن به خدا در جای جای زندگی در جستجو و طلب مجاورت با چهره دلبستگی (خداوند) و به دنبال جلب توجه و انس بیشتر با اوست. چنین فردی در ایفای نقش‌هایی که در زندگی و روابط خود با دیگرانی همچون همسر به عهده دارد رفتاری آگاهانه و هدفمند در جهت کسب رضایت خداوند را در پیش می‌گیرد. از سوی دیگر چنین فردی در شرایط استرس، درماندگی و بحران، به عنوان یک پناهگاه مطمئن به خداوند رو می‌آورد که نتیجه آن رهایی از ناامیدی و ناکامی و در نهایت عبور به سلامت از موقعیت بحران است. برای چنین فردی، خدا پایه و اساس ایمنی است، بنابراین با پناه بردن به خدا، احساس قدرت و اعتماد به نفسی در لحظات اضطراب‌آور فرازوفرودهای زندگی به سراغش می‌آید که می‌تواند با آرامش و تسلط با آن‌ها مواجه شود. چنین فردی طاقت دوری از خدا را ندارد، بنابراین از هرگونه آزار، بد اخلاقی و بی‌مسئولیتی نسبت به همسر که می‌تواند حس اضطراب جدایی را در وی ایجاد کند، پرهیز کرده یا در صورت ارتکاب، سریعاً به دنبال جبران آن برمی‌آید.

افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی به خداوند نه تنها برای نزدیک شدن به خداوند انگیزه ندارد، بلکه جهت نزدیک شدن به خداوند احساس نیاز هم نکرده و ترجیح می‌دهند رابطه خیلی عمیقی با وی نداشته باشد. چنین فردی از اینکه خداوند بر تمامی جنبه‌های زندگی او کنترل داشته باشد، احساس ناراحتی می‌کند؛ بنابراین فردی با این خصوصیات نمی‌تواند در مورد زندگی زناشویی خود احساس خوشبختی نماید و درک این فرد از کیفیت زناشویی و به دنبال آن رضایت زناشویی دچار کاهش می‌شود. پژوهش‌های متعدد نشان داده است که افراد دارای این نوع سبک دلبستگی اگر از لحاظ مذهبی در سطح بالایی نباشند، بیشتر مستعد طلاق عاطفی هستند.

افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی، نسبت به خدا نیز به صورت دائمی نگران رابطه خود با خداوند هستند. این افراد درحالی که زندگی خود را کاملاً وابسته به خداوند می‌دانند و تلاششان در جهت برقراری ارتباط معنوی، صمیمی و عاطفی با خداوند است؛ اما نسبت به چگونگی نگرش خداوند نسبت به خود سردرگم بوده و نسبت به حمایت و حفاظت وی

اطمینان ندارند. عدم اطمینان به ثبات در پاسخ‌گویی و حامی بودن خدا، نگرانی‌هایی را وارد زندگی این افراد می‌کند که باعث می‌شود در چالش‌های زندگی نسبت به خود دیدگاه منفی داشته و خود را مستحق عدم اعتماد به نفس بدانند. این افراد ارزیابی مثبتی از افراد دیگر دارند، بر مسئله پذیرش و تأیید از سوی دیگران بسیار ارزش می‌نهند و اغلب نگرانند که شریک زندگیشان واقعاً آن‌ها را دوست نداشته باشد یا نخواهد که با آن‌ها بماند (قنبری هاشم‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۰). این موضوع قدرت مقابله مؤثر با چالش‌های زندگی و روابط با همسر را از این افراد سلب نموده و در نهایت باعث می‌شود رضایت زناشویی آسیب ببیند. بر اساس یافته‌ها از بین ویژگی‌های شخصیتی، برون‌گرایی قوی‌ترین رابطه را با طلاق عاطفی دارد. این متغیر ۶ درصد از میزان طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن به صورت منفی و ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن و روان‌آزردگی به صورت مثبت در مجموع ۱۲ درصد از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین هماهنگ است (برای مثال، کارنی و برابری، ۱۹۹۵؛ رابینز و دیگران، ۲۰۱۰ و شکرکن و دیگران، ۱۳۸۵). نوروزگرایی عاملی از شخصیت است که ثبات عاطفی بالا و اضطراب پایین در یک طرف پیوستار و ثبات عاطفی پایین و اضطراب بالا در سمت دیگر آن قرار دارد. مردان و زنان دارای نمره بالا در این ویژگی، عواطف غیرمنطقی بیشتر، کم‌توانی در رفتارها، برانگیختگی و ضعف در مقابله با مشکلات دارند. از توصیف‌های شخصیت با نمره بالا در عامل نوروزگرایی این است که آنها دمدمی مزاج، بسیار تحریک‌پذیر هستند که این ویژگی برابر توصیف زن و شوهرهای ناراضی و دچار طلاق عاطفی هم به‌کار می‌رود. از طرفی توافق، گشودگی و مسئولیت‌پذیری ویژگی‌هایی هستند که باعث می‌شود فرد رفتارهایی همانند همراهی، همدلی، تواضع و دیگر دوستی را بروز دهند. چنین فرد سازش‌یافته‌ای، دلسوز و مراقب دیگران است و بهتر می‌تواند زندگی مشترک را پیش ببرد (لاش بری و دیگران، ۲۰۰۵). مطالعه صادق مزجی و صائمی (۱۳۹۶) نیز نشان داد که ۳۲٪ از تغییرات طلاق عاطفی به‌وسیله ویژگی شخصیتی نوروزگرایی و موضوعات شخصیتی در آزمون انریچ قابل پیش‌بینی است.

نتایج نشان می‌دهد که متغیر مسئولیت‌پذیری پیش‌بینی‌کننده خوبی برای رضایت زناشویی است. در تبیین این یافته می‌توان گفت همسرانی که وظیفه شناس نیستند

از همسرشان عیب جویی و انتقاد بیشتری دارند؛ در نتیجه، میزان یا شدت انتقادهای منفی زناشویی افزایش می‌یابد و باعث ناسازگاری بیشتر و در نتیجه طلاق عاطفی خواهد شد (دافلان و دیگران، ۲۰۰۴).

نتایج مربوط به رابطه میان نوروزگرایی با طلاق عاطفی نیز نشان داد که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتایج با یافته‌هایی همچون ساداتی و همکاران مطابقت داشت. این پژوهشگران گزارش کردند که زوجینی که از صفت نوروزگرایی بالاتری برخوردارند، در روابط خود، بخشش و گذشت کمتری را تجربه می‌کنند و احتمال دل‌زدگی در رابطه آنها با یکدیگر بیشتر است. صادقی و روشن نیا نیز در پژوهش خود در زمینه رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین با رضایت زناشویی که بر روی ۱۱۱ زوج اجرا نمودند، گزارش نمودند در ویژگی شخصیتی نوروزگرایی، بیشترین رضایت در مردان و زنان گروه‌هایی مشاهده شد که زوجین هر دو نوروزگرایی پایینی داشتند و کمترین رضایت نیز در گروهی مشاهده شد که هر دو زوج، نوروزگرایی بالایی داشتند. در توجیه این نتایج ابراز داشتند که تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی مانند ترس، غم، عصبانیت، احساس گناه و نفرت، مجموعه نوروزگرایی را تشکیل می‌دهد و مردان و زنان نوروزگرا نسبت به سایرین بسیار ضعیف‌تر با تنش کنار می‌آیند، عواطف غیرمنطقی‌تری دارند و در راهبردهای مقابله‌ای با مشکلات ضعف دارند. از سوی دیگر، افراد با نوروزگرایی پایین، به دلیل داشتن ثبات عاطفی، آرام و راحت هستند، به نحوی که بدون آشفتگی و اضطراب با موقعیت‌های تنش‌زا مواجه می‌شوند. همچنین Rao Kyser نیز در پژوهش خود گزارش کردند، آنچه زمینه فاصله گرفتن و جدایی زناشویی را در افراد نوروزگرا فراهم می‌کند، تمایل آنها به هیجان‌پذیری منفی در تعارض‌های زناشویی می‌باشد. در واقع، دمدمی مزاج بودن و زودرنجی این افراد در موقعیت‌های بحرانی، زوج‌ها را در یک دور باطل تعاملات منفی گرفتار می‌سازد که به علت استفاده افراد نوروزگرا از راهکار اجتناب، این تسلسل ممکن است تا دل‌زدگی و جدایی زناشویی ادامه پیدا کند. همچنین Nisczota نیز در پژوهش خود گزارش نمود نوروزگرایی به معنی چشم‌پوشی ضعیف در مقابل تنش یا گرایش به فروپاشی سازمان یافته رفتار در موقعیت‌های تعارضی یا ناکام‌کننده است. در واقع افراد با نوروزگرایی بالا، در برخورد با تعارض‌های بین فردی، بیشتر دست به رفتارهای اجتنابی و واکنش‌های هیجانی شدید می‌زنند؛ لذا تعارض را شدید و رفع آن را با مشکل مواجه می‌کنند.

در نهایت در ویژگی وظیفه‌شناسی دونلان و همکاران (۲۰۰۴) بین زوج‌های در معرض طلاق و عادی تفاوتی را به دست نیاوردند؛ اما در این پژوهش بین زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی تفاوت معناداری به دست آمد. چند تبیین برای این یافته می‌توان مطرح کرد. نخست اینکه افراد وظیفه‌شناس به دلیل تعهد شخصی برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند (جارویس، ۲۰۰۶). بنابراین زوج‌هایی که وظیفه‌شناسی بیشتری دارند با تلاش خود زندگی مشترکشان را حفظ می‌کنند و بیشتر احتمال دارد که برای بهبود زندگی زناشویی خود با جدیت به دنبال خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی باشند. همچنین براساس نظر کوردک (۱۹۹۳) وجود سطوح بالای وظیفه‌شناسی باعث می‌شود فرد از نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط زناشویی خودداری کرده و تکانه‌های خود را کنترل کند. از سوی دیگر، خوش‌قولی، دقت و قابل اطمینان بودن از ویژگی‌های مهم افراد وظیفه‌شناس است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). این ویژگی‌ها نیز در تعاملات آنها با همسرانشان تأثیر مثبتی دارد و رضایت زناشویی آنها را افزایش می‌دهد.

در نهایت می‌توان این چنین گفت که شخصیت با زیرساخت روانی روابط بادوام، رابطه دارد و بنابراین از پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی و اصلی موفقیت و شکست در ازدواج به‌شمار می‌رود. چنین به نظر می‌رسد که شخصیت، الگوهای تعاملی و حتی رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت بسیاری از نارضایتی‌های زناشویی در مؤلفه‌های رضایت زناشویی متأثر از ویژگی‌های شخصیتی افراد است.

بر اساس یافته‌ها مؤلفه دید مثبت از خدا و جوارجویی از مؤلفه‌های دلبستگی به خدا در مجموع ۱۵ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. در این رابطه کُرک پاتریک (۱۹۹۹) نیز نشان داد که افراد مؤمن و کسانی که با خدا ارتباط و به او ایمان دارند؛ در واقع، تصور مثبتی از خدا دارند و با همسر خود مهربان هستند. بنابراین، تغییر شناختی و تفکر نتیجه ایمان به خداست. از سوی دیگر، الگوی برزش یافته نشان داد که ایمان خدامحورانه تبیین‌کننده کنترل زبان است. ارتباط با خدا و عشق به خدا موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها، با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا، همه رفتارهای کلامی و غیرکلامی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد، هرچه این حالت قوی‌تر باشد، تقوا (از جمله در حیطه کلامی) فرد بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹). بنابراین، ایمان خدامحورانه افزون بر اینکه در کنترل

افکار نقش دارد، در تقوای زبانی نیز می‌تواند مؤثر باشد. به هر حال، ایمان خدامحورانه می‌تواند به عنوان عاملی در کنترل رفتار باشد و بر اعضا و جوارح انسان مانند زبان نیز تأثیر بگذارد.

امان الهی، ایزدی پناه و سودائی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به خدا با کیفیت زناشویی رابطه منفی و بین مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای مقدس دانستن ازدواج، صمیمیت، دلبستگی‌های اجتنابی و اضطرابی به خدا پیش‌بین‌های معنادار کیفیت زناشویی هستند. همچنین نتایج تحقیق فیض آبادی و خسروی (۱۳۸۸) نشان داد که بین سبک دلبستگی و تصور از خدا رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق در نوع سبک دلبستگی و تصور از خدا تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنی که زنان خواهان طلاق بیشتر سبک دلبستگی ناایمن (اضطرابی، اجتنابی) دارند و در مقابل تصور آنها هم از خدا منفی‌تر است.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مطالعه اسکیا (۲۰۱۸) نیز نشان داد که ۹،۳۸ درصد سبک دلبستگی و تصور از خدا، بر اساس طلاق عاطفی تبیین می‌شود. نتین و کرات (۲۰۱۶) به این نتایج دست یافتند که سبک دلبستگی به خدا نیز توان پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند که این توان معنادار است.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر، با یافته‌های اصغری و همکاران، امان الهی و همکاران و گودمن و همکاران همخوانی دارد، به این معنا که همواره توجه، اعتماد، توکل و ارتباط با خدا می‌تواند سبب ایجاد آرامش در روابط بین فردی و از جمله روابط بین زوجین و در نهایت رضایت زناشویی شود. همه این محققان در تحقیقات خود نتیجه‌گیری کردند که رابطه انسان با خدا می‌تواند نقش مهمی در زندگی زناشویی ایفا کند. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان اظهار داشت که در دوران کودکی، درونی‌سازی اولیه‌ای که فرد در ارتباط با والدین و دیگران صورت می‌دهد، بافتی را فراهم می‌نماید که این بافت به عنوان فیلتر شناختی برای تعبیر و تفسیر داده‌های درونی و بیرونی عمل می‌کند. این الگوهای درون‌سازی شده مثبت یا منفی نسبت به دیگران، علاوه بر کودکی، در بزرگسالی نیز در شکل‌دهی دلبستگی به خدا، مؤثر می‌باشد. از ویژگی‌های افراد با الگوی دلبستگی ایمن به خدا، داشتن الگوی درونی‌سازی

مثبت از خود و دیگران (خدا) است. بعد از شکل‌گیری دلبستگی ایمن با خدا، آنان در سایه اعتماد و توکل به خداوند به عنوان منبع حمایتی و پایگاه امن، با اعتماد به نفس بالایی با شرایط سخت مقابله می‌کنند. این افراد با اعتماد به خود و خداوند، موقعیت‌ها و شرایط را در کنترل دارند. خداوند به عنوان منبع و مبنای امنیت برای افرادی که دچار استرس و آشفتگی روانی هستند و همچنین به عنوان منبع حمایت‌کننده و مطمئن برای کشف و جستجو در محیط اطراف محسوب می‌شود. خدا از یک سو سبب شکل‌گیری رفتارهای دلبستگی مآبانه، مانند در جستجوی دیگران برآمدن و نزدیک شدن به دیگران و از سوی دیگر سبب برانگیخته شدن واکنش‌های خصمانه همانند غم و اندوه می‌شود. بنابراین می‌توان خداوند را به عنوان تکیه‌گاه دلبستگی به حساب آورد و پذیرفت؛ زیرا همان ویژگی‌هایی را که سایر تکیه‌گاه‌های دلبستگی دارند، او نیز دارا است.

فهرست منابع

• قرآن کریم

- احمدی، حسن (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- اسدی نوقابی، احمدعلی (۱۳۹۴)، *روان‌پرستاری (بهداشت روان ۲)*، تهران: بشری.
- استیل، لویی؛ کید، وتمن (۲۰۱۱)، *جامعه‌شناسی مهارت‌های خانواده*، ترجمه ولی‌الله کمالی (۱۳۹۰)، تهران: دانشگاه الزهراء ع.ا.ه.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: روشنگریان و مطالعات زنان.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹)، *روان‌شناس رابطه‌ها*، تهران: دانشگاه تهران.
- امان‌الهی، عباس؛ ایزدی پناه، محبوبه؛ سودائی، منصور (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی به خدا، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز»، *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، ۱(۱)، ص ۹۵-۱۱۱.
- انصاری، طاهره؛ عینی‌پور، جواد (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دار شهر رشت»، *همایش ملی رویکردهای نوین آموزشی و پژوهشی در تعلیم و تربیت*.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۹)، «پیامدهای طلاق و استراتژی‌های مواجهه با آن»، *خانواده پژوهشی*، ۷(۲۴)، ص ۲۴۱-۲۵۷.
- بخارایی، اسماعیل (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی زندگی خاموش در ایران (طلاق عاطفی)*، تهران: پژوهاک جامعه.
- بهرامی‌تتماج، اعظم (۱۳۹۲)، «طلاق و عوامل مؤثر بر آن»، *روزنامه رسالت*، شماره ۶۰۳.
- پورافکاری، نصرالله (۱۳۹۳)، *فرهنگ جامع روان‌شناسی-روان‌پزشکی*، تهران: نی.

- تایبر، ادوارد (۲۰۱۸)، **بچه‌های طلاق**، ترجمه توران دخت تمدن (۱۳۹۷)، تهران: روشنفکران.
- تبریزی، مصطفی؛ بابایی، مهرانه (۱۳۹۵)، **فرهنگی-توصیفی خانواده و خانواده درمانی**، تهران: فراروان.
- حق شناس، حسن (۱۳۸۸)، **طرح پنج عامل ویژگی‌های شخصیت (راهنمای تفسیر و هنجاریابی آزمون‌ها)**، شیراز: دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- حیدری، علیرضا؛ نامجوسنگری، زهرا (۱۳۸۹)، «بررسی مقایسه ناتوانی هیجانی، دلبستگی و استرس بین کارکنان مرد و زن متأهل شرکت ملی حفاری اهواز»، **یافته‌های نو در روان‌شناسی**، ۳(۲۵)، ص ۲۱-۴۰.
- خانجانی، زینب؛ عیدی، رقیه (۱۳۸۸)، «بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی»، **فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز**، ۱(۳)، ص ۱۶۶-۱۹۱.
- دلاوری، مرتضی (۱۳۹۷)، «طلاق عاطفی، زلزله زندگی‌های جدید»، **مطالعات خانواده**، ۱(۱)، ص ۴۰-۵۶.
- دهقانی، محسن و اسماعیلیان، نسربین (۱۳۹۵)، «بررسی پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی شخصیتی، اعتیاد به فضای مجازی و سبک‌های دلبستگی»، **فصلنامه خانواده‌پژوهشی**، ۱۲(۴)، ص ۵۷۵-۵۹۲.
- رجایی، علیرضا؛ نیری، مهدی؛ صداقتی، شیرین (۱۳۸۸)، «سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی»، **فصلنامه روان‌شناسان ایرانی**، ۳(۱۲)، ص ۳۴۷-۳۵۶.
- رسوم، جینی فرنس (۲۰۱۷)، **تأثیر طلاق بر کودکان**، ترجمه محدثه علیزاده (۱۳۹۵)، قم: پویان.
- ریتزر، جان (۲۰۰۹)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی (۱۳۸۸)، تهران: جهاد دانشگاهی.
- زمانی، فاطمه؛ مینایی، اصغر؛ محمدی آریا، علیرضا (۱۳۹۶)، «مدل‌پردازی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با طلاق عاطفی با استفاده از تحلیل مسیر در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های شهر تهران»، **سومین کنفرانس روان‌شناسی و علوم رفتاری**.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸)، **طلاق: پژوهش در شناخت واقعیت و عوامل آن**، تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمان ریزی، محمد مهدی و اجتماعی سنگری، ندا (۱۳۹۱)، «بررسی اثر واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی در رابطه طلاق عاطفی و علائم اضطراب و افسردگی در زنان متأهل»، **فصلنامه روان‌شناسی معاصر**، ۱(۷)، ص ۲۹-۳۳.
- سیف نراقی، مریم (۱۳۸۸)، **اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن**، تهران: بدر.
- شاکریان، عطاء (۱۳۹۰)، «مقایسه میزان شباهت و تضاد در ویژگی‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی در مزدوجین شرکت‌کننده در جشن ازدواج دانشجویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی کردستان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- شالمو، سعید (۱۳۹۲)، **مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت**، تهران: رشد.
- شاهنظری، مهدی (۱۳۹۱)، «مدل‌یابی رضایتمندی زناشویی بر پایه سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی»، **پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد**، ۱(۳۱)، ص ۱۳۴-۱۵۴.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۴)، **روان‌شناسی عمومی**، تهران: سمت.

- شولتز، دوان؛ شولتز، پی (۲۰۱۵)، *نظریه‌های شخصیت*، یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۵)، تهران: ویرایش.
- شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۵)، «*بررسی رابطه سبک دلبستگی دوران کودکی، سبک دلبستگی بزرگسالان با سبک دلبستگی به خدا*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- شیخ، مهدی؛ احمدی، خدابخش؛ غباری، بناب باقر (۱۳۹۳)، «نقش دلبستگی به خدا در سخت‌رویی و عزت‌نفس اجتماعی کارکنان نظامی»، *پرستار و پزشکی در رزم*، ۲(۴)، ص ۱۴۶-۱۵۲.
- صائمی، حسین؛ صادق مزجی، مرضیه (۱۳۹۶)، «بررسی وضعیت طلاق عاطفی و پیش‌بینی آن براساس ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های رضایت زناشویی»، *فصلنامه دانش انتظامی سمنان*، ۷(۲۵)، ص ۱۳۹-۱۵۸.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۵)، *حقوق خانواده*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فیض‌آبادی، سلیمه؛ خسروی، زهره (۱۳۸۸)، «بررسی سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهرستان کاشان»، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۵(۳)، ص ۳۷-۵۴.
- غباری‌بناب، باقر؛ حدادی‌کوهسار، علی اکبر (۱۳۹۰)، «دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری»، *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱(۴)، ص ۸۱-۱۰۶.
- قلی‌زاده، فرض‌الله (۱۳۹۶)، *روان‌شناسی شخصیت*، تبریز: هادی.
- کریم منصور، فاطمه (۱۳۹۶)، «*پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی شخصیتی، اعتیاد به فضای مجازی و سبک‌های دلبستگی*»، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۲)، *روان‌شناسی شخصیت*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- گری، نیومن (۲۰۱۱)، *طلاق و تأثیر آن بر کودک*، مترجم: فرناز فرود (۱۳۹۰)، تهران: صابرین.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۲۰۱۷)، *خانواده درمانی*، ترجمه حمیدرضا شاهی، تهران: روان.
- واهی، زهرا (۱۳۹۳)، *بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مامی، شهرام و عسکری، میترا (۱۳۹۳)، «نقش تمایز یافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی»، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق.
- محمدی، فریبرز (۱۳۹۳)، «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ۵۴(۱۴)، ص ۱۱۹-۱۵۳.
- محمدی فرد، زهرا؛ شهابی‌زاده، فاطمه و نصری، مریم (۱۳۹۳)، «*الگوی نمازخوانی و دلبستگی باگرایش به طلاق زوجین*»، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- محمودی، غلامرضا (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایتمندی زناشویی زنان»، *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۳(۱)، ص ۸۷-۱۰۱.
- نجفی توانا، داوود (۱۳۸۸)، «طلاق و اختلالات روانی و جنسی»، *مشاوره خانواده*، ۱(۱)، ص ۱۰.

- نجفی توانا، علی (۱۳۹۵)، *شخصیت بزهکار و مؤلفه‌های مؤثر بر آن*، تهران: آموزش و سنجش.
- نصوحیان، مینا (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- نصیری، مژگان و محمدی نیا، ندا (۱۳۹۸)، «شیوع طلاق عاطفی دانشجویان و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیتی»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- هدایتی، فاطمه؛ اطهری، زینب و محمدی، فاروق (۱۳۹۶)، «نقش ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی در ثبات زندگی زناشویی»، سومین همایش تازه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر.
- Aslade, E. (2009), Quality of life, psychological well-being, and sexual satisfaction in women with polycystic ovary syndrome, *Journal of Clinical Endocrinol Metabolism*, 88(12):5801-7.
- Askya, G. (2018), Investigating the Relationship between Attachment Style and the Imagination of God with Emotional Divorce, *The International Journal for the Psychology of Religio*, 25(6):120-140.
- Banes, R. Arrindell, K. P. (2016), Investigating the Relationship between Attachment Styles and Emotional Divorce, *Journal of Research & Health*, 3(1):321-334.
- Beck, L. McDonald, J. (2014), Parenting stress in mothers of children with an intellectual disability: The effects of parental cognitions in relation to child characteristics and family support, *Journal of Intellectual Disability Research*, 49(6): 405-418.
- Cassidy, J. Shaver, P. (2009), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*, New York, NY: The Guilford Press.
- Chittick, W. (2009), *The vision of Islam: the foundation of Muslim faith and practice*, London: Tauris.
- Dejong, M. L. (2016), Investigating the Relationship between Personality Traits and Conflict Resolution Strategies on Emotional Divorce, *Journal of marriage and family*, 1(5):55-75.
- Fonagy, V. E. (2009), The spiritual dimension in existential analysis and logotherapy, *J Individ Psychol*, 15(4):157-165.
- Gottman, J. M., Silver, D. (2018), *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Granqvist, P., Mikulincer, M., Shaver, P. (2010), Attachment theory and affect regulation: The dynamics, development, and cognitive consequences of attachment-related strategies, *Motivation and Emotion*, 27(1): 77-102.

- Granqvist, P. Hagekull, B. (2009), Religiosity, adult attachment, and why “singles” are more religious, *International Journal for the Psychology of Religion*, 10(4):111–123.
- Laur, H. Laur, J. c. (2017), *Marriage & family: The Quest for intimacy*, New York: McGraw Hill.
- Kirkpatrick, L. A. Shaver, P. R. (2010), An attachment theoretical approach to romantic love and religious belief, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18(1): 266–275.
- Klein, D. (2010), *Family theories: and introduction*, New York: free press.
- Kolak, D.A. (2017), Investigating the Relationship of Five Personality Factors and Emotional Divorce, *Personality and socialpsychology Bulletin*, (2):101–110.
- Mlshtyn, L. Creasey, A. (2018), Investigating the Relationship between, *Journal of Personality and Social psychology*, 55(9):450–460.
- Nbtyl, L. Crete, P.A. (2016), Predicting Emotional Divorce from Attitude to Love, Attachment to God, *The Journal of Positive Psychology*, 2(4):188–205.
- Oliver, A. (2015), A Comparison of Personality Traits and Its Dimensions in Divorced and Normal Couples, *uarterly Journal of Psychological Methods and Models*, 8(1):1–25
- Olson, H. Defrain, J. (2016), *Marriage & Families*, New York : Mc Graw Hill.
- Rowatt, W.C. Kirkpatrick, L.A. (2012), Dimensions of attachment to God and their subsequent attachment to affect, religiosity, and personality constructs, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(4):637–651.
- Segalen, M. (2011), Historical anthropology of the family, Editions: H, Eliasi, Nashr markaz publishing, *Annual Review of Psychology*, 97(2): 197–201.
- Sim, T.N. Loh, B.S.M. (2013), Attachment to God: measurement and dynamics, *J of Social and Personal Relationships*, 20(3): 373–89.
- Simpson, J. A. (2009), Fearful avoidance, disorganization, and multiple working models: Some directions for future theory and research, *Attachment and Human Development*, 4(4):223–229.
- Wallchuk, E. (2016), Divorce in point of view of children, Nashr markaz publishing, *Annual Review of Psychology*, 52(1): 397–422.
- Waters, H. (2017), Cognitive underpinnings of narrative attachment assessment, *Journal of Experimental Child Psychology*, 71(4):211–234

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ (ص ۶۳-۸۴)

رابطه خوش بینی اسلامی و آخرت نگرى با رضایت زناشویی اسلامی

The relationship between Islamic optimism and heresy with Islamic marital satisfaction

مهدی نورپناه / کارشناسی ارشد روان شناسی مثبت گرا مؤسسه اخلاق تربیت، قم، ایران.
جعفر جدیری / استادیار روان شناسی دانشگاه معارف، قم، ایران.
محمد رضا بنیانی / دکتری روان شناسی، مؤسسه امام خمینی (ره)، قم، ایران.

Mahdi Noorpanah / M.A in Positive Psychology, Institute of Educational Ethics, Qom, Iran.

m.noorpanah63@gmail.com

Jafar Jadiri / PhD in Psychology, Assistant Professor, Imam khomeini university, Qom, Iran.

Mohammad Reza Bonyani / PhD in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

Abstract

The aim of this study was to determine the relationship between Islamic optimism and heresy with Islamic marital satisfaction and its prediction. The research method was descriptive-correlational. The statistical population of the present study was all married high level religious in Mahdieh town of Qom, from which 184 people were selected by available sampling method as the sample size and Participants answered three questionnaires: Islamic optimism (Nouri, 1388) and Akhkrat Negri (Ebrahimi, 1390) and Islamic marital satisfaction (Jadiri, 1395). Data were analyzed by Pearson correlation test and regression test. Findings showed that the variables of marital satisfaction had a significant correlation with the variables

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان رابطه خوش بینی اسلامی و آخرت نگرى با رضایت زناشویی اسلامی و پیش بینی آن انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه طلاب متأهل سطوح عالی شهرک مهدیه قم بودند که از بین ایشان، ۱۸۴ نفر به روش نمونه گیری در دسترس به عنوان حجم نمونه، انتخاب شدند و شرکت کنندگان به سه پرسشنامه خوش بینی اسلامی (نوری، ۱۳۸۸) و آخرت نگرى (ابراهیمی، ۱۳۹۰) و رضامندی زناشویی اسلامی (جدیری، ۱۳۹۵) پاسخ دادند. داده ها با آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها نشان داد که متغیر رضایت زناشویی با متغیرهای آخرت نگرى و خوش بینی همبستگی معناداری دارد. همچنین نتایج آزمون تحلیل رگرسیون

of heresy and optimism. Also, the results of regression analysis test showed that heterogeneity and optimism variables can predict marital satisfaction in the sample. Of course, the degree of predictability of the hereafter is more than optimism. Which shows that heresy can significantly predict marital satisfaction in the sample, but optimism can not significantly predict marital satisfaction.

Keywords: Islamic optimism, heresy, Islamic marital satisfaction

نشان داد که متغیرهای آخرت‌نگری و خوش‌بینی می‌توانند رضایت زناشویی را در نمونه مورد بررسی پیش‌بینی کنند. البته میزان پیش‌بینی‌کنندگی آخرت‌نگری نسبت به خوش‌بینی بیشتر می‌باشد، که نشان می‌دهد آخرت‌نگری به طور معناداری می‌تواند رضایت زناشویی را در نمونه مورد بررسی پیش‌بینی کند؛ اما خوش‌بینی به طور معناداری نمی‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند.

کلیدواژه‌ها: خوش‌بینی اسلامی، آخرت‌نگری، رضایت زناشویی اسلامی.

مقدمه

خانواده، به عنوان یکی از نهادهای مهم در هر جامعه‌ای به خصوص در جامعه ایران، محسوب می‌شود. در صورتی که خانواده از عملکرد مناسبی برخوردار باشد، اعضای خانواده نیز از سلامت و بهزیستی مطلوبی برخوردار خواهند بود (روستیت، چایکس و چاوین^۱، ۲۰۰۷). استواری و استحکام خانواده به ازدواج و رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد؛ یعنی، هرگونه تزلزل و سستی در رابطه زناشویی و یا عدم وجود يك ازدواج موفق علاوه بر آنکه آرامش روانی زوج‌ها را مختل می‌کند، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد (نجاتی، ۱۳۸۳ و مظاهری، ۱۳۷۹). یکی از عوامل تعیین‌کننده سلامت خانواده، رضایت زناشویی^۲ می‌باشد. رضایت زناشویی نقش مهمی در کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می‌کند (جیانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). رضایت زناشویی، نشانگر استحکام و کارایی نظام خانواده است. سعادت و سلامت خانواده به وجود ارتباطات سالم و بالنده زوجین بستگی دارد و چنانچه پایه خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد، پیامد منفی آن انواع مشکلات جسمی و روانی است (ستیر^۴، ترجمه بیرشک، ۱۳۹۳).

1Rozette, Chick and Chavin. 1
marital satisfaction 2

رضایت زناشویی را می‌توان احساس عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر زمانی که تمام جوانب ازدواجشان را در نظر می‌گیرند، دانست و در واقع نگرش مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (الیس^۱، ۱۹۸۹). رضایت زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر مسلمان از با هم بودن احساس طمأنینه و آرامش دارند و این وضعیت هنگامی به دست می‌آید که هر دوی آنها از لحاظ مسائل شخصیتی (روان‌آزرده‌خویی، همراهی و توافق، بدبین یا پارانویاگونه) سالم، پخته و بهنجار بوده و دارای مهارت‌های مختلف مرتبط با زندگی زناشویی (مهارت ارتباطی کلامی و غیرکلامی، مهارت ارتباط جنسی، مهارت مدیریت امور مالی، مهارت مدیریت ارتباط فامیلی) بوده و دارای پایبندی مذهبی به ویژه در امور مرتبط با حیا و عفاف باشند (جدیری، ۱۳۹۵).

تحقیقات نشان داده‌اند که عوامل متعددی از جمله مسائل شخصیتی، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندپروری، نقش‌های مساوات طلبی و جهت‌گیری مذهبی، شیوه‌های ارتباطی مؤثر در حل تعارضات زناشویی، احترام متقابل، روابط قبل از ازدواج، همخوانی باورهای زوج، سن ازدواج، فاصله سنی زوجین، همسان همسری قومی و مذهبی، مدت زمان زندگی مشترک، تعداد فرزندان خانواده و ترکیبی از عوامل فوق در رضایت مندی زناشویی مؤثر است (کاستا و کار^۲، ۱۹۹۲ و محمودیان، ۱۳۸۵). علاوه بر علل مطرح شده در رضایت زناشویی به نظر می‌رسد که دو عامل خوش‌بینی^۳ (نوری، ۱۳۸۸ و مردانی، حموله، حیدری، ۱۳۸۹) و آخرت‌نگری (آزادخانی، ۱۳۹۲) تأثیر خاصی در رضایت زناشویی داشته باشند که اولی ناظر به چگونگی تعامل زوجین نسبت به هم و دومی مربوط به جهت‌دهی رفتارها و اعمال و تعامل‌های آنهاست.

از دیدگاه روان‌شناسی، خوش‌بینی انتظار کلی وقوع امور خوشایند و مطلوب فراوان و امور نامطلوب کم در آینده است و به این باور مربوط می‌شود که آینده، پیامدهای مطلوبی خواهد داشت، بدون اینکه توانایی فرد برای کنترل و مواجهه با این پیامدها در نظر گرفته شود (لیونز، استورت، آرکیلود و کارتر^۴، ۲۰۰۹). خوش‌بینی از دیدگاه اسلام، توجه شناختی و عاطفی

Ellis 1

Casta & Mc Care, 1992 2

optimism 3

Lyons, Stewart, Archblod & Carter 4

مثبت نسبت به خدا، جهان، افراد، خود، افکار، رفتارها و رویدادهاست که فرد بر اساس آن، رویدادها را تفسیر مثبت نموده، و انتظار دارد که با تلاش خودش اوضاع بر وفق مراد پیش رفته و نتایج دلخواه به دست آید (نوری، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

نتایج پژوهش شریفی و همکاران (۱۳۹۶)، نشان دهنده این است که خوش بینی بر مبنای توجه به جنبه های مثبت زندگی، ارائه تفسیرهای صحیح از رفتار دیگران و انتظار نتایج خوشایند، بر پایه توجه و تفسیرهای مثبت مبتنی است. انسان های خوش بین از تعادل و سلامت روانی برخوردار بوده و در مناسبات با دیگران، تمایل دارند که به افکار، عملکردها و رفتارهای آنان از دریچه مثبت بنگرند و تحقق این معنا در روابط خانوادگی، به ویژه روابط همسران از اهمیت بسیاری برخوردار است (پناهی، ۱۳۸۸).

داشتن نگاه مثبت نسبت به مسائل زندگی و تبیین های خوش بینانه از حوادث ناخوشایند، بر توانایی رویارویی با مشکلات تأثیر می گذارد. فرد با تلاش و چاره جویی، انتظار دارد امور غالباً مطابق نظر او پیش روند و همین امر کوشش او را مضاعف می کند. بنابراین، می توان گفت: نگاه مثبت نسبت به مشکلات و ناگواری هایی که در زندگی پیش می آید، بر حالات عاطفی و بهبود روابط زوجین تأثیر می گذارد و موجب افزایش رضایت زناشویی می گردد (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸).

نتایج پژوهش ایمانی و همکاران (۱۳۹۴) نشان می دهد که بین خوش بینی و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و زوجین خوش بین با اسنادهای درست نسبت به همدیگر در تعاملات زناشویی باعث افزایش رضایت زناشویی می شوند. شریفی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده اند که زوجین خوش بین، افرادی حمایت گر هستند، روابط مسالمت آمیزی با یکدیگر برقرار می کنند، ویژگی های مثبت همدیگر را می بینند و خطاهای همدیگر را می بخشند و به دنبال برطرف کردن مشکلات یکدیگر و تلاش در جهت شکوفا شدن استعداد های هم می باشند.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در ایجاد و افزایش رضایت زناشویی، آخرت نگری می باشد. از حیث نظری، آخرت نگری وضعیتی است که در آن فرد آخرت نگر زندگی را محدود در این دنیا نمی بیند، بین دنیا و آخرت، آخرت را اصل قرار می دهد و در فکر و عمل و عواطف، جهت گیری آخرتی داشته و دنیا را مقدمه آخرت می داند (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

باورهای آخرت نگرانه برگرفته شده از اصل ایمان به معاد و حیات پس از مرگ است. این

باورها نه تنها در حوزه بینش و شناخت تأثیر قاطع دارند، بلکه بر عملکرد و رفتارهای فردی و گروهی نیز فوق‌العاده مؤثرند (طوبایی، ۱۳۸۵).

در این اندیشه، نگاه استقلالی به دنیا و جهت‌گیری رفتارها در این جهت، نمی‌تواند بشر را به سرمنزل مقصود برساند، بلکه هنگامی سعادت انسان دست‌یافتنی خواهد بود که جهت‌گیری تمام افکار و اندیشه‌ها و رفتارها و عواطف او در این دنیا در جهت رسیدن به تکامل اخروی باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۱). این نوع طرز فکر و جهت‌گیری در بین زوجین باعث ارتقای کمی و کیفی تعاملات زناشویی شده و رضایت زناشویی را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا بین جهت‌گیری مذهبی با رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود داشته و بر اساس جهت‌گیری مذهبی فرد می‌توان میزان رضایتمندی زناشویی را نیز پیش‌بینی کرد، هر چه افراد جهت‌گیری مذهبی بیشتری داشته باشند رضایت آنها از زندگی زناشویی بیشتر خواهد بود (موقوفه‌ای، ۱۳۹۴). چنانچه نتایج به دست آمده از تحقیق آزاد خانی (۱۳۹۲) مؤید وجود رابطه معنادار بین آخرت‌نگری با رضایتمندی زناشویی و امیدواری می‌باشد و همچنین یافته‌های تحقیق نایینی و شفیع آبادی (۱۳۹۶)، نقش مثبت مذهب را در افزایش رضایت زناشویی نشان می‌دهد و عدم رضایت برخی از زوجین را به علت عمل نکردن و عدم تعهد به آموزه‌های مذهبی بیان می‌کند. بنابراین تعهد مذهبی و عمل به این آموزه‌های مذهبی نقش عمده‌ای را در افزایش رضایت زناشویی زوجین ایفا می‌کند. تحلیل داده‌های تحقیق احمدی (۱۳۹۲) نشان داده است که بین پایبندی مذهبی و رضایتمندی زناشویی رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد و پایبندی مذهبی نقش پیش‌بینی‌کننده در رضایت زناشویی دارد و با افزایش پایبندی مذهبی میزان رضایت زناشویی افزایش یافته است. بنابراین باورهای آخرت‌نگرانه در دادن معنا و مفهوم به زندگی زوجین و نجات آنها از احساس پوچی، افزایش صبر بر مشکلات، ایجاد آرامش روحی، جهت‌دهی به رفتارها و انجام رفتارهای صحیح، می‌تواند در رضایتمندی زناشویی آنان نقش مؤثری داشته باشد.

با توجه نکات گفته شده و با عنایت به خلأ پژوهشی درباره آخرت‌نگری با رضایت زناشویی و رابطه توأمان دو متغیر خوش بینی و آخرت‌نگری با رضایت زناشویی، این سوال مطرح میشود که آیا بین خوش بینی اسلامی و آخرت‌نگری با رضایت زناشویی اسلامی رابطه معناداری وجود دارد؟ و سؤال اساسی‌تر اینکه سهم این دو متغیر از پیش‌بینی رضایت زناشویی چقدر است؟. بنابراین فرضیه‌های این پژوهش بدین صورت بررسی شدند: الف) آخرت‌نگری و خوش بینی

می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند، ب) بین خوش‌بینی و آخرت‌نگری با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش و ماهیت، یک پژوهش همبستگی از نوع توصیفی (غیر آزمایشی) است که در آن خوش‌بینی و آخرت‌نگری متغیرهای پیش‌بین و رضایت زناشویی نیز متغیر ملاک در نظر گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش مورد نظر عبارت است از کلیه طلاب مرد متأهل سطوح عالی (از پایه ۵ تا ۷ سال سابقه شرکت در درس خارج) که در سال ۹۸ در شهرک مهدیه طلاب قم سکونت دارند و بالغ بر ۷۰۰ نفر می‌باشند که از این میان ۱۸۴ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اصلی مورد استفاده در این پژوهش نیز پرسشنامه است؛ به گونه‌ای که برای سنجش خوش‌بینی از پرسشنامه خوش‌بینی اسلامی نوری (۱۳۸۸) استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۶۰ سؤال و سه مؤلفه (توجه به جنبه‌های مثبت، تفسیر مشکلات و رویدادها، انتظار مثبت) ۲۱ زیر مؤلفه و شصت گزاره می‌باشد. این پرسشنامه به شیوه لیکرت طراحی شده و برای هر گزاره آن، پنج گزینه از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، لحاظ شده است. اعتبار و روایی این پرسشنامه با توجه به اینکه بالاتر از ۸۰٪ به دست آمده است از روایی و اعتبار قابل قبولی برخوردار است (نوری، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر جهت سنجش آخرت‌نگری از پرسشنامه آخرت‌نگری ابراهیمی (۱۳۹۰) استفاده گردید. این پرسشنامه بر اساس آیات و روایات استخراج شده از منابع دین مقدس اسلام ساخته شده است و از ۵ خرده مقیاس تکلیف‌گریزی، آمادگی، آخرت‌محوری، تعالی و لذت‌جویی، تشکیل یافته است که از ۴۴ سؤال و ۵ درجه تشکیل شده است و از پاسخ مثبت کاملاً موافقم شروع می‌شود و به سمت پاسخ منفی کاملاً مخالفم پیش می‌رود. آلفای کرونباخ پرسشنامه برابر با ۰٫۸۵ گزارش شده است که نشان‌دهنده همسانی درونی مورد قبول است. در برآورد اعتبار آن از طریق دو نیمه سازی، همبستگی بین نیمه اول با نیمه دوم ۰٫۸۶ به دست آمد که مقادیر قابل قبولی است.

همچنین جهت سنجش رضایت زناشویی از پرسشنامه رضایت زناشویی اسلامی جدیری استفاده شد. پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی توسط جدیری (۱۳۹۵) تهیه و تنظیم شده

است و از نه مؤلفه، ارتباط جنسی، ارتباط کلامی و غیرکلامی منفی، ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت، رفت و آمد فامیلی، پایبندی مذهبی، مدیریت امور مالی، روان‌آزرده خویی، موافق و همراه و بدبین و پاراناوگویه تشکیل شده است. این آمون از ۵۰ سؤال تشکیل شده است که برای هر يك از پرسش‌های این پرسش نامه، پنج گزینه منظور شده است. گزینه پرسش‌ها عبارتند از: همیشه، اغلب اوقات، گاهی، به ندرت و هرگز؛ بجز پرسش‌های ۹، ۱۰، ۲۶، ۳۵، ۳۹، ۴۰. ضریب همسانی درونی گویه‌های پرسشنامه رضامندی زناشویی اسلامی برابر با ۰/۸۷ می‌باشد. همچنین ضرایب اسپیرمن براون در صورت تساوی و عدم تساوی تعداد گویه‌ها ۰/۸۱۶ و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۱۵ می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که پرسشنامه رضامندی زناشویی که بر اساس معیارهای اسلامی ساخته شده است، اعتبار نسبتاً بالایی دارد.

همچنین در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها از روش آماری همبستگی جهت تعیین ضریب همبستگی و از روش رگرسیون گام به گام جهت تعیین قدرت پیش بینی هر یک از متغیرهای خوش بینی و آخرت‌نگری در رضایت زناشویی استفاده گردید.

یافته‌ها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف از معیار	میانگین		انحراف از معیار	میانگین	
۰/۷۲۷۴۵	۳/۴۵۶۴	توجه به امکانات و فرصت‌های موجود	۰/۴۴۷۳۴	۳/۹۶۷۱	رضایت زناشویی
۰/۷۳۶۰۶	۳/۴۱۶۵	توجه به استعداد و توانایی‌های خود	۰/۵۴۱۵۳	۴/۱۲۷۳	ارتباط جنسی
۰/۷۱۸۰۴	۳/۴۸۰۵	توجه به موفقیت‌های خود در زندگی	۰/۶۰۹۳۰	۴/۰۸۹۲	ارتباط کلامی و غیرکلامی منفی
۰/۶۸۵۱۴	۳/۲۹۵۱	توجه به خصلت‌های مثبت دیگران	۰/۷۷۳۴۷	۳/۵۲۶۲	ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت
۰/۶۸۲۵۰	۳/۳۶۶۳	توجه به رفتار و اعمال مثبت دیگران	۰/۶۵۰۴۸	۳/۷۱۵۴	رفت و آمد فامیلی

انحراف از معیار	میانگین		انحراف از معیار	میانگین	
۰,۷۲۲۴۵	۳,۳۸۸۸	توجه به سخنان مثبت دیگران	۰,۴۵۰۴۳	۴,۷۶۵۱	پایبندی مذهبی
۰,۷۵۶۵۴	۳,۴۶۲۰	توجه به افکار مثبت خود	۰,۸۷۴۱۹	۳,۸۸۴۶	مدیریت امور مالی
۰,۶۸۱۷۹	۳,۵۲۵۶	توجه به پیامدکارها	۰,۵۷۲۹۹	۳,۷۸۹۲	روان آزرده خوبی
۰,۶۶۵۲۸	۴,۰۵۷۸	درس گرفتن از سختی‌ها و گرفتاری‌ها	۰,۶۱۰۱۶	۴,۱۸۲۸	موافق و همراه
۰,۶۸۷۴۰	۳,۳۷۲۳	موقت دانستن مشکلات	۰,۴۶۶۹۸	۳,۶۳۳۲	بدبین و پارانواگویه
۰,۷۶۳۵۵	۳,۸۱۳۵	قابل حل دانستن مشکلات	۰,۴۱۷۵۵	۳,۷۲۴۶	آخرت‌نگری
۰,۵۷۹۳۳	۳,۶۲۵۳	موثر دانستن خود، خدا و دیگران در وقوع رویدادها	۰,۵۵۲۰۱	۳,۲۸۸۳	تکلیف‌گریزی
۰,۷۸۴۹۳	۴,۰۳۰۶	سپاس‌گزاری از خدا و دیگران	۰,۵۱۹۱۳	۳,۷۱۳۸	آمادگی
۰,۷۴۰۷۴	۲,۸۱۵۴	عدم شکایت از مشکلات	۰,۴۸۰۶۵	۴,۱۱۶۹	آخرت‌محوری
۰,۷۶۳۷۱	۴,۲۵۸۷	انتظار کمک از سوی خدا	۰,۵۵۷۰۳	۳,۹۳۲۳	تعالی
۰,۷۵۱۱۳	۳,۵۸۶۹	انتظار وقوع رویدادهای ناخوشایند	۰,۶۸۵۸۹	۳,۴۷۹۹	لذت‌جویی
۰,۶۸۰۹۵	۳,۰۲۹۵	انتظار کار درست از دیگران	۰,۴۵۶۹۷	۳,۵۴۲۷	خوش‌بینی
۰,۶۶۵۰۶	۳,۱۳۹۲	اعتماد به دیگران	۰,۷۴۰۷۱	۴,۰۷۴۸	توجه به ویژگی خدا
۰,۷۳۴۰۰	۳,۲۰۴۰	کمک به دیگران	۰,۷۵۰۷۶	۳,۸۰۴۵	توجه به زیبایی‌های جهان و اسرار خلقت

همانطور که مشاهده می‌کنید میانگین اکثر متغیرها در یک طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت بالای

عدد ۳ می باشد که این پدیده خبر از توافق نسبی آن متغیر در نمونه است. همچنین استیون در مطالعات خود در سال ۲۰۰۲ بیان کرد که تنها پاسخ های جمع آوری شده از نمونه ای اعتبار دارد که پراکندگی آنها برای هر متغیر بالای ۰٫۵ باشد. خوشبختانه اکثر انحراف معیارها بالای عدد ۰٫۵ می باشد که این خبر از حذف آدم های بی تفاوت از مجموعه پاسخ دهندگان است.

آلفای کرونباخ

جدول (۲) - آلفای کرونباخ

متغیرها	آلفای کرونباخ	تعداد گویه
رضایت زناشویی	۰٫۹۳۳	۵۰
آخرت نگرى	۰٫۸۲۸	۴۴
خوش بینی	۰٫۹۳۳	۶۰

آلفای کرونباخ که بر اساس همبستگی سؤالات یک متغیر سنجدیده می شود باید مقدار آن بالای عدد ۰٫۷ باشد. کلیه متغیرها دارای آلفای کرونباخ بالاتر از ۰٫۷ می باشد.

پژوهش حاضر بررسی دو فرضیه اصلی می باشد:

۱. بین خوش بینی و آخرت نگرى با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. خوش بینی و آخرت نگرى می توانند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند.

جدول (۳) - همبستگی متغیر رضایت زناشویی، آخرت نگرى و خوش بینی

		آخرت نگرى	خوش بینی
رضایت زناشویی	همبستگی پیرسون	۰٫۴۴۱**	۰٫۲۵۴**
	Sig	۰٫۰۰۰	۰٫۰۰۰

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود رضایت زناشویی با آخرت نگرى (۰٫۴۴۱) و خوش بینی (۰٫۲۵۴) رابطه مثبت و معناداری دارند.

مدل رگرسیونی پژوهش از دو متغیر ملاک آخرت نگرى و خوش بینی و یک متغیر پیش بین رضایت زناشویی تشکیل شده است.

نرمال بودن متغیرهای پژوهش که یکی از پیش فرض‌های اجرای مدل رگرسیونی می‌باشد با توجه به مقدار چولگی و کشیدگی تأیید گردید. علاوه بر نرمال بودن متغیرها، خطاهای آنها نیز باید نرمال باشند و با توجه به نمودار هیستوگرام بیش از ۶۵ درصد داده‌ها زیر خط منحنی می‌باشد. بنابراین خطاها نیز دارای توزیع نرمال می‌باشد. یکی دیگر از پیش فرض‌های مدل رگرسیونی عدم هم خطی متغیرهای مستقل است که با شاخص‌های تلرانس و VIF سنجیده می‌شود. این شاخص‌ها به ترتیب هر کدام باید بیشتر از ۰٫۱ و کوچک‌تر از ۱۰ می‌باشند. با توجه به مقادیر آنها در جدول ضرایب رگرسیونی عدم هم خطی متغیرها تأیید می‌شود. همچنین مقدار آماره دوربین واتسن که یکی از پیش فرض‌های اجرای مدل رگرسیونی می‌باشد و تنها آزمونی است که عدم هم خطی خطاهای مدل رگرسیونی را تشخیص می‌دهد در جدول نشان داده شده است که دارای مقدار ۱٫۸۱۹ می‌باشد که عدم هم خطی را تأیید می‌کند.

جدول (۴) - تحلیل واریانس

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig.
رگرسیون	۵٫۸۹۶	۲	۲٫۹۴۸	۱۷٫۳۶۷	۰٫۰۰۰b
باقی‌مانده	۳۰٫۷۲۴	۱۸۱	۰٫۱۷۰		
کل	۳۶٫۶۲۰	۱۸۳			

بر اساس جدول (۴)، شاخص F یا فیشر تنها شاخصی است که کیفیت و برازش مدل رگرسیونی را می‌سنجد. از آنجا که مقدار sig کمتر از ۰٫۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۹ درصد شاخص فیشر معنادار و مدل رگرسیونی دارای برازش مناسبی می‌باشد.

جدول (۵) - نتایج تحلیل واریانس

مدل	R	R ^۲	خطای باقی مانده	آماره دوربین واتسن
	۰٫۴۴۲	۰٫۱۹۵	۰٫۴۱۲۰۱	۱٫۸۱۹

در قالب مدل رگرسیونی چندگانه پیش از آنکه تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته سنجیده شود، ابتدا رابطه متغیرهای مستقل به صورت یکجا سنجیده می‌شود. همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ۰٫۴۴۲ است. همچنین

متغیرهای مستقل روی هم رفته ۱۹/۰ درصد از متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند.

جدول (۶) - ضرایب مدل رگرسیونی

هم‌خطی متغیرهای مستقل		Sig.	T	ضرایب غیراستاندارد		مدل	
VIF	تلورانس			ضرایب استاندارد	خطا		
				بتا	ضرایب		
		۰,۰۰۰	۵,۸۷۵		۰,۳۳۸	۱,۱۴۸	عرض از مبدا
۱,۲۴۸	۰,۸۰۱	۰,۰۰۰	۴,۵۶۱	۰,۴۲۰	۰,۰۹۷	۰,۴۴۹	آخرت‌نگری
۱,۲۴۸	۰,۸۰۱	۰,۵۹۰	۱,۳۰۸	۰,۰۴۲	۰,۰۷۴	۴۱,۰	خوش‌بینی

مقدار بتا شدت تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار بتا متغیر آخرت‌نگری ۰,۴۲۰ درصد از متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند و با توجه به مقدار sig که کمتر از مقدار ۰,۰۵ است معنادار می‌باشد و متغیر آخرت‌نگری بر روی رضایت زناشویی تأثیر معناداری دارد و فرضیه تأیید می‌گردد.

متغیر خوش‌بینی با رضایت زناشویی با توجه به مقدار بتای ۰,۰۴۲ که در واقع ۴ درصد از متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند، با توجه به مقدار sig که بیشتر از ۰,۰۵ است این تأثیر معنادار نمی‌باشد. یعنی نمی‌توان بر اساس متغیر خوش‌بینی رضایت زناشویی را پیش‌بینی نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، شناسایی رابطه خوش‌بینی اسلامی و آخرت‌نگری با رضایت زناشویی اسلامی است. فرضیه‌های پژوهش حاضر این است که بین این سه متغیر رابطه معناداری وجود دارد و خوش‌بینی و آخرت‌نگری می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. این پژوهش در جامعه طلاب معیّل سطوح عالی شهرک مهدیه انجام گرفت و بر همین اساس به جمع‌آوری اطلاعات میدانی از نمونه‌ای در دسترس به تعداد ۱۸۴ نفر از طلاب متأهل این مجموعه پرداخته است.

در رابطه با فرضیه اول تحقیق، با توجه به یافته‌های آماری فرضیه مورد نظر تأیید گردید؛ یعنی یافته‌ها حکایت از وجود رابطه بین خوش‌بینی و آخرت‌نگری با رضایت زناشویی

می‌کند. نتیجه به دست آمده فوق، با نتایج تحقیقات دیگر همخوانی دارد. چنانچه نتایج به دست آمده از تحقیق آزاد خانی (۱۳۹۲) مؤید وجود رابطه معنادار بین آخرت‌نگری با رضایتمندی زناشویی و امیدواری می‌باشد و همچنین یافته‌های تحقیق نایینی و شفیع آبادی (۱۳۹۶)، نقش مثبت مذهب را در افزایش رضایت زناشویی نشان می‌دهد. همچنین موافق با پژوهش محمدیان (۱۳۸۹) می‌باشد که بیان می‌کند جهت‌گیری مذهبی بالاتر پیش‌بینی‌کننده مناسبات سالم و رضایتمندی زناشویی بیشتر در میان زوجین می‌باشد.

در مورد فرضیه دوم با توجه به نتیجه حاصل از تحلیل داده‌ها از طریق شاخص R^2 یا R Square یا ضریب تعیین که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل روی هم رفته چه میزان از رفتار متغیر وابسته رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند، به دست آمد که متغیرهای مستقل روی هم رفته ۱۹٪ درصد از متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد. این نتیجه با یافته‌های فرجی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین سطح انتظارات زناشویی، خودکارآمدی رابطه، خوش‌بینی با رضایت زناشویی در زنان متأهل شهرستان داراب، همخوانی دارد که نشان داد بین سطح انتظارات زناشویی، خودکارآمدی رابطه، خوش‌بینی با رضایت زناشویی زنان متأهل شهرستان داراب همبستگی معنادار وجود دارد. تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای پیش‌بین حدود ۲۶ درصد متغیر ملاک را تبیین می‌کند.

در تحلیل نتیجه فوق با توجه به مؤلفه‌های آخرت‌نگری می‌توان چنین نتیجه گرفت که: اولویت یافتن آخرت در دیدگاه و زندگی زوجین، می‌تواند به عنوان عاملی مهم در سازگاری زناشویی محسوب گردد و در این موقعیت مشکلات زندگی مشترک به عنوان یکی از مظاهر زندگی مادی در نزد فرد کم‌اهمیت جلوه می‌کند و در نهایت سطح رضایتمندی آنها افزایش می‌یابد.

پیش‌بینی کند و این نتیجه با نتایج تحقیقات دیگر همخوانی دارد چنانچه نتایج به دست آمده از تحقیق آزاد خانی (۱۳۹۲) مؤید وجود رابطه معنادار بین آخرت‌نگری با رضایتمندی زناشویی و امیدواری می‌باشد و نشان داد که آخرت‌نگری می‌تواند به میزان قابل توجهی رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی کند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که هرچقدر آخرت‌نگری در زوجین زیاد باشد رضایت زناشویی هم بیشتر می‌شود؛ چرا که وقتی فرد آخرت‌نگر می‌شود، انتظار می‌رود که در زندگی زناشویی و در تعامل با همسر آخرت را در

نظر گرفته و گزینشی رفتار کند. از رفتارها و گفتارهایی که موجب اذیت و نارضایتی همسرش می‌باشد و موجب عقاب اخروی می‌شود، اجتناب کند و کم و کاستی‌های او را به خاطر خدا و سعادت اخروی با رضایت خاطر بپذیرد و با مشکلات زندگی کنار بیاید. بنابراین همه این موارد زمینه افزایش رضایت زناشویی زوجین را فراهم می‌کند.

اما متغیر خوش بینی تنها توانست ۴ درصد (جدول ۱۷-۴) از متغیر رضایت زناشویی را پیش بینی کند؛ بنابراین میزان پیش بینی کنندگی آن ضعیف می‌باشد؛ یعنی نمی‌توان بر اساس متغیر خوش بینی رضایت زناشویی را به میزان قابل توجهی پیش بینی نمود. این نتیجه با نتیجه به دست آمده از تحقیق فهیم دانش (۱۳۹۷) همخوانی دارد. ایشان در پایان نامه‌اش خود با عنوان «پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس بخشش، خوش بینی و شفقت به خود» به این نتیجه رسید که دو متغیر شفقت به خود و بخشش می‌توانند به میزان قابل توجهی رضایت زناشویی را پیش بینی کنند؛ اما نتوانست رضایت زناشویی را به میزان قابل توجهی پیش بینی کند؛ ولی نتیجه فوق با نتایج برخی از تحقیقات که در آنها میزان پیش بینی کنندگی بین متغیر خوش بینی و رضایت زناشویی به میزان قابل توجهی به دست آمده، همخوانی ندارد چنانچه یافته‌های فرجی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین سطح انتظارات زناشویی، خودکارآمدی رابطه، خوش بینی با رضایت زناشویی در زنان متأهل شهرستان داراب، نشان داد که بین سطح انتظارات زناشویی، خودکارآمدی رابطه، خوش بینی با رضایت زناشویی زنان متأهل شهرستان داراب همبستگی معنادار وجود دارد. تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای پیش بین حدود ۲۶ درصد متغیر ملاک را تبیین می‌کند. همچنین اقدسی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «رابطه خوش بینی و بخشش با رضایت زناشویی در زوجین» به این نتیجه رسیده‌اند که خوش بینی و بخشش قادرند تغییرات رضایت زناشویی را در زوجین به میزان قابل توجهی پیش بینی کنند. در تفسیر اینکه خوش بینی نتوانست به میزان قابل توجهی رضایت زناشویی را پیش بینی کند، هر چند به نظر می‌رسد عوامل خارجی دیگری در به دست آمدن این نتیجه دخالت داشته باشد؛ ولی با توجه به اینکه متغیر خوش بینی با بیشتر مؤلفه‌های رضایت زناشویی رابطه معناداری ندارد (جدول ۲۱) می‌توان گفت که صرف خوش بینی نمی‌تواند رضایت زناشویی را تضمین کند. به عنوان نمونه مدیریت امور مالی و رابطه جنسی مطلوب و پایبندی‌های مذهبی تنها به وسیله خوش بینی قابل دستیابی نیست. در رفت و آمدهای فامیلی و ارتباط

های کلامی مسائلی پیش می‌آید که خوش بینی نمی‌تواند باعث تأثیر نگذاشتن این مسائل در رضایت زناشویی شود.

اولین فرضیه این پژوهش این بود که خوش بینی و آخرت‌نگری می‌توانند به میزان قابل توجهی رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. نتیجه حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که با توجه به مقدار بتا متغیر آخرت‌نگری 0.42 درصد از متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند و با توجه به مقدار sig که کمتر از مقدار 0.05 است معنادار می‌باشد و متغیر آخرت‌نگری بر روی رضایت زناشویی تأثیر معناداری دارد و می‌تواند آن را پیش‌بینی کند و این نتیجه با نتایج تحقیقات دیگر همخوانی دارد؛ چنانچه نتایج به دست آمده از تحقیق آزاد خانی (۱۳۹۲) مؤید وجود رابطه معنادار بین آخرت‌نگری با رضایتمندی زناشویی و امیدواری می‌باشد و نشان داد که آخرت‌نگری می‌تواند به میزان قابل توجهی رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی کند؛ ولی متغیر خوش‌بینی با رضایت زناشویی با توجه به مقدار بتای 0.42 که در واقع 4 درصد از متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند با توجه به مقدار sig که بیشتر از 0.05 است این تأثیر معنادار نمی‌باشد، یعنی نمی‌توان بر اساس متغیر خوش‌بینی رضایت زناشویی را پیش‌بینی نمود. این نتیجه با نتیجه به دست آمده از تحقیق فهیم دانش (۱۳۹۷) همخوانی دارد. ایشان در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس بخشش، خوش‌بینی و شفقت به خود» به این نتیجه رسیده که دو متغیر شفقت به خود و بخشش می‌توانند به میزان قابل توجهی رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند؛ اما بین خوش‌بینی و رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار وجود ندارد و خوش‌بینی نتوانست رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. نتیجه پژوهش حاضر با نتایج بسیاری از تحقیقات که در آنها وجود رابطه و پیش‌بینی‌کنندگی بین متغیر خوش‌بینی و رضایت زناشویی به دست آمده، همخوانی ندارد و در علت آن احتمالات متعددی به نظر می‌رسد که به آن اشاره می‌کنیم:

الف) متفاوت بودن پرسشنامه‌ها: در همه تحقیقات انجام شده که مؤید وجود رابطه و پیش‌بینی‌کنندگی بین متغیر خوش‌بینی و رضایت زناشویی است، پرسشنامه‌هایی استفاده شده است که با پرسشنامه پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد. در پژوهش حاضر برای اولین بار از پرسشنامه خوش‌بینی اسلامی نوری و رضایت زناشویی اسلامی جدیری استفاده شده است که با پرسشنامه‌های غیر اسلامی استفاده شده در تحقیقات دیگر متفاوت است؛ از این رو به نظر می‌رسد این تفاوت در ابزارهای پژوهشی موجب شده است نتیجه متفاوت به دست آید.

ب) تفاوت جامعه آماری: جامعه آماری در پژوهش حاضر بر خلاف تحقیقات دیگر، برای اولین بار طلاب متأهل سطوح عالی هستند که با توجه به متفاوت بودن این جامعه از جهات مختلف با جامعه آماری غیر طلبه، موجب به دست آمدن نتیجه متفاوت شده است.

ج) عدم دقت و اهتمام در جواب دادن به پرسشنامه‌ها: با توجه به حساسیت و احتیاط و جو حاکم بر جامعه مورد نظر استقبال خوبی در پذیرش پرسشنامه و تکمیل کردن آنها از سوی نمونه آماری حاصل نشد. و وجود پرسش نامه رضایت زناشویی که مربوط به حریم خصوصی زوجین می‌باشد، باعث مضاعف شدن حساسیت و عدم استقبال می‌شد. از این رو احتمال داده می‌شود که نمونه مورد نظر در جواب دهی به پرسشنامه‌ها دقت لازم و کافی را نداشته‌اند.

بر اساس زیر مقیاس تکلیف‌گریزی، همسران آخرت‌نگر، نسبت به خدا و خود و همسر و زندگی‌شان احساس تکلیف و مسئولیت کرده و وظایف خود را درست انجام می‌دهند و چون می‌دانند که در قیامت باید جواب‌گوی اعمال خود باشند؛ لذا در تعاملات خود مخصوصاً با همسر رضایت الهی و پاداش اخروی را در نظر می‌گیرند. از این رو در تعامل با همسر روش درست و صحیح را انتخاب می‌کنند که این امر موجب می‌شود رضایت زناشویی در بین زوجین آخرت‌نگر افزایش یابد.

با توجه به زیر مقیاس آمادگی زوجین آخرت‌نگر تمامی اعمال خود را دارای اثر اخروی که همان ثواب و عقاب هست، می‌دانند. آنها بر این باور هستند که هر کس بعد از مرگ نتیجه اعمال خود را می‌بیند و زندگی سعادت‌مند اخروی آنها در سایه اعمال و رفتارهای نیک آنها در دنیا است؛ لذا در تعامل با همدیگر به نوع رفتار و گفتار دقت کرده و آنهایی را به کار می‌گیرند که دارای ثواب بوده و ذخیره آخرت آنها باشد و این دقت در گزینش تعامل بین همسران باعث افزایش رضایتمندی آنها می‌شود.

همچنین مطابق زیر مقیاس آخرت‌محوری که منعکس‌کننده دیدگاه اولویت یافته آخرت‌گرایانه در همسران است، تمام رویدادها، رفتارها و کوشش‌های زوجین با محوریت آخرت سازمان می‌یابد. مطابق زیر مقیاس تعالی، همسرانی که آخرت‌نگر هستند برای اینکه به مقامات عالی انسانی برسند تمامی اعمالشان را برای رضایت خداوند متعال انجام می‌دهند. هم در گزینش رفتار و گفتار توجه دارند و هم در تاب‌آوری و تحمل ناملایمات و کاستی‌ها و مشکلات با همسر رضایت خدا و رسیدن به کمال را مد نظر قرار می‌دهند.

اگر کاری برای همسر می‌کنند یا اگر مشکلات زندگی را تحمل می‌کند، از روی اکراه و اجبار نمی‌باشد بلکه از آنها برای رسیدن به مقامات عالی انسانی و کسب رضایت الهی، استقبال می‌کند که این امر رضایت‌مندی زناشویی را در چنین خانواده‌ای افزایش می‌دهد.

بر اساس زیر مقیاس لذت جویی که به طور معکوس آخرت‌نگری را می‌سنجد، زوجین دنبال لذت‌های زودگذر و دنیوی نیستند و این‌طور نیست که تمام همتشان صرف چنین هدف شود؛ چرا که آنها لذت‌های اخروی و بهشت را بر لذت‌های اندک دنیوی ترجیح می‌دهند و تلاششان این است که طوری در دنیا عمل کنند که بتوانند در آخرت به این لذت‌ها دست پیدا کنند. بنابراین به زندگی خود اهمیت قائل شده و آن را صرف لذت‌های بیهوده و پست و حقیر نمی‌کنند. همسران اگر آخرت برتی آنها ملاک نباشد فقط به دنبال لذت‌های دنیوی و فوری و ظاهری می‌باشند و وقتی این لذت را در کنار هم بودن، نیافتند یا اگر در زندگی با مشکلاتی مواجه شدند، زود از همدیگر دلسرد شده و از همدیگر فاصله می‌گیرند در حالی که در زوجین آخرت‌نگر اگر در دنیا حتی به مشکلاتی برخورد کردند صبر و تحمل آنها مقدمه‌ای برای زندگی سعادت‌مند اخروی می‌دانند. از این رو مشکلات زندگی مشترک به عنوان یکی از مظاهر زندگی مادی در نزد فرد کم اهمیت جلوه می‌کند و در نهایت سطح رضایت‌مندی آنها افزایش می‌یابد.

در تفسیر رابطه بین خوش‌بینی با رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های خوش‌بینی می‌توان چنین گفت که: بر اساس مؤلفه توجه مثبت، زوجین خوش‌بین به امکانات، فرصت‌ها، توانمندی‌ها، خوبی‌ها، عشق، محبت، زیبایی‌ها و به خدا به عنوان عالی‌ترین منبع زیبایی‌ها و خوبی‌ها توجه دارند و در مورد همسرشان هم بیشتر به جنبه‌های مثبت و داشته‌ها و خوبی‌ها و حسن‌ها توجه دارند. بنابراین از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند. بر خلاف زوجین بدبین که بیشتر به جنبه‌های منفی، شکست‌ها، فقدان‌ها، کمبودها و کجی‌ها توجه دارند؛ لذا در روابط زناشویی غالباً به جنبه‌های منفی همسر و کاستی‌ها و نقص‌ها و عیب‌ها توجه داشته و از رضایت زناشویی پایین‌تری برخوردار هستند.

همچنین طبق مؤلفه تبیین خوش‌بینانه و مثبت، زوجین تمایل دارند امور ناگوار را به جنبه «آزمایش و درس دانستن سختی‌ها» و «موقت بودن رویدادهای مثبت و منفی» و «انتساب کارها به خدا، خود و دیگران» نسبت دهند (نوری، ۱۳۸۸). نگاه مثبت نسبت به مشکلات و ناگواری‌هایی که در زندگی زناشویی پیش می‌آید، بر حالات عاطفی و بهبود روابط

زوجین تأثیر می‌گذارد و موجب افزایش رضایت زناشویی می‌گردد (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸). همسران خوش بین طبق آموزه‌های دین اسلام برخی از کاستی‌ها و عیب‌ها و مشکلات را از روی مصلحت الهی دانسته و به جنبه آزمایشی بودن آن تأکید دارند و همیشه مصلحت و رضایت خداوند را ملاک قرار می‌دهند؛ لذا در همه مسائل و رخداد‌های زندگی زناشویی صبر کرده و بر خداوند توکل می‌کنند و با رضایت بیشتر با همسر تعامل می‌کنند.

با توجه به مؤلفه **انتظار مثبت**، خوش بینی زمانی به افزایش رضایت زناشویی کمک می‌کند که همسران نسبت به آینده خود خوش بین و امیدوار باشند و نسبت به وقوع رویدادهای آینده و برنامه‌های زندگی خودشان نظر و انتظار مثبت داشته باشند. زوجین خوش بین سعی می‌کنند از همدیگر انتظار معقول و منطقی داشته باشند و نسبت به آینده زندگی خود، از آن جهت که به جنبه‌های مثبت و داشته‌ها و توانمندی‌های خود بیشتر توجه دارند و خداوند متعال را همیشه باور و پشتیبان خود می‌دانند، امیدوار بوده و با احساس آرامش و رضایت بیشتری زندگی زناشویی را پیش می‌برند.

بنابراین زوجین آخرت نگر و خوش بین در تعاملات زناشویی رضایت زناشویی بیشتری را تجربه خواهند کرد.

محدودیت‌ها و پیشنهاد‌های پژوهش

این پژوهش نیز همانند پژوهش‌های انسانی دیگر دارای محدودیت‌هایی است؛ اول اینکه در پژوهش حاضر، از سه پرسشنامه استفاده شد. زیاد بودن تعداد پرسش‌ها و سؤالات باعث خستگی آزمودنی می‌شد، می‌تواند موجب محدودیت تعمیم نتایج شود. دوم اینکه با توجه به جامعه و نمونه آماری که همگی از طلاب حوزه علمیه بوده و معمولاً واجد ویژگی مذهبی هستند در تعمیم نتایج به دیگر افراد، می‌بایستی احتیاط لازم انجام گیرد. با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های پژوهش حاضر، می‌توان پیشنهاد‌هایی ارائه داد که زمینه‌های پژوهشی و کاربردی تازه را فراهم می‌آورد. اول آنکه پژوهشی مشابه در نمونه‌ی که هر دو زوج حضور داشته باشند انجام گیرد.

ضمناً پژوهش مشابهی در جامعه‌ای گسترده‌تر یا سایر جوامع با ترکیب جمعیتی متفاوت باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه با استفاده از پرسشنامه‌های خوش بینی و رضایت زناشویی غیراسلامی انجام گرفته و تفاوت آن با نتایج این پژوهش مقایسه شود.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- خدا پناهی، محمد کریم (۱۳۸۰)، *روان شناسی فیزیولوژیک*، تهران: سازمان تهیه و تدوین کتب علوم اسلامی (سمت).
- ابراهیمی سبیزی، محمد و تجربه کار، مهشید (۱۳۹۳)، *اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر میزان احساس کهنتری، افکار خودکار منفی و سخت رویی زنان مطلقه سرپرست خانوار*، تهران: مؤسسه آموزش عالی مهر ارونند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- صالحی فدردی، جواد؛ باقری نژاد، مینا؛ فرزانه، زهرا و طالبیان شریف، جعفر (۱۳۹۰)، «بررسی بینی ساختار انگیزشی و رضایت زناشویی»، *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، شماره ۱، ص ۱۳۳-۱۵۲.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۶)، *رضایت از زندگی*، چاپ پنجم، قم: دار الحدیث.
- جدیری، جعفر و جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس رضامندی زناشویی اسلامی»، *روان شناسی و دین*، ش ۸.
- جدیری، جعفر (۱۳۹۵)، *طراحی پروتکل زناشویی درمان گری با رویکرد اسلامی و امکان سنجی آن در بهبود رضایت زناشویی*، پایان نامه دکتری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- توکلی، مهین (۱۳۷۷)، *تأثیر شیوه های مقابله با تنیدگی بر سلامت روان در دانش آموزان دبیرستان های تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- تیواری، کدازنات؛ *دین شناسی تطبیقی*، ترجمه مرضیه (لوئیز) شنکابی (۱۳۹۶)، چاپ اول، تهران: سمت.
- بلوچ، یونس؛ جمشید زهی، بهروز؛ محمود زهی، صدیق و یارمحمد زهی گرنچی، حفیظ (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل مؤثر در رضایت زناشویی»، *اولین کنگره ملی علوم انسانی و وقف*، اهواز، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خوزستان.
- ابراهیمی، ابوالفضل و جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۷)، «رابطه مهارت های ارتباطی و رضایت زناشویی»، *فصلنامه روان شناسی در تعامل با دین*، سال اول، شماره ۱، ص ۱۶۵-۱۷۶.
- جلالی هنومرور، بهار (۱۳۸۵)، *بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر رضایتمندی زوجین جوان یزدی از زندگی زناشویی با تأکید بر سرمایه اجتماعی*، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا رحمته الله علیه.
- حسینی زاده، سید مهدی (۱۳۸۲)، *جوان و آرامش روان (به کوشش علی نقی فقیهی)*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رابرت. ال. سولسو (۱۹۳۳م)، *روان شناسی شناختی*، ترجمه فرهاد ماهر (۱۳۷۱)، تهران: رشد.
- سلیگمن، مارتین و همکاران (۱۳۸۳)، *کودک خوش بین*، ترجمه فروزنده داورپناه، تهران: رشد.

- سوزنچی، حسین (۱۳۸۴)، **آفتاب اندیشه: زندگی پس از مرگ** (جلد چهارم از مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های دینی)، تهران: دفتر کمک آموزشی رشد.
- ستیر، ویرجینیا (بی‌تا)، **آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده**، ترجمه بهروز بیرشک (۱۳۹۳)، چاپ یازدهم، تهران: رشد.
- شاملو، سعید (۱۳۷۸)، **بهداشت روانی**، چاپ سیزدهم، تهران: رشد.
- عبادی، ندا و فقیهی، علی نقی (۱۳۸۸)، «بررسی اثربخشی آموزش مثبت‌نگری در افزایش امید به زندگی زنان بدون همسر شهر اهواز؛ با تأکید بر قرآن»، **مجله روان‌شناسی و دین**، سال سوم، شماره ۲، ص ۶۱-۷۴.
- عسکری، پرویز و همکاران (۱۳۸۸)، «رابطه اعتقادات مذهبی و خوش بینی با سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز»، **فصلنامه یافته‌های نو در روان‌شناسی**، سال چهارم، شماره ۱۰.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- علمی، قربان (۱۳۸۰)، «نقش دین و اعتقادات دینی در بهداشت روان»، **مجموعه چکیده مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان**، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.
- غباری بناب، باقر و خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۰)، «رابطه توکل به خدا با اضطراب و صبر و امیدواری در شرایط ناگوار»، **مجموعه چکیده مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان**، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.
- فروم، آلن (۱۳۷۸)، **درون‌های ناآرام**، ترجمه علی زنجیره‌ای، چاپ اول، تهران: اوحدی.
- قربانی، زین العابدین (۱۳۷۲)، **بسوی جهان ابدی**، چاپ سوم، قم: شفق.
- کیوییت، دان (۱۳۷۶)، **دریای ایمان**، ترجمه حسن کامشاد، تهران: طرح نو.
- لوتانز و همکاران (۱۳۹۲)، **سرمایه روان‌شناختی سازمان**، ترجمه عبدالرسول جمشیدیان و محمد فروهر، تهران: آبیژ.
- حسینی زاده، سید مهدی (۱۳۸۲)، **جوان و آرامش روان (به کوشش علی نقی فقیهی)**، چاپ اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- مطهری، جمشید (۱۳۸۰)، «به سوی سلامت روان»، **فصلنامه معرفت**، شماره ۴۶.
- ناس، جان بی (۱۳۸۲)، **تاریخ جامع ادیان**، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ سیزدهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۷)، **حدیث و روان‌شناسی**، ترجمه حمید رضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های سلامی.
- نراقی، ملا مهدی (۱۳۷۸ق)، **جامع السعادات**، چاپ سوم، نجف: مطبعه.
- کار، آلن (بی‌تا)، **روان‌شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان**، ترجمه حسن پاشاشریفی، جعفر نجفی زند و باقر ثنائی (۱۳۹۱)، تهران: سخن.
- حسنی، رمضانعلی؛ احمدی، محمدرضا و میردریکوندی، رحیم (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین خوش بینی

- اسلامی، خوش بینی آموخته شده سلیگمن و امنیت روانی»، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*. سال چهارم، شماره ۴، ص ۷۵-۱۰۲.
- حسنی، رمضانعلی (۱۳۹۰)، *بررسی رابطه بین خوش بینی اسلامی، خوش بینی آموخته شده سلیگمن و امنیت روانی*، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
 - نوری، نجیب‌الله (۱۳۸۸)، *بررسی رابطه بین خوش بینی سرشتی، خوش بینی از دیدگاه اسلام و رضایتمندی از زندگی*، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
 - نوری، نجیب‌الله (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه میان انگیزه پیشرفت و خوش بینی»، *فصلنامه روان‌شناسی در تعامل با دین*، سال اول، شماره ۲.
 - نوری، نجیب‌الله (۱۳۸۷)، «الگوی نوین از مؤلفه‌های خوش بینی از منظر نهج البلاغه»، *مجله معرفت*، شماره ۱۳۵ ع ص ۳۸-۵۱.
 - ریو، جان مارشال (۱۳۸۱)، *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: رشد.
 - سلیگمن، مارتین ای. پی؛ رایویچ، کارن؛ کاکس، لیزا جی و گیلهام، جین (۱۹۹۵م)، *کودک خوش بین؛ برنامه‌ای آزموده شده برای ایمن ساختن همواره کودکان در برابر افسردگی*، ترجمه فروزنده داوریانه (۱۳۹۶)، تهران: رشد.
 - کاظمی، فرزاد (۱۳۹۶)، *بررسی مدل رابطه بین ذهن آگاهی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری همدلی زناشویی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز.
 - فراهانی، حجت‌الله؛ قربانعلی پور، مسعود؛ برجعلی، احمد و مقدس، لیلیا (۱۳۸۶)، «تعیین اثربخشی آموزش تغییر سبک زندگی به شیوه گروهی بر افزایش رضایت زناشویی»، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، سال چهارم، شماره ۳، ص ۷۲-۷۵.
 - فاتحی زاده، مریم و احمدی، سید احمد (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال اول، شماره ۲، ص ۱۰۹-۱۲۰.
 - جمشیدی، محمد علی؛ نوری پور لیاولی، رقیه؛ جان بزرگی، مسعود و فردین، محمد علی (۱۳۹۴)، «اثربخشی توانمندسازی کارکردی زوجین مبتنی بر رویکرد اسلامی بر رضایتمندی زناشویی زنان»، *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، سال دهم، شماره ۳۱، ص ۷-۳۵.
 - نظری، محمد علی (۱۳۸۹)، *مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی*، تهران: علم.
 - نورانی پور، رحمت‌الله؛ بشارت، محمد علی و یوسفی، اسکندر (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی»، *فصلنامه علمی و پژوهشی تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال ششم، شماره ۴، ص ۲۷-۴۰.
 - اولیاء، نرگس؛ فتاحی زاده، مریم و بهرامی، فاطمه (۱۳۸۸)، «تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش صمیمیت زوجین»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۱۹-۱۳۴.
 - سجادی اناری، سید سعید (۱۳۹۴)، *اثربخشی آموزش دلبستگی پیش از زایمان بر دلبستگی عاطفی*

- نسبت به جنین و رضایت زناشویی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی.
- جنیدی، الهام؛ نورانی، شهلا و شاکری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «مقایسه رضایت جنسی زنان بارور و نابارور مراجعه کننده به مراکز دولتی شهر مشهد»، *فصلنامه باروری و ناباروری*، سال دهم، شماره ۴، ص ۲۶۹-۲۷۷.
 - آزاد خانی، نفیسه (۱۳۹۲)، *رابطه آخرت‌نگری با امیدواری و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه.)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی، دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه.).
 - عبداللهی، زهره سادات (۱۳۹۶)، *بازشناسی مفهوم آخرت‌گرایی از منظر نهج البلاغه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه گرایش اخلاق و تربیت فردی و اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند.
 - ابراهیمی، ابوالفضل؛ هادی بهرامی، احسان (۱۳۹۱)، «تهیه اعتباریابی مقیاس سنجش آخرت‌نگری؛ یک مطالعه مقدماتی»، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، شماره ۴، ص ۵۳-۷۰.
 - ابراهیمی، ابوالفضل؛ هادی بهرامی، احسان (۱۳۹۰)، «رابطه آخرت‌نگری با سلامت در دانشجویان دانشگاه تهران و طلاب علوم دینی حوزه علمیه قم»، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، شماره ۲، ص ۴۵-۶۲.
 - ابراهیمی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «باورهای آخرت‌نگرانه و رابطه آنها با سلامت روان»، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، سال اول، شماره ۳، ص ۱۰۷-۱۲۵.
 - منظری توکلی، وحید و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس آخرت‌نگری»، *مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه.)*، دوره نهم، شماره ۲، ص ۹-۲۸.
 - هادی بهرامی، احسان و تاشک، آناهیتا (۱۳۸۳)، «ابعاد رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، شماره ۶۹، ص ۴۱.
 - دیلمی، حسین (۱۳۷۱)، *ارشاد القلوب الی الصواب*، ج ۱، قم: الشریف الرضی.
 - پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص.ا.ه.)*، ج ۴، تهران: دنیای دانش.
 - شولتز آلن، سیدنی و شولتز، دوان (۲۰۰۵م)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۳)، چاپ ششم، تهران: ویرایش.
 - شعبانی، سمیه (۱۳۸۸)، *تدوین مدل روابط خودکارآمدی، حمایت اجتماعی و خوش بینی در پیش‌بینی کنندگی بهزیستی ذهنی در دانشجویان دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
 - پروین، لارنس و جان، الیور (۲۰۰۱م)، *روان‌شناسی شخصیت*، ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: رسا.

• Costa, P. T., & Mc Care, R. R. (1992), Normal personality assessment in clinical practice: the NEO personality inventory, psychological assessment», *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 4, 1-5

- Powell, F.C., and Thorson, J. A. (1991), Constractions of death among those high in intrinsic religious motivation: A factor-analytic study, *Death Studies*, 15(2), 131–138.
- Levin, J. S. & Vanderpool, H. Y. (1989), “Is religion therapeutically significant for hypertension?” *Social Science & Medicine*, 19, 49– 11.
- Jarvis, G. K. & Northcott, G. C. (1987), “Religion and differences in morbidity and mortality”, *Social Science & Medicine*, 15, 812–884.
- Seligman, M. E., & Csikszentmihalyi, M. (2000), Positive psychology: An introduction, *American Psychological Association* (Vol. 55, No. 1, p. 5).
- Peterson, Christopher (2000), The Future of Optimism. *Journal of American Psychologist*. 55, 44 – 55 .
- Seligman (2000), *Optimism and Health Benefits*. May, 14, 2000 From the World Wide Web: File//A:\seligmanb57. Htm
- Luthans, F.; Youssef, C.M & Avolio, B.J. (2004), *Psychological capital: Developing the Human competitive edge*. Oxford, UK: Oxford university press.
- Brandon, Eric A. (2006), *The effect of age on optimism*, CALIFORNIA STATE SCIENCE FAIR 2006 PROJECT SUMMARY, project Number 30–40.
- Scheier, M. F., & Carver, C. S. (2002), Optimism, coping, and health: Assessment and implications of generalized outcome expectancies. *Health Psychology*, 4, 219–247.
- Patton, Wendy; Bartrum, Dee A. and Creed, Peter A. (2004), Gender differences for optimism, self esteem, expectations and goals in predicting career planning and exploration in adolescents. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, Volum 4 (3), pages 193–209.
- Adital, B. & Lavee, Y. (2005), Dyadic characteristics of individual attributes: attachment, neuroticism, and their relations to marital quality and closeness. *American Journal of Orthopsychiatry*, 4, 621.

اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ (ص ۸۵-۱۰۶)

رابطه جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی با مکانیسم‌های دفاعی

Relationship of Religious Orientation and Attachment Styles with Defense Mechanisms

دکتر محمد حسین کفیل / کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.
حسن تقیان / استادیار گروه روان‌شناسی جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.
محمد مهدی صفوراوی / دانشیار روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Mohammad Hossein Kafil / Master of Counseling and Guidance, Institute of Ethics and Education, Qom, Iran.
Hosseinkafil@gmail.com

Hassan Taghian / Assistant Professor, Department of Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
Dr. Mohammad Mahdi Safouraie / Associate Professor of Educational Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

ABSTRACT

The present study aims at investigating the relationship of religious orientation and attachment styles with defense mechanisms among seminary students in level two in Qom seminary. 174 subjects were selected through sampling. To do the research, three questionnaires were used: Allport and Ross religious orientation scale (21 items), Hazan and Shaver's attachment style questionnaire (15 items), and defense mechanism scale by Andrews et al (40 items). The data were analyzed using mean, standard deviation, Pearson's correlation coefficient, and multiple regression as well as SPSS software. The obtained results showed a meaningful positive relation between religious orientation and defense mechanisms. Besides, they showed a meaningful positive relation between attachment styles and defense mechanisms. Investigation of independent variables of the study

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان رابطه جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی با مکانیسم‌های دفاعی در بین طلاب سطح دو حوزه علمیه قم انجام شد. روش پژوهش توصیفی همبستگی بود. تعداد ۱۷۴ نفر از آنها به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای انجام این پژوهش از سه پرسشنامه «جهت‌گیری مذهبی آلپورت و راس»، «سبک‌های دلبستگی هازان و شایور» و «مکانیسم‌های دفاعی اندروز و همکاران» استفاده شد. داده‌ها توسط میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و با کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد بین جهت‌گیری مذهبی و مکانیسم‌های دفاعی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی نیز رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. بررسی متغیرهای

(religious orientation and attachment styles) also showed a meaningful positive relation between them. The data analysis showed a meaningful positive relation between external religious orientation and non-grown defense mechanisms. It showed that there is also a meaningful positive relation between avoidance attachment style and non-grown defense mechanisms. It also showed a meaningful relation between ambivalent attachment style and non-grown mechanisms on the one-hand and neurotic defense mechanism on the other hand. Besides, it showed that there is a meaningful positive relation between safe attachment style and external religious orientation as there is a meaningful relation between ambivalent attachment style and external religious orientation.

KEYWORDS: religious orientation, attachment styles, defense mechanisms, seminary students, Qom seminary.

مستقل پژوهش با یکدیگر (یعنی جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی) نیز بیانگر رابطه مثبت معنی‌دار بین آن دو بود. در تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی اجتنابی و مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بین سبک دلبستگی دوسوگرا هم با مکانیسم‌های رشدنیافته و هم با مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی ایمن با جهت‌گیری مذهبی بیرونی و نیز بین سبک دلبستگی دوسوگرا با جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی، سبک‌های دلبستگی، مکانیسم‌های دفاعی، طلاب، حوزه علمیه قم

مقدمه

فروید (۱۹۲۳) مکانیسم‌های دفاعی^۱ را راهبردهای ناهشیار «ایگو»^۲ برای کنترل ابراز تکانه‌های غیرقابل قبول «اید»^۳ می‌داند که فرد را از له شدن زیر فشار اضطراب ناشی از شناخت هشیارانه آن تکانه‌ها و به تبع آن از هم‌گسیختگی شخصیت محافظت می‌کند. این راهبردها به سه دسته رشدیافته، رشدنیافته و روان‌رنجور تقسیم می‌شود. مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته بیشتر از دو قسم دیگر، زمینه واقع‌بینی و واقعیت‌سنجی را برای فرد فراهم کرده، سلامت و بهداشت روانی بیشتری را نیز سبب می‌گردد. دین و مذهب به عنوان فلسفه و مکتبی کامل که برنامه همه‌جانبه‌ای را برای زندگی انسان

1. defense mechanisms

2. ego

3. id

ارائه می‌دهد از موضوع روان و نیازهای روانی انسان غافل نبوده و نیل به آرامش و تعادل روانی را در گرو ایمان، پایبندی به ارزش‌ها و آموزه‌های دینی که مبتنی بر ویژگی‌ها و نیازهای فطری انسان است، می‌داند. خدای متعال درباره اهل هدایت می‌فرماید: «آنان کسانی هستند که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن است» (رعد، ۲۸).^۱

از مصادیق دین‌داری افراد، جهت‌گیری مذهبی^۲ آنان است. جهت‌گیری مذهبی، عبارت است از اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعه و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت نزدیک شدن به خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۵). درباره مفهوم جهت‌گیری مذهبی از میان رویکردها و نظریه‌های مختلف، دیدگاه «گوردون آلپورت»^۳ بیشترین تأثیر و کارایی را داشته است. آلپورت (۱۹۵۰) مذهب را به عنوان فلسفه وحدت‌بخش زندگی توصیف می‌کند و آن را یکی از عوامل بالقوه مهم برای سلامت روان دانسته، معتقد است نظام ارزشی مذهبی بهترین زمینه را برای یک شخصیت سالم آماده می‌کند (به نقل از خوانین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). در عین حال وی اذعان می‌کند که تمام افرادی که ادعای مذهبی بودن دارند، الزاماً دارای شخصیت سالم نمی‌باشند. از نظر آلپورت جهت‌گیری مذهبی به دو شکل درونی و بیرونی است. جهت‌گیری مذهبی درونی، مذهبی فراگیر، دارای اصول سازمان‌یافته و درونی شده است که خود، غایت و هدف است و نه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف. شخصی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارد با مذهبش زندگی می‌کند و مذهبش با شخصیتش یکی می‌شود. در مقابل، شخصی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارد، مذهب با شخصیت و زندگی‌اش تلفیق نشده است و برای او صرفاً وسیله‌ای است که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد (کالدشتاد، ۱۹۹۵ و کلانینگر، ۱۹۹۶).

دل‌بستگی^۴ نیز به عنوان یک رابطه هیجانی خاص تعریف می‌شود که طی آن لذت، مراقبت و آرامش تبادل می‌گردد. گرچه برای اولین بار زیگموند فروید^۵ (۱۸۵۶) به اهمیت

۱. «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب»، رعد، ۲۸.

2. religious orientation
3. Allport
4. attachment
5. Sigmund Freud

رابطه کودک با مراقبین اولیه خود پی برد؛ اما تأثیرگذارترین نظریه را در این مورد جان بالبی^۱ (۱۹۷۳) روان‌پزشک انگلیسی ارائه داده است. او با کمک گرفتن از سایر نظریه‌های موجود در روان‌شناسی، تعریفی گسترده از دلبستگی ارائه داده است. بالبی بر اساس نظریه کردارشناسی و مشاهدات گونه‌های دیگر انواع، تأکید می‌کند که فرزند آدمی نیز مثل سایر انواع، نیاز به بودن در کنار کسی را دارد که از او مراقبت کند و با وی رابطه برقرار کند و اگر این رابطه و مراقبت نبود نسل آدمی پابرجا نمی‌ماند (کرین، ترجمه فرید فدایی، ۱۳۸۵).

هازان^۲ و شیور^۳ (۱۹۸۷) بر اساس نظریه دلبستگی بالبی، دلبستگی بزرگسالی را در سه طبقه ارائه کرده‌اند:

سبک ایمن^۴: این افراد در برقراری روابط صمیمی راحت هستند و تمایل دارند برای دریافت حمایت به دیگران اتکا کنند و اطمینان دارند که دیگران آن‌ها را دوست دارند.

سبک دوسوگرا^۵: این افراد برای برقراری روابط نزدیک تمایل شدیدی دارند؛ اما در عین حال نگرانی بسیاری از طرد شدن دارند.

سبک اجتنابی^۶: برای این دسته از افراد مسئله مهم و ارزشمند، خوداتکایی است. زمانی که این احتمال وجود داشته باشد که از طرف دیگران طرد شوند با انکار نیاز دلبستگی، در حفظ تصویر مثبت از خود سعی می‌کنند.

آنچه در تحقیقات اینثورث^۷ (۱۹۸۲) به عنوان تأثیر پایه ایمنی نامیده می‌شود، کودک را قادر می‌سازد تا شخص مورد دلبستگی را ترک کند و در محیط خود به جستجو بپردازد (کاپلان و سادوک، ۱۳۸۷).

از آنجا که کنش مهم فعالیت‌های مذهبی این است که فرد را در برابر عوامل تنیدگی‌زا توانمند می‌کند (فقیهی، ۱۳۸۴) و همچنین شماری از پژوهش‌ها بیانگر وجود ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی می‌باشد (میلوسکی، ۲۰۰۲)؛ می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که آیا جهت‌گیری مذهبی افراد تأثیری بر استفاده آنها از مکانیسم‌های دفاعی

1. John Bowlby

2. Hazan

3. Shaver

4. secure attachment

5. resistant attachment

6. avoident attachment

7. Mary Ainsworth

رشدیافته، رشدنایافته و روان‌آزرده آنها دارد یا نه؟

همچنین از آنجایی که افراد با سبک دلبستگی ایمن با راحتی بیشتری به سوی تعاملات اجتماعی می‌روند و معمولاً شبکه حمایتی قوی‌تری را برای خود فراهم می‌آورند، زمینه سلامت روان بیشتر و خاطر آسوده‌تری را دارند و تعدادی از پژوهش‌هایی که صورت گرفته حاکی از آن است که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا اضطراب، استرس، تنیدگی و فشار روانی مضاعفی را به فرد تحمیل می‌کند (فینی و کرک پاتریک، ۱۹۹۶)؛ این سؤال مطرح می‌شود که آیا سبک‌های دلبستگی افراد رابطه‌ای با نوع مکانیسم‌های دفاعی مورد استفاده آنها دارد یا نه؟

در پژوهش حاضر کوشش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که آیا بین جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی با مکانیسم‌های دفاعی رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی (همبستگی) است. در این نوع تحقیق رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد.

برای بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی و رگرسیون خطی استفاده شده است. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss انجام گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش، طلاب سطح ۲ حوزه علمیه قم در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ می‌باشند. طلاب سطح ۲ به افرادی اطلاق می‌شود که مشغول به تحصیل در پایه هشتم یا پایه نهم تحصیلی حوزه علمیه باشند.

در مطالعات همبستگی برای تعداد نمونه می‌توان به این صورت عمل کرد که ۱۵ برابر تعداد متغیرهای تحقیق را به عنوان تعداد نمونه در نظر گرفت (هومن، ۱۳۹۳، ص ۲۲). با توجه به اینکه جهت‌گیری مذهبی دارای دو زیر مقیاس درونی و بیرونی است، سبک‌های دلبستگی دارای سه زیر مقیاس ایمن، اجتنابی و دوسوگرا است و مکانیسم‌های دفاعی دارای سه زیر مقیاس رشدیافته، رشدنایافته و روان‌آزرده است، مجموع متغیرهای پژوهش ما هشت متغیر می‌شود که با ضرب کردن در عدد ۱۵ مشخص می‌گردد به تعداد حداقل ۱۲۰ نمونه نیاز داریم؛ با این حال در این پژوهش، ۱۷۴ آزمودنی با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس

انتخاب گردیدند. بدین صورت که با حضور در برخی کلاس های درس، پرسشنامه توزیع گردیده و از ایشان خواسته شد موارد خواسته شده در پرسشنامه را مطابق با خلق و روحیات خود علامت بزنند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت و راس

جهت تعیین جهت گیری مذهبی از مقیاس جهت گیری مذهبی آلپورت استفاده می شود. آلپورت و راس در سال ۱۹۶۷ این مقیاس ۲۱ سؤالی را برای سنجش جهت گیری های مذهبی درونی و برونی تهیه کردند. این آزمون در سال ۱۳۷۷ در ایران ترجمه و توسط جان بزرگی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱؛ و پایایی باز آزمایشی آن ۰/۷۴ است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ جهت گیری مذهبی بیرونی ۰/۷۱۲ و برای جهت گیری مذهبی درونی ۰/۵۲۹ به دست آمد.

پرسشنامه سبک های دلبستگی هازن و شیور

جهت تعیین سبک دلبستگی ایمن یا نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) مقیاس دلبستگی بزرگسالان با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) (۱۵ سؤالی) ساخته شده و در ایران توسط بشارت (۲۰۰۵) در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش های خرده مقیاس های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶) محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شد.

در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ سبک دلبستگی ایمن ۰/۳۱ و برای سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۵۱ و برای سبک دلبستگی دوسوگرا ۰/۵۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه مکانیسم های دفاعی اندروز و همکاران

جهت تعیین مکانیسم های دفاعی از مقیاس DSQ-۴۰ (اندروز و همکاران، ۱۹۹۳) (۴۰

سؤالی) که در ایران توسط حیدری نسب (۱۳۸۵) بررسی و هنجاریابی شده است استفاده می‌گردد. اعتبار این پرسشنامه از طریق روش باز آزمایی و آلفای کرونباخ محاسبه شده است. بالاترین آلفای کلی در مردان دانشجو (۰/۸۱) و پایین‌ترین آلفای کل در دختران دانش‌آموز (۰/۶۹) مشاهده شد. همچنین بشارت و همکاران (۱۳۸۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای هر یک از سبک‌های رشدیافته، رشدنیافته و روان‌آزوده به ترتیب برابر ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ و ضریب اعتبار باز آزمایی را ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند.

در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته ۰/۶۱۴، برای مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته ۰/۷۳۶ و برای مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزوده ۰/۵۰۶ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت شاخص‌های توصیفی (شامل میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه) مرتبط با متغیرهای تحقیق ارائه می‌گردد.

متغیر جهت‌گیری مذهبی

جدول ۱- آمار توصیفی مرتبط با متغیر جهت‌گیری مذهبی (تعداد نمونه=۱۷۴)

جهت‌گیری مذهبی بیرونی	جهت‌گیری مذهبی درونی	
۱,۹۸۸۹	۳,۱۸۷۴	میانگین
۰,۴۲۵۷۸۰	۰,۳۸۶۶۸۰	انحراف معیار
۱,۱۷	۱,۷۸	کمینه
۳,۳۳	۳,۸۹	بیشینه

این متغیر دارای ۲ زیرمقیاس درونی و بیرونی است. کمینه نمره کسب شده برای زیر مقیاس درونی ۱,۷۸ و برای زیر مقیاس بیرونی ۱,۱۷ است. بیشینه نمره مربوط به زیرمقیاس درونی ۳,۸۹ و بیشینه نمره مربوط به زیرمقیاس بیرونی ۳,۳۳ است. میانگین زیرمقیاس درونی ۳,۱۸۷۴ با انحراف معیار ۰,۳۸۶۶۸ و میانگین زیرمقیاس بیرونی ۱,۹۸۸۹ با انحراف معیار ۰,۴۲۵۷۸ است.

متغیر سبک‌های دل‌بستگی

جدول ۲- آمار توصیفی مرتبط با متغیر سبک‌های دل‌بستگی (تعداد نمونه = ۱۷۴)

سبک دل‌بستگی	سبک دل‌بستگی	سبک دل‌بستگی	
دوسوگرا	اجتنابی	ایمن	
۲,۴۴۴۵	۲,۳۹۰۸	۳,۰۷۹۳	میانگین
۰,۶۶۲۶۴	۰,۵۵۴۶۲	۰,۵۱۴۶۵	انحراف معیار
۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۸۰	کمینه
۴,۸۰	۳,۶۰	۴,۲۰	بیشینه

این متغیر دارای ۳ زیرمقیاس ایمن، اجتنابی و دوسوگرا است. کمینه نمره کسب شده برای زیر مقیاس ایمن ۱,۸۰، برای زیرمقیاس اجتنابی ۱,۰۰ و برای زیر مقیاس دوسوگرا نیز ۱,۰۰ است. بیشینه نمره مربوط به زیرمقیاس ایمن ۴,۲۰، برای زیرمقیاس اجتنابی ۳,۶۰ و برای زیر مقیاس دوسوگرا ۴,۸۰ است. میانگین زیرمقیاس ایمن ۳,۰۷۹۳ با انحراف معیار ۰,۵۱۴۶۵، برای زیر مقیاس اجتنابی ۲,۳۹۰۸ با انحراف معیار ۰,۵۵۴۶۲ و برای زیرمقیاس دوسوگرا ۲,۴۴۴۵ با انحراف معیار ۰,۶۶۲۶۴ است.

متغیر مکانیسم‌های دفاعی

این متغیر دارای ۳ زیرمقیاس رشدیافته، رشدنیافته و روان‌آزرده است. کمینه نمره کسب شده برای زیر مقیاس رشدیافته ۵,۲۵، برای زیرمقیاس رشدنیافته ۴,۰۰ و برای زیر مقیاس روان‌آزرده ۷,۲۵ است. بیشینه نمره مربوط به زیرمقیاس رشدیافته ۱۶,۲۵، برای زیرمقیاس رشدنیافته ۱۳,۸۳ و برای زیر مقیاس روان‌آزرده ۱۶,۵۰ است. میانگین زیرمقیاس رشدیافته ۱۱,۴۴۱۲ با انحراف معیار ۲,۲۳۸۴۶، برای زیر مقیاس رشدنیافته ۸,۹۰۵۴ با انحراف معیار ۱,۹۰۶۴۸ و برای زیرمقیاس روان‌آزرده ۱۱,۸۱۷۸ با انحراف معیار ۲,۱۴۹۴۷ است.

جدول ۳ - آمار توصیفی مرتبط با متغیر مکانیسم‌های دفاعی (تعداد نمونه=۱۷۴)

میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	
۱۳,۷۳۶۸	۲,۵۱۷۲۵	۴,۰۰	۱۸,۰۰	دلیل تراشی
۵,۸۷۳۱	۳,۳۸۸۹۹	۲,۰۰	۱۸,۰۰	فرافکنی
۸,۵۷۳۳	۴,۰۳۲۸۷	۲,۰۰	۱۷,۰۰	انکار
۱۰,۷۴۵۴	۳,۷۳۷۹۴	۲,۰۰	۱۸,۰۰	همه کار توانی
۹,۰۷۳۶	۲,۹۳۷۰۲	۲,۰۰	۱۷,۰۰	نا ارزنده سازی
۸,۷۰۰۴	۳,۸۱۸۳۳	۲,۰۰	۱۸,۰۰	گذار به عمل
۹,۶۹۲۱	۴,۲۱۹۹۵	۲,۰۰	۱۸,۰۰	بدنی سازی
۸,۶۶۹۴	۴,۶۶۸۴۴	۲,۰۰	۱۸,۰۰	خیال‌پردازی اوتیستیک
۸,۲۷۱۷	۴,۰۴۱۳۲	۲,۰۰	۱۸,۰۰	لایه سازی
۷,۷۹۰۸	۳,۷۸۵۱۴	۲,۰۰	۱۸,۰۰	پرخاشگری منفعلانه
۸,۰۵۴۱	۳,۷۸۷۴۹	۲,۰۰	۱۷,۰۰	جابه‌جایی
۷,۶۸۴۶	۳,۸۰۴۸۴	۲,۰۰	۱۸,۰۰	مجزا سازی
۸,۹۰۵۴	۱,۹۰۶۴۸	۴,۰۰	۱۳,۸۳	رشدنا یافته
۱۱,۴۴۰۰	۳,۹۵۳۴۰	۲,۰۰	۱۸,۰۰	فرونشانی
۷,۷۲۰۱	۳,۴۲۰۳۶	۲,۰۰	۱۶,۰۰	والایش
۱۲,۰۸۱۴	۳,۶۳۱۵۷	۲,۰۰	۱۸,۰۰	شوخ طبعی
۱۴,۵۲۳۳	۲,۵۳۷۴۲	۵,۰۰	۱۸,۰۰	پیشاپیش‌نگری
۱۱,۴۴۱۲	۲,۲۳۸۴۶	۵,۲۵	۱۶,۲۵	رشدیافته
۱۳,۷۳۰۸	۲,۹۸۵۲۷	۴,۰۰	۱۸,۰۰	دیگر دوستی کاذب
۱۰,۱۷۶۷	۳,۷۱۱۹۴	۲,۰۰	۱۸,۰۰	تشکل
۱۱,۵۵۸۴	۳,۹۶۴۷۴	۲,۰۰	۱۸,۰۰	عقلانی سازی
۱۱,۸۰۵۲	۳,۵۲۱۶۴	۲,۰۰	۱۸,۰۰	ابطال
۱۱,۸۱۷۸	۲,۱۴۹۴۷	۷,۲۵	۱۶,۵۰	روان‌آزوده

تحلیل داده‌ها

ضرایب همبستگی

در این قسمت همبستگی متغیرهای مختلف تحقیق به وسیله ضریب همبستگی پیرسون ارائه می‌گردد.

رابطه جهت‌گیری مذهبی و مکانیسم‌های دفاعی

جدول ۴- ضریب همبستگی بین دو متغیر مکانیسم‌های دفاعی و جهت‌گیری مذهبی (N=۱۷۴)

بیرونی	درونی	
۰٫۲۶۶**	-۰٫۰۹۴	رشدنایافته
۰٫۰۶۶	۰٫۳۲۶**	رشدیافته
۰٫۱۹۲*	۰٫۰۶۸	روان‌آزرده

طبق یافته‌های پژوهش بین مکانیسم‌های دفاعی رشدنایافته و جهت‌گیری مذهبی بیرونی همبستگی وجود دارد. بدین معنا که هر قدر استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشدنایافته بیشتر باشد، جهت‌گیری مذهبی بیرونی نیز بیشتر است و بالعکس. همچنین بین مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته و جهت‌گیری مذهبی درونی نیز همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی استفاده بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه معناداری با جهت‌گیری مذهبی درونی دارد. به علاوه مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده نیز با جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه معنادار دارد.

رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی

جدول ۵- ضریب همبستگی بین دو متغیر سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی (N=۱۷۴)

روان‌آزرده	رشدیافته	رشدنایافته	
۰٫۰۳۴	۰٫۱۴۰	-۰٫۰۳۴	ایمن
۰٫۱۳۶	۰٫۰۹۲	۰٫۲۹۵**	اجتنابی
۰٫۲۷۹**	-۰٫۰۵۹	۰٫۴۲۴**	دوسوگرا

مقایسه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی نشان می‌دهد بین سبک دلبستگی اجتنابی و مکانیسم‌های دفاعی رشدنایافته رابطه وجود دارد. همچنین بین سبک

دلبستگی دوسوگرا هم با مکانیسم‌های دفاعی رشدنا یافته و هم با مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده رابطه معنی‌دار وجود دارد. بین سبک دلبستگی ایمن با هیچ‌کدام از مکانیسم‌های دفاعی رابطه‌ای مشاهده نشد.

رابطه جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی

جدول ۶- ضریب همبستگی بین دو متغیر سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی (N=۱۷۴)

بیرونی	درونی	
۰٫۱۵۸*	۰٫۰۹۴	ایمن
۰٫۰۶۴	۰٫۰۱۷	اجتنابی
۰٫۲۴۴**	-۰٫۱۱۰	دوسوگرا

همچنین مقایسه دو متغیر مستقل پژوهش با یکدیگر (جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی) نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین سبک دلبستگی ایمن با جهت‌گیری مذهبی بیرونی و نیز بین سبک دلبستگی دوسوگرا با جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌باشد.

رگرسیون چندگانه

در این قسمت همبستگی متغیرهای مختلف تحقیق به وسیله رگرسیون چندگانه ارائه می‌گردد. در اینجا زیرمقیاس‌های متغیر وابسته تحقیق (مکانیسم‌های دفاعی) به صورت جداگانه با دو متغیر مستقل تحقیق (جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی) مقایسه می‌گردد.

رگرسیون مکانیسم‌های دفاعی رشدنا یافته بر اساس جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی

جدول ۷- رگرسیون مکانیسم‌های دفاعی رشدنا یافته بر اساس جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی

مدل	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۵۵٫۳۸۲	۵	۳۱٫۰۷۶	۱۱٫۰۲۸	۰٫۰۰۰
باقیمانده	۴۷۳٫۴۱۵	۱۶۸	۲٫۸۱۸		
کل	۶۲۸٫۷۹۸	۱۷۳			

جدول ۸- ضرایب رگرسیون مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته بر اساس جهت‌گیری مذهبی و

سبک‌های دلبستگی

سطح معنی‌داری	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		ضرایب استاندارد Beta	خطای معیار B	
۰,۰۵۵	۱,۹۳۱		۱,۶۹۰	مقدار ثابت
۰,۳۶۱	۰,۹۱۵	۰,۰۷۴	۰,۲۹۹	ایمن
۰,۰۰۵	۲,۸۶۰	۰,۲۳۵	۰,۲۸۲	اجتنابی
۰,۰۰۰	۴,۴۰۵	۰,۳۱۸	۰,۲۰۸	دوسوگرا
۰,۴۹۱	-۰,۶۹۰	-۰,۰۴۸	۰,۳۴۰	درونی
۰,۰۳۱	۲,۱۷۰	۰,۱۵۵	۰,۳۱۹	بیرونی

رگرسیون چندگانه بین مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته با جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین آن‌ها می‌باشد.

دقت در ضرایب رگرسیون نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و نیز با جهت‌گیری مذهبی بیرونی است. از این بین همبستگی مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته با سبک دلبستگی دوسوگرا با ضریب ۰,۹۱۶ در رتبه اول، با سبک دلبستگی اجتنابی با ضریب ۰,۸۰۸ در جایگاه بعد و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی با ضریب ۰,۶۹۲ در جایگاه آخر است. مثبت بودن رابطه نشان‌دهنده افزایش مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته با افزایش سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و همچنین با افزایش جهت‌گیری مذهبی بیرونی است.

رگرسیون مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته بر اساس جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی

جدول ۹- رگرسیون مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته بر اساس جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی

سطح معنی‌داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	مدل
۰,۰۰۰	۶۳,۰۵	۲۷,۳۹۴	۵	۱۳۶,۹۶۹	رگرسیون
		۴,۳۴۵	۱۶۸	۷۲۹,۸۸۷	باقیمانده
			۱۷۳	۸۶۶,۸۵۵	کل

جدول ۱۰- ضرایب رگرسیون مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته بر اساس جهت‌گیری مذهبی و

سبک‌های دل‌بستگی

سطح معنی‌داری	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		ضرایب استاندارد Beta	خطای معیار B	
۰٫۶۲۴	۰٫۴۹۱		۲٫۰۹۸	مقدار ثابت
۰٫۰۲۲	۲٫۳۱۱	۰٫۱۹۷	۰٫۳۷۱	ایمن
۰٫۰۱۹	۲٫۳۷۵	۰٫۲۰۶	۰٫۳۵۱	اجتنابی
۰٫۲۰۴	-۱٫۲۷۶	-۰٫۰۹۸	۰٫۲۵۸	دوسوگرا
۰٫۰۰۰	۴٫۲۰۹	۰٫۳۵۷	۰٫۴۲۲	درونی
۰٫۲۳۹	۱٫۱۸۱	۰٫۰۸۹	۰٫۳۹۶	بیرونی

رگرسیون چندگانه بین مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته با جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دل‌بستگی نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین آن‌ها می‌باشد.

دقت در ضرایب رگرسیون نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته با سبک‌های دل‌بستگی ایمن و اجتنابی و نیز جهت‌گیری مذهبی درونی می‌باشد. از این بین همبستگی مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته با جهت‌گیری مذهبی درونی با ضریب ۱٫۷۷۴ در رتبه اول، با سبک دل‌بستگی ایمن با ضریب ۰٫۸۵۷ در جایگاه بعد و با سبک دل‌بستگی اجتنابی با ضریب ۰٫۸۳۳ در جایگاه آخر است.

رگرسیون مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده بر اساس جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دل‌بستگی

جدول ۱۱- رگرسیون مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده بر اساس جهت‌گیری مذهبی و

سبک‌های دل‌بستگی

سطح معنی‌داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	مدل
۰٫۰۰۱	۴٫۲۸۰	۱۸٫۰۶۲	۵	۹۰٫۳۱۱	رگرسیون
		۴٫۲۲۰	۱۶۸	۷۰۸٫۹۸۷	باقیمانده
			۱۷۳	۷۹۹٫۲۹۸	کل

جدول ۱۲- ضرایب رگرسیون مکانیسم های دفاعی روان آزرده بر اساس جهت گیری مذهبی و

سبک های دلبستگی

سطح معنی داری	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل	
		Beta	خطای معیار B		
۰,۰۱۳	۲,۵۰۶		۲,۰۶۸	۵,۱۸۲	مقدار ثابت
۰,۵۴۱	۰,۶۱۳	۰,۰۵۴	۰,۳۶۶	۰,۲۲۴	ایمن
۰,۳۲۵	۰,۹۸۷	۰,۰۸۸	۰,۳۴۶	۰,۳۴۱	اجتنابی
۰,۰۵۳	۳,۰۰۰	۰,۲۳۵	۰,۲۵۴	۰,۷۶۳	دوسوگرا
۰,۱۵۳	۱,۴۳۴	۰,۱۰۷	۰,۴۱۵	۰,۵۹۶	درونی
۰,۰۸۰	۱,۷۶۰	۰,۱۳۶	۰,۳۹۰	۰,۶۸۷	بیرونی

رگرسیون چندگانه بین مکانیسم های دفاعی روان آزرده با جهت گیری مذهبی و سبک های دلبستگی نشان دهنده وجود رابطه معنی دار بین آن ها می باشد. دقت در ضرایب رگرسیون نشان دهنده وجود رابطه معنی دار بین مکانیسم های دفاعی روان آزرده با سبک دلبستگی دوسوگرا با ضریب ۰,۷۶۳ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از تحقیق نشانگر تأیید فرضیه اول، یعنی وجود رابطه معنی دار بین جهت گیری مذهبی (به عنوان متغیر مستقل) و مکانیسم های دفاعی به عنوان متغیر وابسته می باشد.

در تجزیه و تحلیل داده ها مشخص شد بین جهت گیری مذهبی بیرونی و مکانیسم های دفاعی رشد نیافته همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد. بدین معنا که در پژوهش وجود جهت گیری مذهبی بیرونی پیش بینی کننده مکانیسم های دفاعی رشد نیافته بوده است.

هرچند در مقایسه این دو متغیر پژوهش های زیادی صورت نگرفته است، لکن تنها پژوهش موجود در این زمینه که مربوط به تلاش ایمان زاد و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «تأثیر نگرش مذهبی و معنویت گرایی بر مکانیسم های دفاعی» می باشد نیز نتایجی مشابه با پژوهش حاضر داشته است. طبق نتایج آن پژوهش تمامی ۱۴ مؤلفه مکانیسم های دفاعی

با جهت‌گیری مذهبی دارای ارتباط منفی (معکوس) بودند؛ ولی این ارتباط فقط در خصوص دو مؤلفه «جابجایی» و «خیال‌بافی» معنی‌دار بود.

همان‌طور که در مبانی نظری پژوهش نیز گذشت جهت‌گیری مذهبی درونی در افرادی وجود دارد که دین را به‌عنوان فلسفه وحدت‌بخش زندگی خود انتخاب نموده‌اند و در حقیقت با دین زندگی می‌کنند. دین برای آنها وسیله‌ای برای کسب آرامش، موفقیت، موقعیت اجتماعی و... نیست؛ بلکه هدف اساسی زندگی است (لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۵). طبق پژوهش‌های متعددی که به آن‌ها استناد گردید، جهت‌گیری مذهبی بیرونی که نگاه ابزاری به دین و دین‌داری دارد باعث افزایش تنش و اضطراب در فرد گشته (جان بزرگی، ۱۳۸۶)، موجبات استفاده بیشتر و غیرواقعیانه‌تر فرد را از مکانیسم‌های دفاعی جهت غلبه بر اضطراب ادراک شده، فراهم می‌نماید. چنین فردی به دلیل اضطراب مضاعف و نیز سایر هیجانات ناخوشایندی که تجربه می‌کند بیش از افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی ناچار به استفاده از مکانیسم‌های دفاعی است. افزایش هیجانات ناخوشایند می‌تواند فرد را به استفاده از مکانیسم‌های رشدنیافته و روان‌آزرده سوق دهد. چنان‌که در پژوهش حاضر مشاهده شد جهت‌گیری مذهبی درونی با استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته همبستگی مثبت دارد که تأیید همان فرضیه است.

همچنین نتایج به‌دست آمده از تحقیق نشانگر تأیید فرضیه دوم، یعنی وجود رابطه معنی‌دار بین سبک‌های دل‌بستگی (به‌عنوان متغیر مستقل) و مکانیسم‌های دفاعی به‌عنوان متغیر وابسته نیز می‌باشد.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بدین معنا که افزایش در سبک دل‌بستگی اجتنابی پیش‌بینی‌کننده افزایش در استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته می‌باشد. طبیعتاً بالعکس آن یعنی افزایش استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته نیز می‌تواند بیانگر افزایش در سبک دل‌بستگی اجتنابی باشد.

همچنین بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا هم با مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته و هم با مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده رابطه معنی‌دار وجود دارد. این نیز بدین معناست که افزایش در سبک دل‌بستگی دوسوگرا پیش‌بینی‌کننده افزایش در هر دو نوع مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته و روان‌آزرده است. در اینجا نیز بالعکس این قضیه به همان شکل است؛

یعنی افزایش استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته و روان‌آزرده پیش‌بینی‌کننده افزایش در سبک دلبستگی دوسوگرا است.

پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته‌اند نیز مؤید همین معنا هستند.

در پژوهشی که توسط نصیری، میکاییلی منیع و عیسی زادگان (۱۳۹۳) انجام گرفت، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سیستم‌های مغزی رفتاری با مکانیسم‌های دفاعی را در بین دانشجویان دانشگاه ارومیه در نیمسال تحصیلی ۹۴-۹۳ مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. سبک دلبستگی ایمن با مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته همبستگی مثبت و با مکانیسم‌های رشدنیافته و روان‌آزرده همبستگی منفی دارد. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی با مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته همبستگی مثبت و با مکانیسم‌های رشدیافته و روان‌آزرده همبستگی منفی دارد. همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا با مکانیسم‌های روان‌آزرده همبستگی مثبت و با مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته و رشدنیافته همبستگی منفی دارد.

محمدی و امیری (۱۳۹۳) نیز رابطه سبک‌های دلبستگی با مکانیسم‌های دفاعی در دانش‌آموزان دبیرستان را مورد مطالعه قرار دادند که نتایج حاصل از آن پژوهش نیز نشان داد که بین سبک دلبستگی شخص و سبک دفاعی وی رابطه معنی‌دار وجود دارد. آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته استفاده می‌کنند و آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی نایمن (دوسوگرا و اجتنابی) بیشتر از مکانیسم‌های رشدنیافته و روان‌آزرده استفاده می‌کنند.

در پژوهش دیگری غلامی زاده بهبهانی و مهری نژاد (۱۳۹۱) مکانیسم‌های دفاعی و سبک‌های دلبستگی در افراد معتاد و غیرمعتاد را بررسی و مقایسه کردند که نتایج به دست آمده نشان داد بین سبک‌های دلبستگی با مکانیسم‌های دفاعی رابطه وجود دارد.

همچنین عزیزی نژاد و همکاران (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی مقایسه‌ای سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی افراد مبتلا به وسواس فکری-عملی و افراد بهنجار نشان دادند که بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی رابطه معنی‌دار وجود دارد. در این پژوهش آزمودنی‌های دارای نمره بالا در سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به میزان کمتری از مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته استفاده می‌کردند. همچنین آزمودنی‌های

دارای نمره بالا در سبک دلبستگی دوسوگرا بیش از سایر آزمودنی‌ها از مکانیسم‌های دفاعی رشد‌نیافته استفاده می‌کردند.

بشارت، شریفی و ایروانی (۱۳۸۰) نیز رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی را مورد مطالعه قرار دادند که نتایج پژوهش نشان داد که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن بیش از آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) از مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته استفاده کردند و آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ناایمن بیش از آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن از مکانیسم‌های رشد‌نیافته و روان‌آزرده استفاده کردند. در بین آنها نیز آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا بیش از آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی اجتنابی از مکانیسم‌های دفاعی رشد‌نیافته و روان‌آزرده استفاده کردند.

همچنین بشارت (۱۳۹۱) نقش واسطه‌ای مکانیسم‌های دفاعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ناگویی هیجانی را مورد مطالعه قرارداد که مشخص شد مکانیسم‌های دفاعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ناگویی هیجانی تأثیر واسطه‌ای دارد. بدین معنی که سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن از طریق مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته، رشد‌نیافته و روان‌آزرده در دو جهت متضاد تغییرات مربوط به ناگویی هیجانی را پیش‌بینی می‌کند. همان‌طور که گذشت کاهش اضطراب یکی از کنش‌های سبک دلبستگی ایمن است. دلبستگی ایمن با کمک دو مشخصه اعتماد به خود و اعتماد به دیگران این امکان را در اختیار فرد ایمن قرار می‌دهد تا در موقعیت‌های تنیدگی‌زا و روابط اجتماعی از مکانیسم‌های رشدیافته‌تر استفاده کند. در مقابل سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا تنیدگی و نگرانی فزاینده‌ای را به فرد تحمیل می‌کنند و او را به استفاده از شیوه‌های دفاعی ناکارآمد وادار می‌سازند (فینی و کرک پاتریک، ۱۹۹۶) حلقه واسطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی در اینجا نیز اضطراب و سایر هیجانانات ناخوشایند است. افزایش اضطراب نیاز به کنترل آن را تشدید می‌کند و انسان را به استفاده از راهکارهای گوناگون برای رفع این رنج و الم‌وامی دارد. بالطبع جزء اولین راهکارهایی که توسط سطح ناهشیار روان انسان استفاده می‌گردد مکانیسم‌های دفاعی است. تشدید اضطراب موجب تشدید در استفاده از آنها می‌گردد و نیاز به استفاده از اشکال متنوع‌تری از آن را ضروری‌تر می‌نماید. نهایتاً افزایش اضطراب ناشی از سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) منجر به استفاده از مکانیسم‌های دفاعی

رشد نیافته و روان‌آزرده می‌گردد. همان‌گونه که یکی از فرضیات پژوهش بر آن قرار گرفت و انجام پژوهش بر روی جامعه نمونه آن را تأیید نمود.

نتایج به دست آمده از تحقیق نشانگر تأیید فرضیه سوم، یعنی وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر مستقل تحقیق یعنی جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی نیز می‌باشد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد بین سبک دلبستگی ایمن با جهت‌گیری مذهبی بیرونی و نیز بین سبک دلبستگی دوسوگرا با جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که آزمودنی‌های با سبک دلبستگی ایمن بیشتر، جهت‌گیری مذهبی‌شان نیز بیرونی‌تر بود. همچنین افرادی که در سبک دلبستگی دوسوگرا نمره بالاتری داشتند، نمره‌شان در جهت‌گیری مذهبی بیرونی نیز بالاتر بود.

در پژوهشی که خوانین‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) با عنوان مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی انجام دادند، تحلیل نتایج نشان داد دلبستگی ایمن در دانشجویانی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند بیش از دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی است به نحوی که دلبستگی ایمن به‌طور مستقیم و معنادار قدرت پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی درونی را دارا می‌باشد. سبک دلبستگی دوسوگرا در افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی به‌طور معناداری بیش از گروهی است که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند؛ اما از لحاظ دلبستگی اجتنابی بین دو گروه مورد مقایسه تفاوت معناداری مشاهده نشد.

همان‌گونه که گذشت به اعتقاد برخی روان‌شناسان بسیاری از جنبه‌های اعتقاد و تجربه مذهبی به‌ویژه آنهایی که مربوط به ارتباطات درک شده با خدا یا سایر تصویرهای فوق طبیعی هستند (حداقل قسمتی از آن)، عملکرد فرایندهای دلبستگی روان‌شناختی را منعکس می‌کنند. خدا همه خصوصیات تعریف‌کننده تصویر دلبستگی را که افراد برای دستیابی به پایگاهی ایمن بخش و پناهگاهی امن به او روی می‌آورند به منصفه ظهور می‌رساند (کرک پاتریک، ۱۹۹۹م). افراد در زمان بروز بحران خدا را به‌عنوان پناهگاهی مطمئن (کرک پاتریک، ۱۹۹۹م؛ کلینز و فینی، ۲۰۰۰م، به نقل از کرک پاتریک و روات، ۲۰۰۲م) و همچنین پایگاه امن جهت جستجوگری در محیط (اینسورت و همکاران، ۱۹۸۷م؛ بالبی، ۱۹۸۸م؛ کرک پاتریک، ۱۹۹۹م؛ به نقل از روات و کرک پاتریک، ۲۰۰۲م) می‌دانند. شخص مذهبی با این ایمان پیش می‌رود که وقتی خطری او را تهدید می‌کند خداوند برای محافظت و تسلی دادن در

دسترس خواهد بود. در دیگر مواقع دانش محض از وجود خدا و قابل دسترس بودنش به او اجازه می‌دهد که به مسائل و مشکلات روزانه زندگی با اطمینان نزدیک شود (خوانین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). بدین ترتیب مشخص می‌شود که نوع جهت‌گیری مذهبی افراد (درونی و بیرونی بودن) نسبت به سبک دلبستگی آن‌ها (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) خالی از تأثیر و اثر نیست. تصویر خدا می‌تواند جایگزین نگاره دلبستگی گردد و حتی سبک دلبستگی فرد را تغییر دهد. همچنین نایمن بودن سبک دلبستگی فرد می‌تواند موجب عدم اعتماد به خدا و استفاده سودمدارانه از مذهب گردد. چنان‌که از نتایج پژوهش مشخص می‌گردد جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک دلبستگی دوسوگرا رابطه معنی‌دار دارد. این فرضیه با مبانی فعلی و پژوهش‌هایی نیز که تاکنون صورت گرفته است سازگار است؛ اما نتیجه دیگر پژوهش یعنی همبستگی سبک دلبستگی ایمن با جهت‌گیری مذهبی بیرونی نیاز به تأمل را ضروری می‌نماید. فرضیه‌هایی که می‌توان در این زمینه مطرح ساخت چنین است:

اولین دلیل چنین نتیجه‌ای ممکن است مربوط به نوع پرسشنامه مورد استفاده باشد که علی‌رغم ترجمه، بومی‌سازی و هنجاریابی در داخل کشور، همچنان ممکن است در بخشی از جامعه گویا، شفاف و نمایانگر نوع جهت‌گیری مذهبی افراد نباشد. همچنین از آنجایی که جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش طلاب سطح دو حوزه علمیه قم هستند ممکن است برداشت عوامانه و عرفی مورد نظر این ابزار را فراهم نسازد. توضیح اینک: با توجه به اشتغال دائمی طلاب حوزه علمیه به مطالعه، تحقیق، تفکر و تفقه در دین و متون مقدس دینی این امکان وجود دارد که برداشت هرکدام از ایشان از دین و مذهب با برداشت رایج موجود در متن جامعه متفاوت باشد. به عبارت دیگر مواجهه با متون درجه یک دینی می‌تواند ذهنیتی متفاوت با ذهنیت آحاد افراد غیرمتخصص برای ایشان بسازد. ممکن است طبق برداشت‌های گوناگون از برخی آیات یا روایات توجه ایشان به کارکرد دین و تدین بیشتر از ماهیت اساسی خود دین باشد. مثلاً طبق برخی از متون دین را معادل با اخلاق یا مکارم اخلاقی بدانند و مهم‌ترین رسالت دین را به ارمغان آوردن آرامش و نشاط و اخلاقی و معنوی زیستن و... بدانند. یا معنا بخشی دین به زندگی را دستاورد مهم دین بدانند. مشخصاً چنین برداشتی نمی‌تواند جهت‌گیری مذهبی بیرونی تلقی گردد، هرچند با برخی گویه‌های بیرونی آزمون جهت‌گیری مذهبی هم‌پوشی داشته باشد. ممکن است لازم باشد تأمل و دقت بیشتری در مفهوم جهت‌گیری مذهبی بیرونی اعمال شود و همان‌گونه که عده‌ای آن را به

جهت‌گیری مذهبی بیرونی اجتماعی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی فردی تقسیم کرده‌اند، بین نگاه کارکردی به دین و دین‌داری سودمدارانه و منفعت طلبانه تفاوت قائل شد. هرچند در این زمینه نیاز به پژوهش و نظریه‌پردازی بسیار است.

از مجموع نتیجه بررسی فرضیه‌های فرعی پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی پژوهش یعنی رابطه معنی‌دار بین جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی با مکانیسم‌های دفاعی نیز تأیید می‌گردد. این رابطه مثبت و مستقیم است و این‌طور تفسیر می‌شود که با تغییر در متغیرهای مستقل پژوهش، متغیر وابسته پژوهش نیز در همان جهت تغییر می‌یابد. در صورت افزایش آن‌ها افزایش و در صورت کاهش آن‌ها کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش، طلاب سطح دو حوزه علمیه قم بودند، در تعمیم دادن نتایج به غیر این جامعه آماری لازم است احتیاط صورت گیرد. همچنین با توجه به غیربومی بودن ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش و محدودیت‌هایی که ترجمه و هنجاریابی تست به همراه دارد، استنتاج از پژوهش، سختی‌ها و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. هرچند ما کاملاً به تست و پرسشنامه‌های ترجمه و هنجاریابی شده متعهد ماندیم، با این حال به نظر می‌رسد آزمودنی ایرانی در برداشت صحیح مفاهیم مورد نظر پرسشنامه و نیز تطبیق آن با خلیقات، شخصیت و زندگی خویش با مشکلاتی مواجه می‌گردد. همچنین موضوعات زیر برای تحقیق و پژوهش بیشتر پیشنهاد می‌گردد:

۱. ساخت و اعتباریابی پرسشنامه بومی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی بر اساس مبانی و مفاهیم دین اسلام و خصوصیات جامعه ایرانی.

۲. نظریه‌پردازی و پژوهش در توسعه مفاهیم جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی.

۳. ساخت و اعتباریابی مقیاس‌های بومی سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی بر اساس خصوصیات فرهنگ اسلامی-ایرانی.

منابع

- بشارت، محمدعلی (۱۳۷۹)، *ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال*، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (گزارش طرح پژوهشی).
- بشارت، محمدعلی (۱۳۹۱)، «نقش واسطه‌ای مکانیسم‌های دفاعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ناگویی هیجانی»، *مجله روان‌شناسی کاربردی*، شماره ۲۱، ص ۷-۲۲.
- جان بزرگی، مسعود (۱۳۷۷)، «بررسی اثربخشی روان‌درمان‌گری با و بدون جهت‌گیری مذهبی اسلامی بر

اضطراب و تنیدگی»، *مجله روان‌شناسی*، سال دوم، شماره ۸.

- جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۶)، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، *مجله پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی) دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی*، دوره سی و یکم، شماره ۴، ص ۳۴۵-۳۵۰.
- حیدری نسب، لایلا (۱۳۸۵)، *مقایسه مکانیسم‌های دفاعی در نمونه‌های بالینی و غیربالینی بر اساس هنجاربابی و یافته‌های مبتنی بر روان‌سنجی پرسشنامه ایرانی سبک‌های دفاعی (DSQ)*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- خوانین زاده، مرجان؛ اژه‌ای، جواد و مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۴)، «مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی»، *مجله روان‌شناسی*، شماره ۳۵، ص ۲۲۷-۲۴۷.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۲)، *آزمون‌های روان‌شناختی*، چاپ یازدهم، تهران: بعثت.
- فروید، زیگموند (۱۹۲۳م)، *ایگو و اید*، ترجمه امین پاشا صمدیان (۱۳۸۴)، چاپ اول، تهران: پندار تابان.
- کاپلان و سادوک، بنجامین (۱۳۸۷)، *خلاصه روان‌پزشکی: علوم رفتاری-روان‌پزشکی بالینی*، ترجمه نصرت‌الله پور افکاری، تهران: آینده سازان.
- کرین، ویلیام. سی (۱۳۸۴)، *پیشگامان روان‌شناسی رشد*، ترجمه فرید فدایی، چاپ یازدهم، تهران: اطلاعات.
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ آذرگون، زهره و مرادی، گلمراد (۱۳۸۵)، «بررسی جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی مهاجران بر اساس مدل آلپورت و راس: نمونه مورد مطالعه قصرشیرین»، *مجله علوم اجتماعی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۸۵، ص ۱۴۹-۱۶۹.
- Ainsworth, M. D. S. (1985), Attachment across the life span. *Bull NY Acad Me*, 61, 792-812.
- ———, M. D. S., & Bowlby, J. (1991), An ethiological approach to personality development. *American Psychologist*, 46, 333-341.
- ———, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978), *Patterns of attachment: a psychological study of the strange situation*, Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Allport, G. W. (1950), *The Individual and his religion*. New York, Macmillan.
- Allport, G. W. & Ross, J. M. (1967), Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personal and Social Psychology*, 1, 80-90.
- Bowlby, J. (1969), *Attachment and loss*: Vol. I. Attachment. New York: Basic Books.
- ———, J. (1973), *Attachment and loss: separation*. New York: Basic Books.
- ———, J. (1980), *Attachment and loss: sadness and depression*. New York: Basic Books.
- Feeney, J. A. (1996), Attachment, care giving and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 3, 401-416.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987), Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 511-542.

- –Kirkpatrick, L. A. (1999), *Attachment and religious representations and behavior*. Retrieved from <http://psycnet.apa.org/psycinfo/1999-02469-035>
- –Rowatt, W. C., & Kirkpatrick, L. A. (2002), Two Dimensions of attachment to God and their relation to affect and personality constructs. *Scientific study of Religion*, 41, 637-651.

اسلام پرورش‌های روان‌شناختی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ (ص ۱۰۷-۱۱۹)

رابطه دین‌داری، نگرش و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در جامعه ایران (مطالعه مروری)

The relationship between religiosity, religious approach and orientation with happiness in Iranian society (Review study)

✉ احمد فرشادفر / دانشجوی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

Ahmad Farshadfar / M.A. Student of Positive Psychology, Quran and Hadith University, Qom, Iran.

a.farshadfar@chmail.ir

Abstract

In the present era, with the increase of positive psychological movements, many requests have been accepted to identify the factors and strategies to increase happiness and mental health. One of these is the study of the effect of religion on happiness.

Research in this field has had different methods and even results. The present study seeks to express the results and summarize a series of studies conducted in Iran on the impact of religiosity and religious orientation on happiness. In this article, first, using appropriate keywords and searching in Google browser and magiran and iranmedex sites, a significant number of researches were found, and after studying about 20 of them, finally 10 articles using similar questionnaires and statistical methods were chosen and their data was analyzed.* The findings showed that there is a positive correlation and a significant relationship

چکیده

در عصر حاضر با افزایش جنبش‌های روان‌شناسی مثبت تلاش‌های فراوانی جهت شناسایی عوامل و راهکارهای افزایش شادکامی و سلامت روان صورت پذیرفته است. یکی از این موارد بررسی تأثیر دین و مذهب بر شادکامی است. پژوهش‌ها در این حوزه از روش‌ها و حتی نتایج متفاوتی برخوردار بوده‌اند. پژوهش حاضر در صدد بیان نتایج و جمع‌بندی دسته‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در ایران پیرامون تأثیر دین‌داری و جهت‌گیری مذهبی بر شادکامی است. در این مقاله ابتدا با استفاده از کلیدواژه‌های مناسب و جستجو در مرورگر گوگل و سایت‌های magiran و iranmedex تعداد قابل توجهی پژوهش یافت شد که با مطالعه حدود ۲۰ مورد از آنها، نهایتاً ۱۰ مقاله که در آنها از پرسشنامه‌ها و روش‌های آماری مشابه استفاده شده بود، انتخاب شده و داده‌های آنها مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های

between religiosity, religious attitude and orientation and happiness, and with increasing the level of religiosity, religious attitude and internal religious orientation, happiness increases.

As a result, one of the solutions to increase happiness is planning and compiling educational and cultural packages to strengthen religiosity, religious attitude and internal religious orientation.

Keywords: religious attitude, happiness, religiosity, religious orientation

پژوهش نشان داد که همبستگی مثبت و رابطه معناداری بین دین‌داری، نگرش و جهت‌گیری مذهبی و شادکامی وجود دارد و با افزایش سطح دین‌داری، نگرش مذهبی و جهت‌گیری مذهبی درونی، شادکامی فرد افزایش می‌یابد. در نتیجه یکی از راه‌ها جهت افزایش شادکامی برنامه‌ریزی و تدوین بسته‌های آموزشی و فرهنگی جهت تقویت دین‌داری، نگرش مذهبی و جهت‌گیری مذهبی درونی است.

کلیدواژه‌ها: نگرش مذهبی، شادکامی، دین‌داری، جهت‌گیری مذهبی

مقدمه

امروزه بشر بیش از هر زمان دیگری به دنبال گمشده‌ای است که آرامش و سعادت خود را با آن تأمین نماید. دین، ایمان و ماوراء همواره مورد توجه بشریت بوده و فرستادگان الهی همواره پیام تأمین سعادت بشریت را با خود به همراه داشته‌اند.^۱ درباره دین و کارکردهای آن، پژوهش‌های مختلفی با دیدگاه‌های متفاوتی صورت پذیرفته است (آرجیل و بیت اللحمی^۲، ۱۹۷۵، برگین^۳، ۱۹۸۳، پارگامنت و اولسون^۴، ۱۹۹۲، به نقل از خدایاری فرد ۱۳۸۸). توجه محققین به روان‌شناسی دین در دهه‌های اخیر نشان از اهمیت موضوع دین‌داری و کارکردهای روان‌شناختی آن دارد (ینگر^۵، ۱۹۷۰، وولف^۶، ۱۹۹۱، آرجیل^۷، ۲۰۰۰، به نقل از خدایاری فرد ۱۳۸۸). در نحوه نگاه به دین و کارکردهای آن دیدگاه‌های متفاوتی در روان‌شناسی وجود دارد. برخی همچون روان‌تحلیلگران، دین را امری موهوم و منفی معرفی

۱. انفال، ۲۴.

2. Argyle & Hallahmi.
3. Bergine.
4. Pargament & Olsen.
5. Yinger.
6. Wulff.
7. Argyle.

کرده‌اند تا جایی که فروید در کتاب آینده یک پندار (۱۹۶۷) بیان می‌کند که دین یک پندار یا چارچوب خیالی است که انسان برای رسیدن به بلوغ باید از قید آن آزاد گردد. رفتاری نگرها نیز دین را به عنوان فرایندی که بر اساس پاداش‌های داده شده به انسان شکل گرفته توصیف می‌کنند (آرژیل، ۲۰۰۰). این در حالی است که دسته‌ای دیگر از اندیشمندان نظری مخالف آنها ارائه نموده و دین را امری خردمندانه و عمیق‌ترین چیز در زندگی انسان می‌دانند (۱۹۰۲م، به نقل از نیلسن^۱، ۲۰۰۱م) اریکسون (۱۹۶۸م، به نقل از نیلسن، ۲۰۰۱م) مذهب را نهاد ارزشمندی می‌داند که نقش مهمی در تأمین نیازهای روان‌شناختی بشر ایفا کرده است. پژوهش حاضر تلاشی است جهت بررسی یکی از کارکردهای مثبت دین در زندگی بشر. به عبارتی دیگر در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا دین به‌طور کلی تأثیر مثبتی بر شادکامی فرد در زندگی دارد یا خیر و جمع‌بندی پژوهش‌های صورت گرفته در این باره چگونه است؟

از آنجا که ابزارهای سنجش با عناوینی چون نگرش مذهبی دین‌داری و جهت‌گیری مذهبی مطرح هستند لازم است قدری درباره هر یک از این مفاهیم توضیح دهیم. لازم به ذکر است که تمام این مفاهیم غرض این پژوهش که بررسی رابطه دین با شادکامی است را تأمین می‌نمایند.

از دین‌داری تعاریف متعددی ارائه شده است. به عنوان نمونه ویلیام جیمز (ترجمه قائنی ۱۳۷۶) دین را ایجاد رابطه معنوی با دنیایی نامحسوس به عنوان روح عالم خلقت می‌داند. خدایاری فرد (۱۳۸۸) دین‌داری را این‌گونه تعریف می‌کند: «برخورداری از شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و احکام الهی و داشتن عواطف نسبت به خدا، اولیا و بندگان خدا و التزام و عمل به وظایف دینی برای تقرب به خداوند». هرچند تعاریف ارائه شده از دین‌داری و نگرش مذهبی به صورت دقیق از هم متمایز نشده و محققین بیشتر به کارکردها و عوامل آنها پرداخته‌اند و بعضاً این مفاهیم در جای یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما از تعریف خدایاری فرد (۱۳۸۸) که مبنای پرسشنامه دین‌داری وی قرار گرفته است چنین بر می‌آید که نگرش مذهبی جنبه شناختی دین‌داری است. وی در مقاله‌ای به تبیین پرسشنامه خود درباره سنجش نگرش مذهبی (۱۳۷۵) پرداخته و می‌گوید این پرسشنامه ابعاد اساسی اعتقادی مخاطب خود در حوزه جهان‌بینی و ایدئولوژی را می‌سنجد. در واقع پرسشنامه

جدید وی که در سال ۱۳۷۹ تهیه شده، نسخه کامل‌تر و ارتقا یافته پرسشنامه نگرش مذهبی وی است که جنبه‌های دیگری را نیز سنجیده است. پژوهش‌های مورد بررسی غالباً از نسخه سنجش نگرش مذهبی وی استفاده نموده‌اند. مراد ما در پژوهش حاضر از نگرش مذهبی، نمره کلی کسب شده آزمودنی‌ها در مقیاس نگرش مذهبی خدایاری فرد است.

درباره مفهوم جهت‌گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰) می‌گوید: افراد مذهبی از هرگونه زشتی و پلیدی که از نظر مذهب ضد ارزش محسوب می‌شود می‌پرهیزند و به سوی هر چه پاکی و نیکی است می‌گرایند. این همان چیزی است که جهت‌گیری مذهبی درونی خوانده می‌شود (به نقل از خدایاری فرد، ۱۳۸۸). چنین افرادی وقتی باوری را قبول می‌کنند سعی می‌کنند آن را درونی ساخته و به‌طور کامل دنبال کنند (آلپورت ۱۹۶۷، به نقل از جعفری، ۱۳۸۹). این در صورتی است که افراد مذهبی با انگیزش بیرونی مذهب را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود تلقی می‌کنند. این افراد برخلاف افراد با جهت‌گیری درونی، احتمال دارد شرکت در اجتماعات دینی و انجام مناسک مذهبی را وسیله‌ای برای ارضای نیاز به آرامش درونی، امنیت روانی، کسب مقام و تحکیم موقعیت اجتماعی و شخصی خود قرار دهند. (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۷۸).

واژه Happiness در زبان انگلیسی به دو معنا به کار می‌رود؛ یکی شادی است که در این صورت به معنای هیجانانگیز مثبت خواهد بود و دیگری شادکامی است که با خوشنودی و رضایت از زندگی مترادف است و همین معنای دوم است که در روان‌شناسی مثبت‌گرا از آن بحث می‌شود (پسندیده، ۱۳۹۵). روان‌شناسان درباره معنای شادکامی کمتر سخن گفته‌اند و آن را امری روشن برای عموم مردم در نظر گرفته و بیشتر به مؤلفه‌ها و عوامل آن پرداخته‌اند (پسندیده، ۱۳۹۵)؛ اما در دهه‌های اخیر جنبش‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا با تمرکز بیشتر بر مفهوم شادکامی سعی در تعریف و ارتقای این مفهوم داشته‌اند. ابتدا شادکامی ملازم با لذت جویی به نظر می‌رسید؛ لذا مفهوم لذت‌گرایی شادکامی با عنوان بهباشی درونی^۲ این‌گونه تعریف شد: عاطفه مثبت زیاد + عاطفه منفی کم + رضایت از زندگی (دینر^۳، ۲۰۰۰). با پیشرفت روان‌شناسی مثبت‌گرا پژوهشگران به این نت^۴ می‌گویند شادکامی حقیقی در

1. Alport.

2. Subjective wellbeing (SWB).

3. Diner.

4. Eudaimonic wellbeing.

ابراز فضیلت^۱ و انجام دادن آنچه شایسته انجام است یافت می‌شود (هفرن، بونیول^۲، ۲۰۱۱). آنچه در اینجا اهمیت دارد تعریف آرجیل و کروسلند^۳ (۱۹۸۷) است. آنها یک تعریف عملیاتی از شادکامی ارائه نموده‌اند که بر مبنای SWB و دارای سه بخش است: ۱. فراوانی و درجه عاطفه مثبت یا احساس خوشی، ۲. میانگین سطح رضایت در طول یک دوره، ۳. نداشتن احساس منفی، افسردگی و اضطراب. این تعریف در پرسشنامه آکسفورد مبنای اندازه‌گیری شادکامی قرار گرفته است.

روش پژوهش

مقالات مروری در سه سطح تشریحی یا ساده، سیستماتیک و متاآنالیز نوشته می‌شوند. مقاله پیش‌رو به روش تشریحی نوشته شده که در آن پس از انتخاب مقالات بر اساس معیارهای تعیین شده در پژوهش نتایج حاصل از پژوهش‌ها با یکدیگر مقایسه و پژوهشگر با نقد و بررسی آنها سعی در جمع‌بندی نتایج می‌کند. در این پژوهش ابتدا با استفاده از کلیدواژه‌های نگرش مذهبی، جهت‌گیری مذهبی، دین‌داری و شادکامی از مجموعه پایگاه‌های magiran، iranmedex و موتور جستجوگر گوگل مجموعه‌ای از مقالات یافت شد که از این مجموعه بیش از ۲۰ مقاله استخراج شده و سپس با مطالعه چکیده آنها حدود ۱۵ مقاله برگزیده شد و با بررسی آنها ۱۰ مقاله معیار کار قرار گرفت که نتیجه حاصل از آنها مورد جمع‌بندی قرار گرفته است. نتیجه ۹ مقاله از مقالات تحلیل شده یکسان بوده و احتمالاتی برای علت تفاوت نتیجه آن یک مقاله نیز در انتها ذکر شده است. نحوه گزینش و معیار انتخاب مقالاتی که در نتیجه نهایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند بدین شرح است:

معیار انتخاب: مقالاتی که بر اساس آمار توصیفی و با استفاده از پرسشنامه‌های معتبری که روایی آنها در ایران مورد تأیید قرار گرفته نگاشته شده‌اند؛ مانند پرسشنامه آکسفورد در شادکامی و مقیاس نگرش مذهبی خدایاری فرد و جهت‌گیری مذهبی درونی-بیرونی آلپورت و... پژوهش‌های صورت گرفته غالباً از همین مقیاس‌ها استفاده نموده‌اند.

معیار عدم انتخاب: مقالاتی که از پرسشنامه‌های نامعتبر استفاده نموده یا نمونه‌ها را به گونه‌ای برگزیده‌اند که احتمال سوگیری در نتیجه آزمایش در آنها بالا است، مانند گزینش

1. Expression of virtue.

2. Hefferon & Beniwel.

3. crossland.

نمونه‌ها از اعضای انجمن اسلامی. در اینجا پرسشنامه‌های معتبری که مبنای جمع‌بندی پژوهش حاضر قرار گرفته‌اند به طور اجمالی معرفی می‌شوند:

پرسشنامه نگرش مذهبی

این مقیاس توسط خدایاری فرد، شکوهی یکتا و غباری بناب در سال ۱۳۷۹ تهیه شده که شامل ۴۰ سؤال در خصوص عبادات، اخلاقیات، ارزش‌ها، اثر مذهب در زندگی انسان، رفتار انسان، مباحث اجتماعی، جهان‌بینی و باورها نسبت به علم و دین می‌باشد. نمره‌گذاری بر اساس روش لیکرت با گزینه‌های کاملاً موافقم، کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم تنظیم شده است. برای نمره‌گذاری مقیاس به هر یک از گزینه‌های انتخاب شده که نگرش مثبت تلقی شده‌اند ۴ و ۵ امتیاز، گزینه‌هایی که نگرش منفی تلقی شده‌اند یک و دو و به گزینه‌های بینابین نمره ۳ تعلق گرفته است. بیشترین نمره در این مقیاس ۱۲۰ امتیاز است.

پرسشنامه دین‌داری خدایاری فرد و همکاران ۱۳۸۵

این پرسشنامه متشکل از ۹۷ سؤال سنجش دین‌داری در سه مؤلفه باور دینی، عواطف دینی و التزام و عمل به وظایف دینی و نیز ۵ سؤال اندازه‌گیری وانمود اجتماعی و یا تلاش برای ارائه تصویر مطلوب اجتماعی از خود از نظر مذهبی است. مقیاس اندازه‌گیری و پاسخ‌گویی به هر یک از عبارات و مؤلفه‌ها در پرسشنامه دین‌داری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵) طیف لیکرت ۶ درجه است که برای گروهی از سؤالات: زیاد موافقم، موافقم، تا حدی موافقم، تا حدی مخالفم، مخالفم و زیاد مخالفم و برای برخی دیگر: همیشه، اکثر اوقات، معمولاً، گاهی اوقات، به ندرت و هرگز است. در نمره‌گذاری به هر یک از درجات، مقیاسی از یک تا شش بر حسب کم به زیاد تعلق می‌گیرد. پایایی این پرسشنامه توسط سراج زاده و رحیمی (۱۳۹۲) با آزمون آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار spss به دست آمده و میزان آن ۰٫۸۹ گزارش شده است (حجازی، ۱۳۹۲).

مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی - بیرونی آلپورت (ROS)

آلپورت بر مبنای کوشش‌های نظری مقیاسی ۲۰ گزینه‌ای ساخت که یازده گزینه آن به جهت‌گیری

مذهبی برونی و نه گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی درونی اشاره می‌کردند. در سال ۱۹۶۳ فگین^۱ با افزودن یک سؤال به مقیاس آلپورت یک نسخه ۲۱ گزینه‌ای ارائه نمود. برای سنجش روایی این آزمون در ایران مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی و برونی فگین به فارسی ترجمه شد و صحت ترجمه آن با بازخوانی توسط متخصصین دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید و سپس با بازنویسی‌های متعدد، سعی در تناسب نمودن آن با بافت فرهنگی مذهبی ایران گردید و گزینه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم گردید. در این مقیاس نمره‌گذاری برای سؤالات مقیاس جهت‌گیری مذهبی-برونی بدین صورت می‌باشد: کاملاً مخالفم ۵، تقریباً مخالفم ۴، تقریباً موافقم ۲ و کاملاً موافقم ۱. اعتبار این مقیاس توسط جانبرزگی (۱۳۷۸) در یک نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان استان تهران با اعتبار ۰/۷۳۷ بر اساس آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفته است (جعفری ۱۳۸۹).

پرسشنامه شادکامی آکسفورد

این مقیاس شامل ۲۹ ماده است که توسط آرژیل لو و مارتین در سال ۱۹۹۵ تهیه شده و در یک طیف چهار درجه‌ای نمره‌گذاری شده است. پرسشنامه سازه‌های روان‌شناختی مربوط به علاقه‌های اجتماعی، برون‌گرایی، مهربانی، موافقت، شوخ‌طبعی، احساس هدفمندی، خودبستگی، حرمت خود، پذیرش خود، سلامت جسمی، خودمختاری، مکان کنترل و احساس زیبایی شناختی را ارزیابی می‌کند. روایی این مقیاس در ایران توسط علی پور و نوربالا (۱۹۹۵) ۰/۹۳ و پایایی آن ۰/۹۲ گزارش شده است.

یافته‌ها

بدون شک بررسی مقالات نوشته شده در یک موضوع واحد با ابزارهای مشابه، بهترین وسیله جهت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در آن موضوع است. تبیین ارتباط بین شادکامی و نگرش دینی در ده مقاله منتخب به شرح زیر می‌باشد:

در پژوهش عراقی و توکلی که بر روی دانشجویان دختر با جامعه آماری ۵۵۴۰ نفر و نمونه ۱۸۹ نفر صورت گرفت. بین نگرش مذهبی و شادکامی ضریب همبستگی ۰/۷۵ پیرسون و ۰/۷۸ اسپیرمن مشاهده شد و مقدار p کوچک‌تر از سطح معنادار ۰/۰۰۱ است که نشان دهنده

رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر بوده و به عبارتی دانشجویانی که دین داری بیشتری دارند از میزان شادکامی بالاتری نیز برخوردارند. متأسفانه این پژوهش به صورت واضح بیان نکرده که از چه پرسشنامه‌ای برای سنجش مقیاس دین داری استفاده نموده است؛ لذا در جمع بندی نهایی این مقاله کنار گذاشته شده است.

در پژوهش حجازی صبحی و حسینی که بر روی دانش آموزان دختر مقطع دوم متوسطه شهرستان سجاسرود با جامعه ۴۰۸ و نمونه ۲۰۰ نفر صورت گرفت، رابطه بین دین داری و شادکامی با $p < 0,05$ مثبت و معنادار با ضریب همبستگی ۰,۴۱ می باشد.

در پژوهش قادری که بر روی ۳۸۹ سالمند (۲۴۷ مرد و ۱۴۲ زن) صورت گرفته است، بین جهت گیری مذهبی درونی با شادکامی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد $p < 0,01$. این پژوهشگر از پرسشنامه آلپورت جهت سنجش جهت گیری مذهبی استفاده نموده است.

در پژوهش اکبریان که بر روی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان آستارا در سال ۹۳ صورت گرفته از جامعه آماری ۳۷۵۷ نتایج آزمون‌ها بر روی نمونه ۲۰۸ نفری حاکی از آن است که بین نگرش مذهبی و شادکامی با ضریب اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی دار وجود دارد ($F = 3,69$ $p = 0,027$) و با افزایش نگرش مذهبی شادکامی افزایش می یابد.

در پژوهش رشیدی، ملک محمدی و شریفی ۳۷۳ نفر از دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه مورد مطالعه قرار گرفتند که در آن از پرسشنامه نگرش مذهبی آلپورت و پرسشنامه شادکامی آکسفورد استفاده شده بود. بین جهت گیری مذهبی درونی و شادکامی ضریب همبستگی ۰,۲۶ با سطح معنی دار ۰,۰۱ وجود دارد؛ اما بین جهت گیری مذهبی بیرونی و شادکامی ارتباطی وجود ندارد. به عبارتی این نتیجه مؤید نظریه آلپورت است که اثرات دین داری را مترتب بر نهادینه شدن دین در فرد می داند (به نقل از هاشملو، ۱۳۹۶).

در پژوهش بخشی پور و رمضان زاده که بر روی ۱۲۰ (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) نفر از دانش آموزان پیش دانشگاهی صورت پذیرفته بود، رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دختران با ضریب همبستگی ۰,۸۸ و سطح معناداری ۰,۰۰۰۵ مثبت ارزیابی شد؛ اما در دانش آموزان پسر $r = -0,16$ و $p < 0,0005$ شد که این به معنای عدم ارتباط نگرش مذهبی در پسران و شادکامی آنها می باشد.

در پژوهش دهکردی و همکاران که بر روی ۲۲۱ نفر از سالمندان بالای ۶۰ سال صورت پذیرفت (۸۱ زن و ۱۴۱ مرد) بین سطوح مختلف نگرش مذهبی با احساس شادکامی ($F=۴,۱۹۴$ در سطح معنی‌دار $p>۰,۰۵$) تفاوت معنی‌دار وجود دارد که پس از استفاده از آزمون شفه^۱ به این نتیجه رسیده که بین سطوح قوی و متوسط نگرش مذهبی با شادکامی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی با افزایش نگرش مذهبی شادکامی نیز افزایش می‌یابد؛ اما بین سطح پایین آن با شادکامی تفاوت معناداری وجود ندارد.

در پژوهش احمدی و یزد خواستی که در آن از مقیاس نگرش سنج مذهب گلریز و براهنی (۱۳۵۳) استفاده کرده بودند، نتایج آزمون روی ۱۲۸ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان حاکی از آن است که ارتباط نگرش مذهبی با شادکامی با ضریب همبستگی $۰,۰۲۴$ معنادار نمی‌باشد.

در پژوهش صحرائیان غلامی و امیدوار که بر روی ۲۷۱ نفر (۱۶۴ مرد و ۱۰۷ زن) از دانشجویان پزشکی در سال ۸۷ صورت پذیرفت، رابطه بین نگرش مذهبی و شادکامی ($p=۰,۰۰۰۱$ - $r=۰,۲۵۶$) مثبت و معنی‌دار است.

در پژوهش کاظمیان و مهرابی زاده که بر روی ۱۸۰ نفر (۹۰ مرد و ۹۰ زن) از دانشجویان صورت پذیرفت ضریب همبستگی پیرسون با مقدار $۰,۶۳$ نشان داد که رابطه بین شادکامی و نگرش مذهبی مثبت و معنادار است $p<۰,۰۰۱$.

جدول مقالات منتخب ارتباط نگرش مذهبی با شادکامی

ارتباط مستقیم دو متغیر	پرسشنامه دین داری	پرسشنامه شادکامی	حجم نمونه	روش نمونه گیری	گروه هدف	سال و مکان مطالعه	نام پژوهشگر	
+	پرسشنامه دین داری	آکسفورد	۱۸۹	تصادفی	دانشجویان دختر دانشگاه آزاد	۸۸ کرمان	توکلی	۱
درونی+ بیرونی- ^۱	جهت گیری مذهب آلپورت	آکسفورد	۲۷۳	تصادفی	دانشجویان دانشگاه رازی	۹۳ کرمانشاه	رشیدی	۲
پسران- دختران+	نگرش مذهبی خدایار فر	آکسفورد	۱۲۰	خوشه ای	دانش آموزان پیش دانشگاهی	۸۸ بهشهر	بخشی پور	۳
+	نگرش مذهبی خدایار فر	آکسفورد	۲۲۱	تصادفی	سالنندان بهزیستی	۹۳ ارومیه	دهکردی	۴
+	نگرش مذهبی خدایار فر	آکسفورد	۲۰۸	تصادفی	دانش آموزان دوم متوسطه	۹۳ آستارا	اکبریان	۵
-	نگرش سنج مذهب کلریزد- براهینی	آکسفورد	۱۲۸	خوشه ای	دانشجویان دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی	۹۲ اصفهان	احمدی	۶
+	دین داری خدایار فر	آکسفورد	۲۰۰	خوشه ای	دانش آموزان دختر متوسطه	۹۲ سجاسرود	حجازی	۷
درونی+ بیرونی-	جهت گیری مذهبی آلپورت	آکسفورد	۳۸۹	خوشه ای	سالنندان بالای ۶۰ سال	۸۸ تهران	قادری	۸
+	نگرش مذهبی خدایار فر	آکسفورد	۱۸۰	تصادفی	دانشجویان دانشگاه آزاد	۸۸ بهبهان	کاظمیان	۹
+	نگرش مذهبی خدایار فر	آکسفورد	۲۷۱	تصادفی	دانشجویان پزشکی	۸۷ شیراز	صحرائیان	۱۰

بحث و نتیجه گیری

در نهایت ۱۰ مقاله معتبر که در بازه زمانی ۸۷ تا ۹۳ انجام گرفته اند مورد تحلیل واقع شدند. پژوهش توکلی به دلیل روشن نبودن پرسشنامه مورد استفاده اش کنار گذاشته شد؛ اما در سایر موارد با توجه به پرسشنامه های مشابه و نمونه های مقطعی متفاوت می توان به این نتیجه رسید که هر چند میزان سطح ضریب همبستگی در پژوهش های مختلف متفاوت و با شدت و ضعف همراه

است؛ اما در سطوح و طیف‌های مختلف جامعه شادکامی با دین‌داری، نگرش و جهت‌گیری مذهبی ارتباطی مستقیم و معنادار دارد و با افزایش سطح دین‌داری و نگرش مذهبی شادکامی نیز افزایش می‌یابد و در یک نگاه کلان دین رابطه مستقیمی با سطح شادکامی افراد دارد. این نتیجه‌گیری با فرا تحلیل نیازی (۱۳۹۸)، نتایج هیتزمن (۱۹۸۶) و یلسون (۲۰۰۱) شعاع کاظمی (۱۳۸۸) عبدالخالق و ناصر (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. در تبیین تفاوت نتیجه بخشی‌پور که ارتباط را در دختران معنی‌دار و در پسران بی‌معنا تفسیر نمود، باید گفت با توجه به مخالفت نتیجه آن با مقالات موازی باید نحوه‌گرینش و تعداد نمونه‌های وی مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرد. درباره گزارش احمدی نیز که معناداری رابطه شادکامی و نگرش مذهبی را منتفی دانسته می‌توان گفت استفاده وی از پرسشنامه متفاوت و تعداد پایین نمونه‌ها ممکن است در نتیجه اثر گذاشته باشد؛ ضمن اینکه این پرسشنامه مربوط به سال ۱۳۵۳ می‌باشد در حالی که پرسشنامه نگرش مذهبی خدایاری فرد و جهت‌گیری مذهبی درونی-بیرونی آپورت جدیدتر و روایی آنها جدی‌تر مورد پژوهش قرار گرفته است. البته خود نگارنده علت مغایرت را به نظریه آپورت ارجاع داده که علت این مطلب نهادینه نبودن دین در نمونه‌های مورد مطالعه بوده است. در نهایت باید گفت در پژوهش‌های حاضر تنها حجازی از پرسشنامه دین‌داری خدایاری فرد استفاده نموده و با توجه به اینکه این مقیاس مؤلفه‌های دین‌داری را در چهار بعد شناخت دینی، باور دینی، علایق و عواطف دینی و التزام به وظایف دین تقسیم‌بندی نموده است و سنجیده و تنها به بعد شناختی آن اکتفا نموده و روایی آن بر مبنای ساختار نظریه دینی و با مراجعه به روایات و احادیث و کتب شهید مطهری و شهید صدر و نیز تأیید ۱۲ نفر از متخصصان صاحب‌نظر در حوزه‌های روان‌شناسی روان‌سنجی و دین که سابقه انجام طرح پژوهش در این زمینه را داشتند مورد تأیید قرار گرفته است (خدایاری فرد، ۱۳۸۸). پرسشنامه وی ابزار جامع و مناسبی جهت تحلیل سطح دین‌داری مردم ایران تلقی می‌شود و لذا انتظار می‌رود در پژوهش‌های آینده برای تعیین سطح دین‌داری از این پرسشنامه استفاده شود. این نکته قابل ذکر است که جامعه مورد بررسی مردم ایران بوده‌اند و با توجه به اهمیت فرهنگ و بافت‌های اجتماعی در بررسی‌های روان‌شناختی (براتی، ۱۳۹۹) بررسی ارتباط این دو عامل با یکدیگر در ملت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت مجدداً نیاز به تحلیل و ارزیابی دارد. توجه به این سؤال که آیا این ارتباط در سایر ادیان و فرهنگ‌ها نیز به همین صورت برقرار است یا خیر؟ می‌تواند زمینه را برای پژوهش‌های آتی فراهم آورد.

منابع

- «بررسی رابطه نگرش مذهبی، خودپنداره و حمایت اجتماعی با رضایت شغلی زنان کارمند در دانشگاه های شهر کرمان»، پایان نامه ارشد.
- احمدی فروشانی، سید حبیب الله و یزدخواستی، فریبا (۱۳۹۲)، «رابطه بین نگرش مذهبی سلامت روان شادی و لذت در دانشجویان»، **مجله دستاوردهای روان شناختی دانشگاه شهید چمران اهواز**، دوره چهارم، شماره ۱.
- اکبریان، فرامرز (۱۳۹۵)، «رابطه نگرش مذهبی با شادکامی و خودکارآمدی دانش آموزان دوره متوسطه»، **مجله روان شناسی مدرسه**، تابستان ۱۳۹۵.
- بخشی پور، باب الله و رمضان زاده، ثریا (۱۳۹۳)، «نگرش مذهبی و رابطه آن با شادکامی در نوجوانان دبیرستانی»، **رشد آموزش مشاور مدرسه**، شماره ۳۶.
- براتی، فرید (۱۳۹۹)، «جزوه بازسازی مثبت».
- پسندیده، عباس (۱۳۹۵)، **الگوی اسلامی شادکامی**، ویراست دوم، انتشارات دارالحدیث.
- جعفری، علیرضا (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین جهت گیری مذهبی با شیوه های مقابله با استرس»، **علوم رفتاری**، شماره ۱، ص ۹۱ - ۱۱۴.
- حجازی، مسعود؛ صبحی، افسانه و حسینی، مرتضی، «رابطه دین داری با رضایت از زندگی و شادکامی دختران دانش آموز»، **مجله زن و مطالعات خانواده**، سال ششم، شماره ۲۲.
- حسن وند عموزاده، مهدی (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه نگرش مذهبی و کیفیت زندگی در میان مددجویان سازمان بهزیستی»، **مجله سلامت و بهداشت**، سال ششم، شماره ۵.
- رشیدی، علیرضا؛ ملک محمدی، فاطمه و شریفی، سارا (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه بین جهت گیری مذهبی با شادکامی و کیفیت زندگی»، **روان شناسی و دین**، سال نهم، شماره اول.
- زیگموند فروید، ترجمه هاشمی رضی (۱۳۳۰)، **آینده یک پندار**، انتشارات کاوه.
- صحرائیان، علی؛ غلامی، عبدالله و امیدوار، بنفشه، (۱۳۹۰)، «رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز»، **فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد**، دوره ۱۷، شماره ۱.
- عابدی، محمدرضا؛ میرشته جعفری، سید ابراهیم و لیاقتدار، محمد جواد، «**هنجار یابی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه اصفهان**».
- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ محتشمی، طیبه؛ پیمانفر، الیکا و برجعلی، احمد (۱۳۹۳)، «مقایسه سطوح مختلف نگرش مذهبی بر احساس معنا تنهایی و شادکامی در زندگی سالمندان تحت پوشش سازمان بهزیستی»، **مجله سالمند**، دوره ۹، شماره ۴.
- قادری، داوود (۱۳۸۹)، «رابطه جهت گیری مذهبی و شادکامی سالمندان»، **مجله سالمندی ایران**، سال پنجم، شماره ۱۸.

- کاظمیان مقدم، کبری و مهربایی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه نگرش مذهبی با شادکامی»، **روان‌شناسی و دین**، سال دوم، شماره ۴.
- کیت هفرن، ایلونا بونیول (۱۳۹۷)، **روان‌شناسی مثبت‌نگر نظریه‌ها، پژوهش‌ها و کاربردها**، ترجمه محمد تقی تبیک، محسن زندگی، چاپ پنجم، انتشارات دارالحدیث.
- مجری: دکتر محمد خدایاری فرد، همکار اصلی: دکتر عباس رحیمی نژاد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (۱۳۸۸)، «**گزارش نهایی طرح پژوهشی: آماده‌سازی مقیاس دین‌داری و ارزیابی سطوح دین‌داری اقشار مختلف جامعه ایران (مراکز استان‌ها)**».
- مظاهری، محمد علی، پسندیده، عباس، صادقی، منصوره سادات (۱۳۹۰)، **مثلث ایمان (الگوی ابعادی رابطه انسان با خدا)**، انتشارات دارالحدیث.
- منظری توکلی، علیرضا و عراقی پور، نجمه (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین دین‌داری و شادکامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان»، **فصلنامه روان‌شناسی تربیتی**، سال ششم، شماره ۱۹.
- نیازی، محسن؛ حسینی زاده آرانی، سید سعید؛ یعقوبی، فاطمه؛ سخایی، ایوب و امیری دشتی، سیده مهدیه (۱۳۹۸)، «دین و سلامت، فرا تحلیلی بر مطالعات و پژوهش‌های دین‌داری و سلامت روان در ایران»، **فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی سلامت**، سال هشتم، شماره ۱.
- هاشملو، جعفر (۱۳۹۶)، «**دیدگاه آلپورت درباره دین**»، <http://jafarhashemlou.blogfa.com/post/۱۰۲۶>
- ولی زاده، فرزانه و کرامت، افسانه (۱۳۹۸)، «شادکامی و رضایت زناشویی در ایران، مقاله مرور سیستماتیک و متآنالیز»، **مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی**، دوره ۱۷، شماره ۲، ص ۱۳۱-۱۳۲.

Contents

The Effect of Life Skills Training on Social and Mental Damage of First High School Students in Qom City in the Academic Year of 1395 – 1396.....7

Mohammad Hadi Salehi Bahabadi / Amin Rahmati / Mojtaba Farhoush

The relationship between family performance and children’s self-concept according to parents’ religious attitudes.....25

Saeed Zare Banadkouki / Mohammad Reza Jahangirzadeh / Masoud Noor Alizadeh Mediator

Emotional divorce: the role of personality traits and Attachment to God.....41

Abbas Khalili / Reza Mahkam / Hossein Rezaeian Bilondi

The relationship between Islamic optimism and heresy with Islamic marital satisfaction.....63

Mahdi Noorpanah / Jafar Jadiri / Mohammad Reza Bonyani

Relationship of Religious Orientation and Attachment Styles with Defense Mechanisms.....85

Mohammad Hossein Kafil/ Hassan Taghian / Dr. Safouraei

The relationship between religiosity, religious approach and orientation with happiness in Iranian society (Review study).....107

Ahmad Farshadfar

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research

Two Quarterly Journal of Psychology

Vol.6, No. 13

Spring & Summer 2020

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Executive Secretary: Hadi Ershad Hosseini

Editorial Board

Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zarean: *Academic Institute for Ethics And Education*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei: *IKI*

Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Dr. Ali Fathi Ashtiani: *Baqiyatallah University*

Dr. Hadi Bahrami Ehsan: *Tehran University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi: *IKI*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

www.ipr.ueae.ir

pajoohesh.ueae@gmail.com

فرم اشتراک دو فصلنامه

مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: نام:
میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس و کد پستی:
صندوق پستی: تلفن:

امضاء متقاضی

مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: واحد درخواست کننده:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس:
کد پستی: صندوق پستی:
تلفن: دورنگار:

امضاء مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، به نام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را به وسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان: ۲۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۱۰۰.۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالیانه برای عموم: ۲۴۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۱۲۰.۰۰۰ ریال